

راهنمای مطالعه کتاب مقدس
برای مدرسه شبه بزرگسالان

سه ماهه چهارم

اکتبر - نوامبر - دسامبر

کتاب ارمیا



mi-yittan

زبان عبری کتاب مقدس مانند اکثر زبان‌ها سرشار از اصطلاحات، واژگان و عبارتهایی است که معنایی متفاوت از آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، دارند. یک نمونه *mi-yittan* است که از دو واژه عبری تشکیل شده است: *mi* که کلمه پرسشی "چه کسی؟" است و *yittan* به معنی "خواهد داد" است. بنابراین این عبارت را داریم "چه کسی خواهد داد؟"

در کتاب مقدس به زبان عبری این عبارت بیان کننده یک آرزو یا تمایل و یا کسی که چیزی را خیلی زیاد می‌خواهد، است. برای مثال، فرزندان اسرائیل پس از فرار از مصر که در بیابان با سختی‌هایی روبرو شدند، بانگ برآوردند "کاش که در زمین مصر به دست خداوند مرده بودیم!" (خروج باب ۱۶ آیه ۳). عبارت "کاش" از *mi-yittan* می‌آید. در آیه ۷ باب ۱۴ مزامیر، داود می‌گوید "کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد!" در زبان عبری کاش وجود ندارد؛ بلکه *mi-yittan* بیان شده است. در آیه ۸ باب ۶ ایوب وقتی که او می‌گوید "کاش که مسألت من برآورده شود" کاش ماخوذ از *mi-yittan* است.

این بار در آیه ۲۹ باب ۵ تثنیه رخداد دیگری پدیدار می‌شود. موسی با یادآوری تاریخ مشیت الهی به فرزندان اسرائیل یادآوری می‌کند که او وساطت آن‌ها را پیش خداوند می‌کند که مبادا بمیرند. بر طبق گفته موسی، خداوند که از درخواست آن‌ها راضی بود چنین گفت "کاش که دلی را مثل این داشتند تا از من می‌ترسیدند، و تمامی اوامر مرا در هر وقت بجا می‌آوردند." آیا واژه به صورت *mi-yittan* ترجمه شد؟ بلی.

باور نکردنی است! در اینجا خداوند، خدای خالق، کسی که فضا، زمان و ماده را آفرید، کسی که با کلامش جهان ما را به وجود آورد، کسی که دم حیات را به آدم دمید، عبارتی که بطور کلی با ناتوانی و محدودیت بشریت مرتبط است را به زبان می‌آورد.

در مورد حقیقت اراده آزاد صحبت کنیم. درباره محدودیت‌های خداوند در میان نبرد بزرگ صحبت کنیم. این استفاده از *mi-yittan*

مشخص می‌کند که حتی خدا نیز اراده آزاد را نادیده نخواهد گرفت (لحظه‌ئی که نادیده گرفت و این اراده دیگر آزاد نخواهد بود).

اکنون اگر بخشی از کتاب مقدس در عهد قدیم حقیقت خواست خدا به اطاعت کردن انسان‌ها و تمایل انسان‌ها به خلاف آن را آشکار کرده باشد، کتاب ارمیا خواهد بود که موضوع این فصل است. کتاب ارمیا که بر ضد تغییرات جغرافیایی سیاسی بزرگ در باستان در شرق است، خدمت و پیام این نبی را بیان می‌کند که او به ایمان و اشتیاق پیام خدا را به مردمی که در بیشتر اوقات تمایلی به شنیدن آن نداشتند، موعظه کرد.

این کتاب که با فراخوانده شدن نبی شروع می‌شود، همانطور که خداوند ما را از دهه‌های تاریخ کتاب مقدس می‌گذراند و از این جوان (و سپس مرد پیر) استفاده می‌کند تا حقیقت اساسی که از ابتدا پایه‌ی پیام کتاب مقدس بود، اعلام نماید. و از میان تمام حقایق روحانی که این کتاب می‌آموزد، این آیات بیشتر ماهیت آنچه خداوند در قومش می‌جوید را بیان می‌کند: "خداوند چنین می‌گوید: «حکیم، از حکمت خود فخر ننماید و جبّار، از تنومندی خویش مفتخر نشود و دولتمند از دولت خود افتخار نکند. بلکه هر که فخر نماید از این فخر بکند که فهم دارد و مرا می‌شناسد که من یهوه هستم که رحمت و انصاف و عدالت را در زمین بجا می‌آورم زیرا خداوند می‌گوید در این چیزها مسرور می‌باشم" (ارمیا باب ۹ آیات ۲۳ و ۲۴).

خواندن کتاب ارمیا مانند به سفر رفتن است، سفری روحانی به گذشته و آینده از پایین‌ترین اعماق تباهی بشری به بلندی و عظمت و جلال خداوند - خداوندی که از آن بلندی‌ها به ما فریاد بر می‌آورد حتی در وضعیت سقوط کرده ما: *mi-yittan* ای کاش چنین قلبی در شما وجود داشت.

فراخواندگی نبوی ارمیا

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اشعیا باب ۱ آیه ۱۹، ارمیا باب ۷ آیات ۵ تا ۷، اول پادشاهان باب ۲ آیه ۲۶، ارمیا باب ۱ آیات ۱ تا ۵، اشعیا باب ۶ آیه ۵، ارمیا باب ۱ آیات ۶ تا ۱۹، متی باب ۲۸ آیه ۲۰.

آیه حفظی: "قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی اامت ما قرار دادم" (ارمیا باب ۱ آیه ۵).

ما درباره زندگی ارمیا بیش از زندگی سایر انبیا عهد قدیم می‌دانیم. واقعیت‌های شرح حال او در کتابش به ما در درک بهتر کار او به عنوان یک نبی کمک می‌کنند. ارمیا آنچنان تأثیری بر روی تاریخ داشت که حتی در زمان عیسی نیز از شخصیت‌های نبوی مورد احترام بود.

در عین حال، کار این نبی در صورت داوری طبق استانداردهای انسانی تنها اندکی موفقیت را نشان می‌دهد. با وجود دهه‌ها هشدار و دادخواهی سرسختانه، اکثر مردم به پیام او از جانب خدا گوش نکردند.

علیرغم این و با وجود مخالفتها، کسی نتوانست ارمیا را بخرد با بفروشد؛ او مانند "یک شهر حصاردار و ستونهای آهنین و حصارهای برنجین"، نه با قدرت خویش بلکه با نیروی خداوند ایستادگی کرد.

اکثر زندگی ارمیا به اشکال گوناگون خوشحال کننده نبود. فراخواندگی برای رنج، پریشانی، طرد شدن و حتی زندان در پیش داشت. از همه بدتر این واقعیت است که بسیاری از این مشکلات از طرف کسانی بود که او بدنبال کمک کردن به ایشان و به راه راست هدایت کردنشان بود. از این رو ارمیا به روش خود آنچه را که قرن‌ها بعد عیسی در همان سرزمین به آن مواجه شد، از قبل تشخیص داد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳ اکتبر آماده شوید.

انبیا

انبیا بر طبق فراخواندگی‌شان، محافظان مصمم قانون خدا بودند. آن‌ها بر روی عهدشان و ده فرمان با مقاومت ایستادگی کردند (ارمیا باب ۱۱ آیات ۲ تا ۶). آیه ۸ باب ۳ میکا خلاصه‌ای از کار نبوی که " بود، به ما می‌دهد (رومیان باب ۷ آیه ۷).

پیام انبا به مردم چه بود؟ این پیام به چه روش‌هایی امروزه نیز برای ما یکسان است؟ اشعیا باب ۱ آیه ۱۹، ارمیا باب ۷ آیات ۵ تا ۷، حزقیال باب ۱۸ آیه ۲۳. (همچنین متی باب ۳ آیات ۷ تا ۱۱ را ببینید.)

داوری خدا اجتناب ناپذیر نبود، اما تنها در صورتی می‌آمد که مردم از راه‌های شیطانی خود دست برندارند. هرچند تغییر آسان نیست، بویژه زمانی که مردم به انجام بدی عادت می‌کنند. آیا کسی هست که ندیده باشد مردم به بدی عادت کرده و در زمانی آن‌ها را به وحشت نینداخته باشد؟ پیام انبیا برای این بود که مردم بتوانند میزان بدی کارهایشان را دیده و متوجه شوند که عواقب آن اجتناب ناپذیرند. این پیام به طور حتم از سوی انبیا نبوده و بلکه از جانب خداوند بود.

انبیا اشاره نمی‌کنند که کلام خدا چگونه بر ایشان آشکار شده و چطور آن را شنیده‌اند. بعضی اوقات خدا به طور مستقیم با ایشان سخن می‌گفت؛ بعضی مواقع دیگر، روح القدس آن‌ها را در خواب و رویا و یا شاید با "آوازی ملایم و آهسته" (اول پادشاهان باب ۱۹ آیه ۱۲) آن‌ها را لمس می‌کرد. به هر شکل، آن‌ها پیام را دریافت کرده و مأموریت داشتند که اراده خدا را نه تنها به مردم عادی بلکه به پادشاهان، امپراتورها و ژنرال‌ها برسانند.

این وظیفه شامل مسئولیت‌های بزرگی بود: اگر آن‌ها حقیقت را می‌گفتند، ممکن بود این افراد قدرتمند آن‌ها را بکشند؛ اما اگر آن‌ها حقیقت را اظهار نمی‌کردند، ممکن بود مورد داوری خدا قرار گیرند. نبی بودن فراخواندگی بسیار خطیری است و از آنچه که از کتاب مقدس متوجه می‌شویم، آنانی که فراخوانده شده بودند بسیار جدی به وظیفه خود عمل کردند.

می‌توانیم خوشحال باشیم که آن‌ها این کار را انجام دادند، زیرا پیام ایشان از طریق کتاب مقدس به ما رسیده است. در این مفهوم، کلام ایشان همچنان حتی امروزه زنده است. اکنون مانند زمان ارمیا، پرسش یکی است: آیا ما گوش فرا خواهیم داد؟

انبیا حتی پس از گذشت این همه مدت، همچنان به ما چه می‌گویند؟ در هسته اصلی، پیام اصلی آن‌ها به قوم خدا چیست؟

سابقه خانوادگی ارمیا

باب ۱ اول پادشاهان و آیه ۲۶ از باب ۲ آن را بخوانید. چه چیزی در سابقه خانوادگی اش باعث تبعید ابیاتار به وطنش عناتوت شد؟

سلیمان پس از اینکه تخت و تاجش را تقویت کرد، در مخالفتی با اَدونیا بر سر موفقیت، ابیاتار را از کشیشی در دفترش برکنار نموده و او را به سرزمینش عناتوت که تقریباً در حدود پنج کیلومتری شمال شرقی اورشلیم بود، تبعید نمود. حلقیا پدر ارمیا عضوی از خانواده کشیشی بود که در عناتوت زندگی می‌کردند. برخی بر این باورند که خانواده ارمیا ممکن است از نسل ابیاتار بوده باشد. در هر دو صورت، ما از آیه ۱ باب ۱ کتاب ارمیا متوجه می‌شویم که این نبی دارای اصل و نسب عالی بوده است. از این رو، در اینجا می‌توانیم ببینیم که در تمام تاریخ نبوت، خدا همه نوع مردمی را - شبان، خاخام، ماهیگیر، کشیش - به خدمت انبیایی فراخوانده است.

"ارمیا که عضوی از سبط لاوی و کاهن‌زاده بود، از زمان کودکی برای خدمت مقدس آموزش دیده بود. در آن سال‌های رضایت‌بخش آماده شدن، او اندکی درک کرده بود که از زمان تولد برای نبی ملتها بودن انتخاب شده بود؛ و هنگامی که فرخواندگی الهی آمد، او تحت‌الشعاع احساس استحقاق نداشتن قرار گرفت. او با خود گفت، 'آه ای خداوند یهوه، اینک من تکلم کردن را

نمی دانم چونکه طفل هشتم. ۱. ارمیا باب ۱ آیات ۵ و ۶. -
الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 407.

کشیش ها باید رهبران روحانی و اخلاقی جامعه می‌بودند؛ به
آن‌ها وظیفه‌های مهمی داده شده بود که تمام جنبه‌های زندگی
روحانی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد. بعضی نسبت به
وظایفشان وفادار بودند؛ بعضی دیگر به گونه‌ای که حتی
نمی‌توانیم تصورش را بکنیم، آن را نقض و از آن تخطی کردند.
همانطور که بزودی دز کتاب ارمیا خواهیم خواند، این نبی
سخنان بسیار قدرتمندی برای گفتن به این کاهن‌های بی‌ایمان
داشت که ثابت کردند لیاقت مسئولیت‌هایی که برای آن
فراخوانده شده بودند، نداشتند.

وظایف روحانی شما در خانه، کلیسا و یا هر جای دیگر
کدامند؟ اگر قرار بود یک نبی هم اکنون با شما درباره
مسئولیت‌هایتان صحبت کند، چه چیزی ممکن بود به شما بگوید؟

فراخواندگی نبوی ارمیا

آیات ۱ تا ۵ باب ۱ ارمیا را بخوانید. این آیات درباره فراخواندگی ارمیا به ما چه می‌گویند؟

ارمیا درست مانند سایر انبیا عهد قدیم (و پولس د رعهده جدید؛ غلاطیان باب ۱ آیه ۱ و رومیان باب ۱ آیه ۱ را ببینید) در تصمیم‌گیری‌اش درباره فراخواندگی‌اش شک نکرد. او در این آیات بسیار صریح بوده و در حقیقت در سرتاسر "کلام خداوند" را که به او رسیده بود بیان می‌کرد. بدون شک این اعتقاد راسخ چیزی است که او را قادر به پیشروی علی‌رغم مخالفتهای سرسخت و دردناک، رنج و سختی‌ها، نمود.

فراخواندگی ارمیا در سیزدهمین سال حکومت یوشیا در حدود سال ۶۲۷ یا ۶۲۶ قبل از میلاد اتفاق افتاد. ما سال دقیق تولد و یا سن دقیقی را که این نبی در آن خدمتش را شروع کرد، نمی‌دانیم. همانطور که خواهیم دید، او در ذهنش خود را کودک، یعنی کسی که برای وظیفه‌ای که به او سپرده شده بود بیش از حد جوان بود، می‌پنداشت.

آیات ۴ و ۵ باب ۱ کتاب ارمیا را بخوانید. او از آن سخنان چه اطمینان و آرامشی می‌توانست گرفته باشد؟

خدا ارمیا را پیش از تولد برای نبی شدن انتخاب نمود. خدا او را از لحظه لقاحش برای این وظیفه نبی بودن مشخص نمود. این کلمات ترجمه شده "تو را تقدیس نمودم" (آیه ۵) از فعلی به معنی "تقدیس شده"، "مقدس شده" و "تطهیر شده" در میان سایر چیزها می‌آیند. به طور حتم این مفهومی مقدس و دینی دارد، که با خدمت کنیسه نیز مرتبط است. در حقیقت واژه "کنیسه" از ریشه مشترکی می‌آید. ایده‌ای که در آن وجود دارد این است که کسی یا چیزی "برای هدفی مقدس کنار گذاشته شده است". این چیزی است که خدا برای ارمیا حتی پیش از تولدش در نظر داشت. این آیات از لیت یا تقدیر را تعلیم نمی‌دهند؛ در عوض علم غیب خدا را می‌آموزند.

خدا از ابتدا، انتها را می‌داند. در میان سختی‌هایی که ناگزیر با آن‌ها روبرو هستیم، چه آرامشی می‌توانیم از این آیات دریافت کنیم؟

انبیا بی‌میل

با وجود تضمین خداوند درباره انتخاب شدن الهی ارمیا، این مرد جوان وحشت زده شده و خود را مناسب آن نمی‌دید. شاید به دلیل با خبر بودن از شرایط روحانی مردم آن زمان که خوب نبود و دانستن کار مورد لزوم باعث بی‌تمایلی ارمیا به این کار شده بود.

ارمیا باب ۱ آیه ۶، اشعیا باب ۶ آیه ۵ و خروج باب ۴ آیات ۱۰ تا ۱۵ را با هم مقایسه کنید. همه این اتفاقات چه تشابهاتی با هم دارند؟

هیچ کدام از آن مردان به هر دلیلی خود را مناسب کار ندانستند. شاید این پیش‌نیاز مهمی برای کار یک نبی بود: احساس استحقاق نداشتن و ناتوانی برای چنین وظیفه بسیار مهم. سخنگوی خالق بودن؟ جای تعجب نیست که همه آن‌ها دست کم در ابتدا از این کار شانه خالی می‌کردند.

به اولین پاسخ ارمیا پیش از فراخوانده شدنش توجه کنید. او بلافاصله مانند موسی از ناتوانی‌اش در خوب صحبت کردن سخن گفت. اشعیا نیز در پاسخ خود به دهان و لب‌هایش اشاره کرد. در همه موارد، آن‌ها می‌دانستند که برای هرچه فراخوانده شده بودند، شامل صحبت کردن و ارتباط برقرار کردن بود. آن‌ها قرار بود پیام‌هایی از جانب خدا دریافت کرده و مسئول

رساندن آن‌ها به دیگران باشند. بر خلاف امروزه که وب سایت و پیام نوشتاری وجود دارد، در زمان گذشته این ارتباط باید رو در رو صورت می‌گرفت. تصور کنید که باید در مقابل رهبران دشمن یا افراد یاغی بایستید و سخنانی تند، ملامت آمیز و هشدار دهنده به ایشان بگویید. بی میلی این افراد در شرف نبی شدن قابل درک است.

آیات ۷ تا ۱۰ باب ۱ ارمیا را بخوانید. پاسخ خدا به ارمیا چیست؟ چرا این پاسخ برای ما در هر آنچه از جانب خدا برای آن فراخوانده شده‌ایم، امید و وعده در خود دارد؟

شاخه بادام

نبی شاهد خداست؛ وظیفه او اینست که نه از طرف خود بلکه از جانب خدا سخن بگوید. ارمیا فراخوانده نشده بود که راه حل‌هایی برای مشکلات ملتش بیاورد و یا به شخصیتی عالی یا رهبری مشوق که مردم دنباله رو آن می‌شوند، تبدیل شود. ارمیا تنها این مأموریت را داشت که کلام خدا را به مردم و رهبران‌شان انتقال دهد. در اینجا تأکید بر بشر و یا استعدادهای بشری نیست؛ بلکه تنها تأکید بر حق حاکمیت و قدرت خداست. نبی می‌بایست مردم را متوجه خداوند که به تنهایی راه حل تمام مشکلاتشان بود، می‌کرد. به طور حتم امروزه برای ما نیز چنین است.

اولین رؤیای ارمیا درباه چه بود؟ (ارمیا باب ۱ آیات ۱۱ تا ۱۹ را ببینید.)

اکثر ترجمه‌های کتاب مقدس، اصطلاح عبرانی آیه ۱۱ را "شاخه درخت بادام" ترجمه کرده‌اند. هرچند این ترجمه‌ها بازی با کلمات در زبان عبرانی را متوجه نشده‌اند. واژه "درخت بادام" ریشه یکسانی با فعل "مراقبت کردن" که در آیه ۱۲ آمده است، دارد؛ هنگامی که خداوند می‌گوید که بر کلامش مراقبت خواهد کرد تا به انجام رساند.

می‌توان استدلال کرد که پیام مرکزی تمام کتاب ارمیا در آیات ۱۱ و ۱۲ یافت می‌شود. کلام خدا تحقق خواهد یافت. روزی همه خواهند دید که آنچه خدا گفته بود به همان شکل اتفاق می‌افتد. خدا می‌خواهد که قومش از گناه برگردند. او به ایشان بخشش و فیض وعده داده است اما کسی را مجبور به اطاعت و شفا یافتن نمی‌کند. اگر قومش به او پاسخ ندهند، کلام او درباره داوری و مجازات بدون شک عملی خواهد شد درست مانند کلامش بر ضد اسرائیل در کتاب ارمیا که اتفاق افتاد.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، کلام خدا در اینجا تنها برای مردم نبود. خدا مستقیم با ارمیا سخن می‌گفت و به او برای آمادگی در برابر مخالفت‌های پیش رو هشدار می‌داد. گذشته از هر آنچه اتفاق افتاد، ارمیا می‌توانست این تضمین را از جانب خدا داشته باشد که "من با تو هستم." همانطور که می‌بینیم او به آن احتیاج می‌داشت.

آیا برای همه ما نیز چنین نیست؟

آیه ۲۰ باب ۲۸ انجیل متی را بخوانید. در این آیه چه تضمینی برای خود مطابق با زمان حال می‌توانیم بیابیم؟

مطالعه بیشتر: مارتین لوتر در مقدمه تفسیرش از کتاب ارمیا درباره این نبی چنین نوشته است: "ارمیا یک نبی غمگین بود، که در دوره‌ای اسفناک و سخت زندگی می‌کرد و مهمتر آنکه مأموریت نبوی او بسیار دشوار بود زیرا با مردمی بد خو و لجوج مبارزه و برخورد می‌کرد. ظاهراً او به موفقیت زیادی دست نیافت زیرا دشمنانش هر روز شریتر می‌شدند. آن‌ها چندین بار تلاش کردند که این نبی را به قتل برسانند. او را به شدت تحت فشار گذاشته و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با این حال آنقدر زنده ماند که با چشمان خود دید که کشورش نابود شده و مردمش تبعید شدند."

"ارمیا به مدت چهار سال در برابر ملتش به عنوان یک شاهد حقیقت و عدالت ایستاد. در زمان ارتداد بسیار زیاد، او الگویی از عبادت خدای حقیقی در زندگی و سیرت بود. در طول محاصره سخت اورشلیم، او سخنگوی خدای یهوه بود. او سقوط خانه داود و نابودی معبد زیبایی که سلیمان بنا کرد را پیش‌بینی نمود. و هنگامی که برای سخنان دلیرانه‌اش زندانی شد، همچنان او می‌باید بر ضد گناه در مکان‌های بلند پایه آشکارا سخن می‌گفت. او که مورد تحقیر، نفرت و ترد مردم قرار گرفت، در نهایت شاهد تحقق واقعی نبوت‌های خویش از عذاب قریب الوقوع بود و در غم و اندوه پس از نابودی شهر شریک شد." - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and

Kings, p. 408.

سوالاتی برای بحث

۱- یکی از دردناک ترین چیزها که امروزه ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم باید به آن بیاندیشیم، این حقیقت است که خدا به ارمیا درباره مخالفت بزرگی از سوی قوم خود قرار بود با آن روبرو شود، هشدار داد. آیات ۱۷ تا ۱۹ باب ۱ ارمیا را دوباره بخوانید. چه کسانی بر ضد او خواهند جنگید؟ چه درس هراسناکی در اینجا برای ما وجود دارد؟ یعنی، دیدگاه ما نسبت به پیام نبوی که به ما می‌رسد چگونه است، بویژه هنگامی که چیزهایی می‌شنویم که نمی‌پسندیم؟ نوشته خانم الن جی. هوایت که در بالا اشاره شد، به بیان حقیقت هولناک که درست همان کسانی که می‌بایست خدای حقیقی را به جهانیان آشکار سازند، به نماینده او حمله کرده و با او به مبارزه پرداختند؟ (جامعه باب ۱ آیه ۹ را ببینید.)

بحران (در داخل وخارج)

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: داوران باب ۲ آیات ۱ تا ۱۵؛ پادشاهان اول باب ۱۲ آیات ۲۶ تا ۳۱؛ تواریخ دوم باب ۳۳ آیات ۹ و ۱۰؛ ارمیا باب ۲ آیات ۱ تا ۲۸، باب ۵ آیات ۲ و ۳.

آیه حفظی: "اسرائیل برای خداوند مقدس و نوبر محصول او بود. خداوند می‌گوید: آنانی که او را بخورند مجرم خواهند شد و بلا بر ایشان مستولی خواهد گردید" (ارمیا باب ۲ آیه ۳).

اگر می‌توانستیم یک واژه برای توصیف وضعیت بشریت بعد از سقوط برگزینیم، می‌توانست "بحران" باشد که میزان آن می‌تواند به بهترین نحو با آنچه برای خروج ما از آن لازم است، به بهترین شکل درک شود: مرگ عیسی روی صلیب. این بحران باید بسیار بد بوده باشد؛ گذشته از هر چیز، به اقدامات منتها درجه که برای حل آن لازم بود بنگرید.

در سرتاسر کتاب مقدس، بسیاری از روایتهای مقابل زمینه بحران پس از بحران اتفاق افتاده است، شرایط در زمان مأموریت ارمیا درست همین گونه بود.

قوم خدا هم از داخل و هم از خارج با چالش‌های فراوانی مواجه شدند. متأسفانه با وجود تهدید نظامی وحشتناک از سوی قدرت‌های خارجی، در بسیاری از مواقع بزرگترین بحران‌ها از داخل بود. "داخل" نه تنها به معنی رهبران و کاهن‌های فاسد بود که خود به اندازه کافی بد بود، بلکه به معنی مردمی است که قلب‌هایشان از گناه و ارتداد چنان سخت و آسیب دیده شده بود که از توجه کردن به هشدارهای خدا که می‌توانست ایشان را از بلایا در امان بدارد، سر باز زدند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۰ اکتبر آماده شوید.

مکثی در تاریخچه

هنگامی که بنی اسرائیل پس از سال‌ها سرگردانی در بیابان در نهایت وارد سرزمین موعود شدند، طولی نکشید که مشکلات بار دیگر شروع شد. و این پس از آمدن نسل جدید بود که "خداوند را نمی‌شناختند" (داوران باب ۲ آیه ۱۰)، و بحرانی روحانی شروع شد که به اشکال مختلفی بر کل تاریخ ملت تأثیر گذاشت. در حقیقت همین مشکل است که بر کلیسای مسیحی نیز تأثیر داشته است.

داوران باب ۲ آیات ۱ تا ۱۵ را بخوانید. چه چیزی باعث بحران شد و آن چگونه ظاهر گردید؟

آیه ۱۱ می‌گوید "و بنی اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزیدند." هر نسل بعدی قدمی از خدا دورتر شدند تا اینکه مردم مرتکب اعمالی می‌شدند که خدا منع کرده بود. بخاطر گناهانشان در مقابل بحران پس از بحران قرار گرفتند ولی خدا در این حال نیز آن‌ها را ترک نکرده بود. او داورانی فرستاد (داوران باب ۲ آیه ۱۶) که قوم را از محنت نجات دهند.

پس از عصر داوران، این ملت تحت آنچه "سلطنت متحد" نام داشت، یعنی حکومت شائول، داود و سلیمان وارد مرحله صلح و رفاه نسبی شدند که حدود یک صد سال به طول انجامید. ابتدا

تحت سلطه داود و سپس سلیمان، سرزمین به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شد.

اگرچه زمان‌های "خوب" زیاد به طول نیانجامید. بعد از مرگ سلیمان (در حدود ۹۳۱ پیش از میلاد)، این ملت به دو قسمت تبدیل شد، اسرائیل در شمال و یهودیه در جنوب. می‌توان بیشتر حکومت گمراه کننده سلیمان را مقصر دانست، کسی که با وجود حکمتش اشتباهات زیادی مرتکب شد. "قبیله‌ها برای مدت‌های طولانی تحت اقدامات ظالمانه حاکم سابق خود، دچار اشتباهات مضر شدند. ولخرجی حکومت سلیمان در زمان ارتدادش، باعث شد که مردم مالیات‌های سنگین پرداخت کرده و کارهای سخت انجام دهند." - الن جی. هوایت، Ellen G. White، *Prophets and Kings*, pp. 88, 89. شرایط دیگر هرگز برای قوم برگزیده خدا به حالت اول باز نگشت. همه چیزهایی که خداوند ایشان را از انجام آن‌ها منع کرده بود، انجام دادند و بنابراین عواقب غم‌انگیز آن را دریافت کردند.

به مشکل نسل بعد که ارزش‌ها و باورهای نسل قبل خود را ندارند بیاندهشید. ما به عنوان یک کلیسا چگونه با این موضوع برخورد کردیم؟ چگونه می‌توانیم پیام‌موزیم که ارزش‌هایمان را به نسل بعد از خود انتقال دهیم؟

دو مملکت

پس از تقسیم شدن ملت، شرایط از بد به بدتر تبدیل شد. در پادشاهی شمالی، پادشاه یربعام چندین انتخاب‌های روحانی وخیم انجام داد که تأثیر طولانی شرارت باری داشتند.

پادشاهان اول باب ۱۲ آیات ۲۶ تا ۳۱ را بخوانید. این آیات باید چه چیزی درباره شرایط آنی که می‌توانند ما را در قضاوت کور کنند، به ما می‌آموزد؟

رواج ساختن بتپرستی توسط پادشاه باعث بوجود آمدن دوره‌ای مصیبت‌زا برای آن سرزمین شد. "ارتدادی که در زمان سلطنت یربعام ابداع گردید، بیشتر از پیش مورد توجه قرار گرفت تا جایی که به نابودی کامل پادشاهی اسرائیل منجر شد." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, Prophets and Kings, p 107. در سال ۷۲۲ پیش از میلاد، شلمناسر پادشاه آشور کشور را به کلی از بین برد و ساکنانش را به قسمت‌های مختلف امپراتوری فرستاد (پادشاهان دوم باب ۱۷ آیات ۱ تا ۷ را ببینید). هیچ بازگشتی از این تبعید وجود نداشت. برای مدتی اسرائیل در تاریخ ناپدید شد.

دست کم هنوز در پادشاهی جنوبی شرایط خیلی بد نبود. اما خوب هم نبود و مانند پادشاهی شمالی، خداوند به دنبال رهایی این مردم از مصیبتی مشابه بود اما این بار از تهدید بابلی‌ها. متأسفانه، به جز موارد معدود استثنائی، یهود یک

سری پادشاهانی داشت که کشور را به ارتدادی عمیقتر فرو بردند.

این آیات درباره سلطنت برخی از پادشاهان یهود چه چیزی می‌گویند؟ تواریخ دوم باب ۳۳ آیات ۹ و ۱۰ و ۲۱ تا ۲۳؛ پادشاهان دوم باب ۲۴ آیات ۸، ۹، ۱۸ و ۱۹.

با وجود تمام رهبری‌های بد، بسیاری از کتاب‌های نبوی کتاب مقدس از جمله ارمیا، کلام انبیایی هستند که خدا برای قومش فرستاد تا آن‌ها را از گناه و ارتداد که داشت کشور را از درون نابود می‌کرد، بازدارد. خداوند نمی‌خواست قومش را بدون دادن زمان کافی و فرصت بازگشتن از راه بد و در امان نگه داشتنشان از فاجعه‌ای که گناهانشان به دنبال داشت، به حال خود رها کند.

بسیار دشوار است که انسان از فرهنگ و محیط خود قدم به بیرون نهاده و به گونه‌ئی بی‌طرفانه به خود بنگرد. در حقیقت این غیر ممکن است. پس چرا ما باید دائماً زندگیمان را بر اساس استانداردهای کتاب مقدس بسنجیم؟ چه استانداردهای دیگری داریم؟

شرّ دوگانه

شروع مأموریت نبوی ارمیا در مقابل این زمینه بود. "کلام خداوند" به او داده شد و او با امید اینکه مردمش به آن توجه کرده و از نابودی که در انتظارشان بود در امان بمانند، از آن سخن گفت.

آیات ۱ تا ۲۸ باب ۲ ارمیا را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

خدا به آن قوم زمانی که ایماندار بودند، چه وعده‌هایی داد؟ (آیات ۲ و ۳ را ببینید.)

برخی از کاهن‌ها، شبان‌ها و انبیایی که کارهای گناه‌آلود انجام دادند، کدامند؟ (آیه ۸ را ببینید.)

مردم به چه روش‌های وحشتناکی در زمینه شرایط روحانشان، خود را گول زده بودند؟ (آیات ۲۳ و ۲۴ را ببینید.)

اگر چه این ملت برخی تغییرات روحانی را تحت نظر حزقیال و یهودا تجربه کردند، بعدها به روش بد قبلی خود بازگشته و

بیشتر دچار ارتداد شدند. ارمیا در اینجا مانند رفتارش در طول مأموریتش، بدون اطمینان از آنچه در جریان بود سخن گفت.

بویژه سخنان او در آیه ۱۳ باب ۲ ارمیا جالب هستند. مردم دو بدی مرتکب شدند: خداوند چشمه آب حیات را ترک نمودند و چشمه‌های شکسته‌ای برای خود حفر نمودند که آب نگه نمی‌داشت. به عبارت دیگر، با ترک کردن خداوند، آن‌ها همه چیز را از دست دادند. این سخنان در نور آنچه عیسی در آیه ۱۰ باب ۴ یوحنا گفت مفهوم بیشتری پیدا می‌کنند.

در آیه ۵ باب ۲ ارمیا، خداوند فرمود که مردم به دنبال "بی‌ارزشی" رفته‌اند و در نتیجه "بی‌ارزش" شده‌اند. واژگان عبرانی برای هر دو مورد از ریشه (hbl) می‌آیند که در جامعه اکثراً بکار برده شده و به معنی "بیهودگی" ترجمه شده است. همچنین به معنی "بخار" یا "دم" نیز است. چطور به دنبال چیزهای بی‌ارزش رفتن ما را "بی‌ارزش" می‌کند؟ این به چه مفهومی است؟ این مفهوم به ما چگونه در درک کسانی که در زمان‌هایی احساس می‌کنند زندگی‌شان بی‌معنی و بی‌ارزش است، کمک می‌کند؟ پاسخ به آن‌ها چیست؟

تهدید بابلی

زمینه وقایع سیاسی که مأموریت ارمیا را شکل داد، تا حدی در تاریخ ناپدید گشته است. به این معنی که بسیاری از جزئیات موجود نیستند. اما برای داشتن تصویری کلی از آنچه اتفاق افتاد، در کتاب مقدس (با کمک یافته‌های باستان‌شناسی) بیش از حد اطلاعات وجود دارد. با وجود اینکه به نظر می‌رسد از دیدگاه بشری احتمالاً هیچ کنترلی وجود نداشت زیرا ملت‌ها بر سر خاک، قدرت و سلطه جنگیدند، اما کتاب مقدس به گونه‌ای دیگر تعلیم می‌دهد.

آیه ۶ باب ۲۷ ارمیا را بخوانید. ما باید از آن چه بدست آوریم؟

پادشاهی کوچک یهود در سال‌های اولیه مأموریت ارمیا، درگیر جنگ‌های نظامی بین بابل، مصر و آشور رو به زوال بود. با سقوط امپراتوری آشور در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد، مصر به دنبال بدست آوردن دوباره قدرت و سلطه در منطقه بود. با این وجود، در نبرد کرکمیش در ۶۰۵ پیش از میلاد، مصر شکست خورد و بابل به قدرت تازه جهانی تبدیل شد.

این قدرت جدید یهود را به بردگی خود برد. یهوایقیم پادشاه یهود تنها با هم پیمان شدن با پادشاه بابل توانست کشور را تثبیت نماید. با وجود این، بسیاری از افراد در کشور مایل به انجام این کار نبودند؛ آن‌ها می‌خواستند بجنگند و خود را از سلطه بابلی‌ها رهایی دهند، حتی اگر این چیزی نبود که خداوند از ایشان انتظار داشت. در مقابل خدا داشت بویژه از

بابل به عنوان وسیله‌ای برای نتبیه ملت بدلیل ارتدادشان استفاده می‌کرد.

آیات ۸ تا ۱۲ باب ۲۵ ارمیا را بخوانید. پیام ارمیا به قوم یهود چه بود؟

ارمیا به مراتب به مردم درباره عواقب گناهمشان به ایشان تذکر داد، و بارها و بارها بسیاری از رهبران سیاسی و دینی به هشدارها بی‌توجهی کردند و آنچه خود می‌خواستند را باور کردند که خداوند آنها را حفظ خواهد کرد. گذشته از هر چیز، مگر آنها قوم منتخب خدا نبودند؟

آخرین باری که آنچه خود می‌خواستید را باور کردید بدون توجه به اینکه چقدر واضح آن ایده کاملاً اشتباه بود، چه زمانی بود؟ چه درس‌هایی آموختید که باعث می‌شود دیگر همان اشتباه را مرتکب نشوید؟

سوگند دروغ

در آیه ۱ باب ۵ ارمیا، خداوند از مردم می‌خواهد که در کوچه‌ها بگردند تا ببینند که "آیا می‌توانید حتی یک نفر را بیابید که درستکار باشد و می‌کوشد تا نسبت به خداوند با وفا باشد، که شاید من بتوانم اورشلیم را ببخشم". این دو داستان را به خاطر می‌آورد. یکی از فیلسوف اهل یونان باستان در قرن ۴ پیش از میلاد به نام دیوجنیس است که طبق افسانه‌ها، در طول روز در بازار قدم می‌زد و می‌گفت که بدنبال فردی درستکار است. داستان دیگر که مطمئناً همانی است که ما به درستی آن باور داریم، داستان سخن گفتن خدا با ابراهیم است که به او می‌گفت اگر ابراهیم بتواند ۵۰ مرد درستکار (خیلی زود به ۱۰ نفر کاهش یافت) بیابد، او شهر را نابود نخواهد کرد.

هرچند هدف کلام خدا به ارمیا نمایان ساختن وسعت ارتداد و گناه در میان قومش بود. آیا کسی وجود نداشت که درستکار بوده و به دنبال حقیقت باشد؟

آیات ۲ و ۳ باب ۵ ارمیا را بخوانید. در اینجا چه چیزی بیان شده است که نشان دهنده وخیم شدن اوضاع بود؟ (لاویان باب ۱۹ آیه ۱۲ را ببینید.)

این آیات نکته‌ای را که در سرتاسر کتاب وجود دارد آشکار می‌سازد. بی‌توجه به اینکه چقدر زیاد این قوم سقوط کرده

بود، بسیاری از مردم بر این باور بودند که همچنان با ایمان از خداوند پیروی می‌کردند! آن‌ها نام او را بیان می‌کردند اما به "دروغ" و نه در "راستی، عدالت و حقیقت" (ارمیا باب ۴ آیه ۲) همانگونه که خداوند به ایشان فرموده بود. آن‌ها به هشدار که از جانب خدا آمده بود گوش نکردند اما کارهای دینی خود را انجام می‌دادند آنگونه که انگار همه چیز بین ایشان و خدا درست بود و در واقع درست نبود.

عمق فریب خوردگی‌شان در آیه ۴ باب ۷ ارمیا دیده می‌شود، زمانی که مردم آسایشی دروغی را از این کلمات برداشت می‌نمودند *hekhhal yhwh hekhhal yhwh hekhhal yhwh hemma* ("این معبد خداوند است، معبد خداوند است، معبد خداوند است"، بطوریکه تنها داشتن معبد در آنجا همه آن چیزی بود که برای اطمینان از خوب بودن شرایطشان لازم داشتند. دانستن اینکه در بحران هستید به نوبه خود بد است؛ اما زمانی که در بحران هستید و از آن بی اطلاعید، موقعیت به مراتب بدتری است.

با وجود تمام حقایق شگفتانگیزی که ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم دریافت کرده‌ایم، چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که گرفتار فریبی مشابه نمی‌شویم که بپنداریم تنها فراخوانده شدنمان برای نجات ما کافی است؟

مطالعه بیشتر: "شما نباید مانند امروز رفتار کنید که هر کس هر چه در نظر خودش درست است، انجام می‌دهد" (تثنیه باب ۱۲ آیه ۸). "به شرطی که از احکام خداوند خدایتان که امروز به شما اعلام می‌کنم، پیروی نمایید و آنچه را که مورد پسند اوست، بجا آورید" (تثنیه باب ۱۳ آیه ۱۸). "در آن زمان مردم اسرائیل پادشاهی نداشتند و هر کس هر کاری که دلش می‌خواست می‌کرد" (داوران باب ۱۷ آیه ۶، باب ۲۱ آیه ۲۵).

تباینی بسیار مهم در این آیات وجود دارد، بویژه امروزه و در این عصر که بسیاری از مردم بر علیه این نظریه که شخص دیگری به آن‌ها بگوید چه کاری انجام دهند یا چه چیزی خوب و بد است شورش می‌کنند. با این وجود در اینجا می‌توانیم تفاوتی واضح میان این دو جهان‌بینی مشاهده نماییم. در یکی، مردم هر آنچه که از دید خود "درست" می‌پندارند، انجام می‌دهند؛ در دیگری، مردم چیزی را که "از دید خداوند خدایشان" درست است انجام می‌دهند. مشکل حالت اول این است که در طول تاریخ اغلب آنچه از دید شخصی افراد "درست" بوده است، ولی از دیدگاه خدا نادرست بوده است. به این دلیل است که ما باید همه چیزمان حتی وجدانمان مطابق با کلام خدا باشد.

سوالاتی برای بحث

۱- برخی از نمونه‌هایی که در آن مردم "خوب" کارهای بسیار بدی انجام دادند، حتی زمانی که در آن موقعیت کارشان درست بود، به ذهنتان می‌رسد، نام ببرید. امروزه بسیاری از فرهنگ‌ها به بعضی از رسوم گذشته با وحشت می‌نگردند. ما از این موضوع چه درس‌هایی درباره اینکه علاوه بر مطیع بودن آموزه‌های کتاب مقدس باید در تعبیر از آن‌ها نیز مراقب باشیم، می‌توانیم بیاموزیم؟ این بویژه زمانی دارای اهمیت است که درمی‌یابیم در بعضی موارد برخی از کارهای "بد" توسط کسانی انجام شدند که باور داشتند می‌توانند اعمالشان را به کمک کتاب مقدس توجیه نمایند. این درباره اینکه ده فرمان باید برای باورهای ما اصلی و اساسی باشند، چه می‌گوید؟

۲- همانطور که در این بخش از سال درباره ارمیا مطالعه می‌کنیم، این اندیشه را که با وجود هشدار پس از هشدار، مردم بر این باور بودند که رابطه‌شان با خدا خوب است را در ذهن نگه دارید. چه چیزی ممکن است باعث چنین فریب خوردگی ایشان در مورد شرایطشان بوده باشد؟ برای ما چه پیامی باید داشته باشد؟

پنج پادشاه آخر یهود

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: تواریخ دوم باب ۳۴؛ ارمیا اول باب ۲۲
آیات ۱ تا ۱۹، باب ۲۹ آیات ۱ تا ۱۴؛ تواریخ دوم باب ۳۶
آیات ۱۱ تا ۱۴؛ ارمیا باب ۲۳ آیات ۲ تا ۸.

آیه حفظی: "فقیر و مسکین را دادرسی می‌نمود، آنگاه
سعادت‌مندی می‌شد. مگر شناختن من این نیست؟" (ارمیا باب ۲۲
آیه ۱۶).

فئودور داستایوسکی نویسنده معروف اهل روسیه، به دلیل
فعالیت‌های خرابکارانه سیاسی در دهه ۱۸۰۰ میلادی چهار سال
را در زندان سیبری سپری کرد. بعدها که از تجربیاتش نوشت،
از هم زندانیانی سخن گفت که از رفتار وحشتناک خود پشیمان
نبودند. "در طی چندین سال، من هرگز نشانه‌ای از توبه و
پشیمانی در این افراد ندیدم؛ هیچ اثری از احساس حزن نسبت
به جرم‌هایشان وجود نداشت و اکثر آن‌ها از درون خود را
درستکار می‌دیدند." - جوزف فرانک داستایوسکی، Joseph Frank,
Dostoevsky, the Years of Ordeal, 1850-1859, p. 95

داستایوسکی احتمالاً می‌توانست به جز یوشیا، از پنج پادشاهی
سخن بگوید که در زمان مأموریت ارمیا بر یهود حکومت

می‌کردند. این مردان یکی پس از دیگری این گونه به نظر می‌رسیدند که برای اعمال خود به هیچ وجه احساس ندامت نداشتند حتی با آشکار شدن این حقیقت که اعمال آن‌ها باعث بروز مصیبت‌ها و فجایعی می‌شدند که خداوند بواسطه ارمیا به ایشان هشدار داده بود.

هرگز قصد خدا این نبوده است که به اسرائیل پادشاه بدهد؛ در انتهای درس این هفته، دلیل آن را بهتر درک خواهیم کرد. همچنین فشار جدی که ارمیای بیچاره در اکثر دوران مأموریت قدردانی نشده با آن مواجه بود را نیز متوجه خواهیم شد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۷ اکتبر آماده شوید.

تحت حکومت یوشیا

یوشیا شانزدهمین پادشاهی بود که در پادشاهی جنوبی حکومت کرد؛ دوره حکومت او بین سال‌های ۶۴۰ تا ۶۰۹ پیش از میلاد بود. او در هشت سالگی پس از بیش از نیم قرن سقوط اخلاقی و روحانی دوران حکومت پدر (آمون) و پدربزرگش (منسی)، دو تن از شریک‌ترین شاهان یهود، به پادشاهی رسید. حکومت یوشیا ۳۱ سال به طول انجامید. اما بر خلاف اجدادش و با وجود شرایط محیطی بر ضد او، یوشیا "آنچه را که در نظر خداوند پسند بود، به عمل آورد" (پادشاهان دوم باب ۲۲ آیه ۲).

"یوشیا که از یک پادشاه شریر متولد شد، احاطه شده با وسوسه دنبال کردن راه پدرش بود، و تنها تعداد معدودی مشاور داشت که او را در راه حق تشویق کنند، با این حال دنباله رو حقیقی خدای اسرائیل بود. او که از اشتباهات نسل‌های پیشین هشدار یافته بود، تصمیم گرفت به جای نزول به سطح پایین گناه و پستی که پدر و پدربزرگش دنبال کرده بودند، راه درست را در پیش گیرد. او به هیچ جناحی کشیده نشد. به عنوان کسی که باید جایگاه مورد اعتماد بودن را بر می‌گزید، مصمم شد که از دستور العملی که برای هدایت حاکمان اسرائیل داده شده بود، اطاعت کند و در نتیجه فرمانبرداریش خدا توانست از او به عنوان وسیله‌ئی به سوی افتخار استفاده کند." - الن ج. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 384.

باب ۳۴ تواریخ دوم را بخوانید. مؤلفه‌های اصلاحات یوشیا چه بودند و چرا آنها محور هر گونه تلاش در اصلاحات روحانی، چه جمعی و یا شخصی هستند؟

اصلاحات یوشیا شامل دو جزء اصلی بود: نخست، تا حد امکان خلاصی از هرآنچه که بویی از بت پرستی برده بود. یعنی او تلاش کرد تا مرسومات شیطانی که در بین مردم رواج پیدا کرده بود را از بین ببرد.

اما این تنها اولین قدم بود. نبودن شرارت و کارهای اشتباه به این مفهوم نیست که خوب بوجود خواهد آمد. دوم اینکه، پس از شنیدن کتاب قانون، پادشاه پیمانی نزد خدا بست که "فرمانهای او را بجا آورد و قوانین و احکام او و پیمانی را که در کتاب نوشته شده بود، با تمامی دل و جان بجا آورد" (تواریخ دوم باب ۳۴ آیه ۳۱).

آیات ۳۲ و ۳۳ باب ۳۴ تواریخ دوم را بخوانید. این آیات درباره قدرت نمونه خوبی به خصوص در میان افرادی که در جایگاه قدرت و تأثیرگذاری هستند، به ما چه می‌گویند؟ به دقت و زیاد بیاندیشید: رفتار و کلام شما چه تأثیری بر دیگران می‌گذارد؟

یهوآخاز و یهویاقیم: تبار دیگر

یهوآخاز (همچنین معروف به شلوم) هنگامی که پس از پدرش بر تخت نشست، ۲۳ سال سن داشت. حکومت او تنها ۳ ماه به طول انجامید. فرعون برادرش را جایگزین او کرد زیرا یهوآخاز طرفدار سیاست مصر نبود. یهوآخاز به مصر برده شد و در آنجا مرد. (تواریخ دوم باب ۳۶ آیات ۲ و ۴، پادشاهان دوم باب ۲۳ آیات ۳۱ تا ۳۴)

پادشاهی که پس از یهوآخاز بر تخت نشست، یهویاقیم بود، که در بین سال‌های ۶۰۹ تا ۵۹۸ پیش از میلاد حکومت کرد. او پسر یوشیا بود. هنگامی که نبوکدنصر اورشلیم را تصاحب نمود، یهویاقیم همراه با ظروف معبد به بابل برده شد. ارمیا بازم به مردم هشدار داد که پادشاه جدیدشان ملت را به راه اشتباه می‌برد.

آیات ۱ تا ۱۹ باب ۲۲ ارمیا را بخوانید. چه مسائلی در مورد یهویاقیم باعث شد که خشم شدید خداوند برانگیخته شود.

خداوند که از طریق ارمیا سخن می‌گفت، کلمات خیلی تندی برای این پادشاه طمع‌کار و فاسد داشت. یهویاقیم پادشاهی ظالم و حریص بود که مالیات‌های سنگینی بر یهود اعمال کرد (پادشاهان دوم باب ۲۳ آیه ۳۵ را ببینید). تا به مصریان

پول پرداخت کند. بدتر از آن، با استفاده از نیروی کار اجباری قصرش را ساخت که سرپیچی از تورات بود که درباره پرداخت دستمزد کارگران به وضوح گفته بود. "به هم‌نوع خود ضرر نرسانید و به مال او خیانت نکنید. مزد کارگری را که برای شما کار می‌کند در موقع معین بپردازید. حتی برای شب هم پیش خود نگاه ندارید" (لاویان باب ۱۹ آیه ۱۳). همچنین یهوایقیم بر خلاف یوشیا پدرش، باعث شد که آئین‌های پتپرستی در یهود بار دیگر بوجود آیند.

ارمیا باب ۲۲ آیه ۱۶ آیه‌ای قدرتمند است. خداوند در زمینه مقایسه فساد یهوایقیم با پدرش، به او فرمود: "فقیر و مسکین را دادرسی می‌نمود، آنگاه سعادت‌مندی می‌شد. مگر شناختن من این نیست؟ خداوند می‌گوید؟" به عبارت دیگر، دانش حقیقی خدا از نحوه رفتار فرد با افراد نیازمند می‌آید؛ زمانی می‌آید که ما از حریم خود قدم بیرون نهاده تا برای کسانی که نمی‌توانند واقعاً کار ما را جبران کنند، منفعت برسانیم. در اینجا بار دیگر مانند سرتاسر کتاب مقدس می‌بینیم که خدا به نیازمندان و درماندگان اهمیت می‌دهد همانقدر که ما موظف به کمک کردن به کسانی که نمی‌توانند به خود کمک کنند، هستیم.

در این اندیشه که کمک به "افراد فقیر و بیچاره" ما را در شناخت خداوند کمک می‌کند، بیشتر تأمل کنید. این به چه مفهومی است؟

سلطنت کوتاه مدت پادشاه یهود، یهوئاکین

نوزدهمین پادشاه یهود، یهوئاکین پسر یهوئاقیم بود. او تنها سه ماه و نیم بر تخت سلطنت داود نشست. در سال ۵۹۸ پیش از میلاد، نبوکدنصر نیروهایش را به اورشلیم آورد و پادشاه ۱۸ ساله را به همراه مادرش، همسرش و بسیاری از اعضای سلطنتی را توقیف کرده به اسارت برد. در سال ۵۶۱ پیش از میلاد، یهوئاکین در سی و هفتمین سال اسارتش، مورد لطف مَرُوذَک شریر جانشین نبوکدنصر قرار گرفت. او حق غذا خوردن با پادشاه بابل را یافت و می‌توانست ردای پاداهیش را به تن کند. (پادشاهان دوم باب ۲۵ آیات ۲۷ تا ۳۰، ارمیا باب ۵۲ آیات ۳۱ تا ۳۴ را ببینید.) پسرانش نیز با او در بابل بودند، در عین حال پیشگویی ارمیا دال بر این بود که آنها تخت سلطنت داود را از دست خواهند داد.

آیات ۱ تا ۱۴ باب ۲۹ ارمیا را بخوانید که کلام خداوند از طریق ارمیا بعد از به اسارت برده شدن پادشاه یهوئاکین و خانواده و دربارش از اورشلیم بود. چگونه محبت و فیض خدا حتی در میان این مصیبت نمایان می‌شود؟

یکی از معروفترین آیات کتب مقدس، این آیه است: "زیرا خداوند می‌گوید: فکرهایی را که برای شما دارم می‌دانم که فکرای سلامتی می‌باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید

بخشم" (ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۱). ما در اینجا بطور حتم آیه‌ای مطابق زمینه داریم: آیه‌ای از خداوند که از طریق ارمیا به اسیران یهود می‌گوید که توسط کشورگشایان بابلی کاملاً بی‌خانمان شده بودند. هنوز حتی در آن حال، بدون توجه به بدی شرایطشان، خداوند می‌خواست که آن‌ها بدانند او همچنان ایشان را محبت نموده و تنها خوبی آن‌ها را می‌خواست. بدون شک با در نظر گرفتن شرایط وحشتناک، آن‌ها حتماً این سخنان امیدوارکننده و نوید دهنده را به خوبی پذیرفتند. از این رو، حتی در میان هشدارها و تهدیدات مهلک، همچنان به مردم وعده "آینده و امید" داده می‌شد. بویژه در آن زمان حتماً داشتن چنین اطمینانی برای آن‌ها بسیار مهم بوده است.

آینده و امید؟ بدون در نظر گرفتن شرایطتان، در زمان حال از پیام "آینده و امید" خداوند چه وعده‌هایی می‌توانید انتظار داشته باشید؟

پایان بن بست

آیات ۱۱ تا ۱۴ باب ۳۶ تواریخ دوم را بخوانید. این آیات درباره آخرین پادشاه یهود قبل از نابودی نهایی این ملت به ما چه می‌گویند؟ چه اصول روحانی مربوط به ارتداد در ای آیات نمایان شده‌اند؟

صدقی‌ا در سن ۲۱ سالگی به عنوان دست‌نشانده نبوکدنصر بر تخت پادشاهی نشست. متأسفانه، همانگونه که در آیه آمده است، او درس‌های زیادی از سرگذشت پادشاهان پیشین نیاموخت و در نتیجه ویرانی‌های بیشتری برای ملت به بار آورد.

آیه ۱۴ باب ۳۶ تواریخ دوم نکته‌ای عمیق را بیان می‌کند، که بر قلب ارتداد آن‌ها اشاره دارد. در میان همه شرارت‌های انجام شده تحت حکومت صدقی‌ا، آمده است که یهودا از "رجاست‌های بت پرستانه ملت‌های اطراف خود" پیروی می‌کردند.

و اینک آن‌ها قرن‌ها پس از خروج و صدها سال به عنوان قوم پیمان که می‌باید نور و چراغ سایر ملت‌ها بودن (تثنیه باب ۴ آیات ۵ تا ۸)، همچنان گرفتار فرهنگ مرسوم و رسوم و آداب امتهای اطرافشان بودند که "الگوهای گناه آلود" بت پرستانه انجام می‌دادند.

آیا در اینجا پیامی برای ما وجود دارد؟

آیات ۱۴ تا ۱۸ باب ۳۸ ارمیا را بخوانید. پادشاه از او چه پرسید و چرا؟

خداوند در موقعیتهای مختلف این را به وضوح مشخص نمود که امت میبایست تسلیم قوانین بابل شوند که این تصرف مجازات گناه ایشان بود. با این وجود، صدقیا به آن گوش نکرد و معاهدهئی نظامی بر علیه نبوکدنصر بست. اسرائیل به شدت امید به پیروزی نظامی مصر داشت. اما نبوکدنصر در سال ۵۹۷ پیش از میلاد بر ارتش فرعون پیروز شد. این شکست برای همیشه سرنوشت اورشلیم و این قوم را تعیین نمود. با وجود موقعیتهای بسیار برای توبه کردن و نجات یافتن، قوم یهود از این کار سر باز زد.

ما به عنوان یک کلیسا برخاسته ایم تا پیامی که کس دیگری در دنیا اعلام نمی نماید، به جهانیان برسانیم. این بسیار مشابه کاری است که قوم یهود باید انجام می داد. ما از اشتباهات آنها چه درس هایی می توانیم و باید بیاموزیم؟

سال‌های تاریک

پس از نپذیرفتن پیام خدا، چه بر سر اسرائیل و اورشلیم آمد؟ ارمیا باب ۳۹ آیات ۸ و ۹.

تمام چیزهایی که خدا به آنها هشدار داد اتفاق خواهد افتاد، دقیقاً رخ داد. هر چقدر که تمایل به باور هشدارها نداشتند، به طور حتم بعد از به وقوع پیوستنشان آنها را باور کردند. آیا کسی پیدا می‌شود که حتی در سطح شخصی چیزی مشابه را تجربه نکرده باشد؟ خداوند به ما هشدار داده است کاری را انجام ندهیم وگرنه چنین می‌شود، اما ما به هر حال آن را انجام می‌دهیم و به طور قطع آنچه به ما گفته شد اتفاق می‌افتد.

در آیات ۲ تا ۸ باب ۲۳ ارمیا چه پیامی یافت می‌شود؟ چه امیدی به مردم آنجا داده شده بود؟

از دیدگاه انسانی همه چیز به نظر از دست رفته می‌آمد: کشورشان به خرابه‌ای تبدیل شده است، معبدشان نابود شده، رهبران‌شان تبعید شده و به اسارت گرفته شدند و شهر اورشلیم به توده‌ای از سنگ تبدیل شده بود. قوم یهود و یهودیان

می‌بایست در آن زمان از تاریخ ناپدید گردند، مانند بسیاری ملت‌های دیگر که گرفتار چیزی مشابه شدند.

اما خداوند نقشه‌های دیگری داشت و در آیات فوق (و بسیاری آیات دیگر) او به ایشان این امید را داد که همه چیز از دست نرفته است بلکه بازماندگان برخوانند گشت و از طریق آن‌ها وعده تحقق خواهد یافت. یعنی در میان همه هشدارها به نابودی، انبیا به مردم تنها امید ممکن را نیز دادند.

“سال‌های تیره نابودی و مرگ که نمایانگر پایان پادشاهی یهودا بود به قوی‌ترین قلب‌ها نا امیدی می‌آورد اگر تشجیع در پیام‌های انبیای خدا وجود نمی‌داشت، خداوند در رحمتش از طریق ارمیا در اورشلیم، دانیال در دربار بابل و حزقیال در سرچشمه رود خابور هدف ابدی خویش را آشکار ساخت و اطمینان داد که وعده‌های نوشته شده در کتاب موسی را برای قوم منتخب خویش تحقق خواهد بخشید. که گفته بود برای کسانی که به او وفادار باشند همه کار می‌کند. ” (پطرس اول باب ۱ آیه ۲۳)“
- الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 464.

تفکری فراتر: "در سال‌های پایانی ارتداد یهودا، به نظر می‌رسید نصایح انبیا فایده چندانی نداشت؛ و هنگامی که ارتش کلدانیان برای سومین و آخرین بار برای محاصره اورشلیم آمد، امید از قلبها رخت بر بست. ارمیا نابودی کامل را پیشگویی کرده بود؛ و به دلیل اصرارش برای تسلیم شدن بود که در نهایت به زندان انداخته شد. اما خدا باقی ماندگان وفادار را در نا امیدی ترک نکرد که هنوز در شهر مانده بودند حتی زمانی که ارمیا تحت مراقبت شدید افرادی بود که پیامش را به تمسخر گرفته بودند، مکاشفه‌ای جدید درباره تمایل آسمان به بخشش و و نجات بر او ظاهر گشت که منبع پایدار آرامش برای کیسای خدا در آن زمان تا به امروز است." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 466.

به این عبارت توجه کنید، "تمایل آسمان در بخشش و نجات". به همه روش‌هایی بیاندیشید که به ما "تمایل آسمان" به بخشش و نجات، نشان داده شده است. گذشته از هر چیز، صلیب به تنهایی باید از این تمایل به ما سخن بگوید. ما کلام خدا را داریم که نقشه نجات را برایمان نمایان می‌سازد. به ما روح نبوت داده شده است که موهبتی شگفت‌انگیز است. به چه روش‌های دیگری "تمایل آسمان به بخشش و نجات" به ما نشان داده شده‌اند؟

سوالاتی برای بحث

۱- "[مردم نزدیک شدند] به ارمیا نبی و به او گفتند، 'خواهش می‌کنیم آنچه می‌خواهیم برای ما انجام بده! در حضور خدای ما، برای ما که زنده مانده‌ایم دعا کن. زمانی ما گروه کثیری بودیم اما اکنون، همان طور که می‌بینی تعداد کمی از ما زنده مانده‌اند.'" (ارمیا باب ۴۲ آیه ۲). این آیه و آنچه در آیه ۳ باب ۲۳ همین کتاب می‌خوانیم، درباره زمینه بازماندگان در این کتاب چه می‌گویند؟

۲- از دیدگاه ما نگاه کردن به تاریخ مقدس و دیدن تمام اشتباهات، کوتاهی‌ها و کمبودهای روحانی قوم خدا در زمان‌های باستان آسان است. و ما باید این کار را انجام دهیم زیرا به ما گفته شده است که این روایات به عنوان الگو و نمونه برای ما نوشته شده بودند (قرن‌تین اول باب ۱۰ آیه ۱۱). موضوع ناراحت کننده این است که بسیاری از مردم آن زمان، در چهارچوب فرهنگی خود می‌پنداشتند که کار درست را انجام می‌دهند و همه چیز بین آن‌ها و خداوند خوب بود. این چه هشداری درباره اینکه ما چقدر ممکن است از شرایط روحانی خود بی‌خبر باشیم، به ما می‌دهد؟ به چه روش‌هایی می‌توانیم شرایط روحانی حقیقی خود را دری کنیم؟ چرا باید صلیب را در مرکز این روند قرار دهیم؟ و اگر این کار را نکنیم چه اتفاقی برای زندگی روحانیمان خواهد افتاد؟

سرزنش و مجازات

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۱۷ آیات ۵ تا ۱۰؛ ارمیا باب ۱۷ آیات ۱ تا ۴، ارمیا باب ۱۱ آیات ۱۸ تا ۲۳؛ یوحنا باب ۳ آیه ۱۹؛ ارمیا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۶، باب ۱۴ آیات ۱ تا ۱۶.

آیه حفظی: "ای خداوند، مرا شفا ده تا کاملاً سالم شوم، مرا خلاصی ده تا در امنیت کامل به سر ببرم. تنها تو را ستایش می‌کنم" (ارمیا باب ۱۷ آیه ۱۴).

"آنچه بوده است همان است که خواهد بود، و آنچه شده است همان است که خواهد شد و زیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست" (جامعه باب ۱ آیه ۹).

زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ئی نیست؟ این بخصوص در مورد زندگی و کار انبیای خدا صادق است که اغلب فراخوانده می‌شدند تا هشدارها و سرزنش‌ها را برای کسانی که لازم بود رفتار صحیح را بدانند، برسانند. انبیا با وجود اینکه بدنبال وفادار بودن به فراخواندگی‌شان بودند، اما در اکثر مواقع با مخالفت‌های شدید و حتی مجازات معمولاً از جانب رهبران دینی که باید اولین کسانی می‌بودند که به پیام

ایشان گوش می‌کردند، مواجه می‌شدند. جای تعجب نیست که عیسی فرمود، "وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می‌کنید و مدفنهای صادقان را زینت می‌دهید، و می‌گویید: اگر در ایام پدران خود می‌بودیم، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدیم" (متی باب ۲۳ آیات ۲۹ و ۳۰).

این هفته شروع خواهیم کرد به شناختن مشکلات ارمیا، کسی که مأموریتش مملو از مجازات و سرزنش بود: او سرزنش می‌کرد، رهبران او را مجازات می‌کردند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۴ اکتبر آماده شوید.

کتاب مقدس از نخستین باب‌های پیدایش تا آخرین باب‌های مکاشفه، تنها دو شیوه در مورد نحوه زندگی برای ما بیان می‌کند: یا ما با تمام قلب و روحمان از خداوند پیروی می‌کنیم و یا خلاف این است. همانطور که عیسی در آیه‌ای که بسیاری آن را آزاردهنده یافتند، فرمود، "هر که با من نباشد، بر ضد من است و هر که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد" (لوقا باب ۱۱ آیه ۲۳). این اظهاری بدون ابهام است درباره واقعیت‌های روحانی قدرتمندتر از آنچه برای دید ما به نظر می‌آیند و یا عقل به ما می‌گوید. این موضوع نبرد بزرگ است در پایه‌ی اساسی‌اش. و همچنان در یک معنی، عیسی چیزی افراطی یا جدید نمی‌گوید. همیشه به همین گونه بوده است.

آیات ۵ تا ۱۰ باب ۱۷ ارمیا را بخوانید. در اینجا چه اصول روحانی بسیار مهمی بویژه در زمینه نبرد بزرگ بین مسیح و شیطان می‌یابیم؟

چارچوب بدیهی این آیات احتمالاً منعکس کننده شرایط وقت تلف کردن سیاسی یهود است و خداوند می‌خواست که آن‌ها درک کنند که تنها خدا می‌تواند به ایشان کمک کند و نه قدرت‌های سیاسی و نظامی، نکته‌ای که بعدها آموختند اما دیگر بسیار دیر شده بود. با وجود اینکه خداوند می‌تواند از دیگران برای کمک به ما استفاده کند و اینکار را انجام می‌دهد، در انتها ما باید تنها به او اطمینان داشته باشیم. ما هرگز

نمی‌توانیم کاملاً از انگیزه‌های دیگران با خبر شویم؛ اما همیشه می‌توانیم قصد خدا را نسبت به خود بدانیم.

آیه ۹ باب ۱۷ ارمیا با دلیلی خوب از فریبنده بودن قلب انسان می‌گوید. در متن عبری چنین آمده است که قلب از "همه چیز" فریبنده تر است. تاثیرات ناگوار جسمی گناه با تمام بدیشان، مهیب تر از تاثیرات روحانی و اخلاقی آن نیستند. از آنجایی که بنقد قلب بسیار فریبنده است، مشکل اینجاست که ما نمی‌توانیم کاملاً بدی آن را درک کنیم. ارمیا بزودی خود متوجه بدی تمایلات انسان شد.

چگونه می‌توانید بیشتر از قبل اعتماد کردن به خداوند را بیاموزید؟ اکنون به چه روش‌هایی می‌توانید در ایمان قدم برداشته و کاری را که از نظر خداوند درست است، انجام دهید؟

گناه یهودا

به طور حتم وظیفه ارمیا قرار نبود آسان باشد. شاید برخی از اشاره کردن به گناه دیگران لذت ببرند، اما اکثر مردم این کار را ناپسند می‌دانند بخصوص به خاطر واکنشی که کلام ایشان برمی‌انگیزد. اگرچه بعضی‌ها با شنیدن سرزنش، ممکن است توبه کرده و تغییر کنند، اما همواره اینچنین نیست بخصوص زمانی که سرزنش تند و صریح باشد. در حقیقت سخنان ارمیا مانند سایر انبیا فقط اینگونه بود: صریح و قوی!

آیات ۱ تا ۴ باب ۱۷ ارمیا را بخوانید. بعضی از هشدارهایی که ارمیا به مردم داد کدامند؟

تصویری که گناه بر قلب انسان شکل می‌دهد خیلی قوی است. عمق فساد را نشان می‌دهد. نکته اینجا نیست که گناه با قلمی نوشته شده است بلکه با ابزاری در آنجا حکاکی شده است. این حتی قدرتمند تر می‌شود زمانی که سخنان خداوند به اجداد یهودا به خاطر می‌آیند: "ولی شما باید از او پیروی کنید و تمام فرمانهایی را که در کتاب آموزشی او نوشته شده، بجا آورید. شما باید با تمام دل و جان به سوی او بازگردید" (تثنيه باب ۳۰ آیه ۱۰، با مزامیر باب ۴۰ آیه ۸ و ارمیا باب ۳۱ آیه ۳۳ مقایسه شود). اینکه باید خدا را دوست داشته باشند و از قانونش اطاعت کنند از قلبهایشان خارج

شده بود؛ اکنون در عوض گناهشان یعنی تخطی از قانون (یوحنا ۱ اول باب ۳ آیه ۴) بر قلب آن‌ها حک شده است.

”اجازه ندهید هیچکدام از کسانی که ادعای اطاعت از قانون خدا را دارند به خود ببالند که بدلیل توجهی که به احکام نشان می‌دهند، از داوری الهی بدور خواهند بود. نگذارید کسی از سرزنش شدن برای بدی سر باز زند و خدمتگذاران خدا را به جرم متعصب بودن زیاد برای پاکسازی جهان از بدی متهم کنند. خدایی که از گناه متنفر است همه کسانی را که قانونش را نگه می‌دارند فراخوانده و از بدی می‌رهاند.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 416. 21

گناه بر قلب حک شده است؟ این فکری ترسناک است، اینطور نیست؟ این تصویر درباره عمق و شدت اهمیت پاکسازی قلب‌هایمان چه می‌گوید؟ تنها راه تحقق بخشیدن به آن چیست؟

هشدار به ارمیا

”حکم محکومیت این است که نور به جهان آمد ولی مردم به علت اعمال شرارت آمیز خود تاریکی را بر نور ترجیح دادند“ (یوحنا باب ۳ آیه ۱۹).

داستان ناراحت کننده درباره زندگی ارمیا اینست که مخالفتی که با آن روبرو بود از طرف کسانی بود که خداوند قصد داشت بواسطه او نجات دهد. خداوند میخواست آن ها را از مصیبتی که در پیش بود نجات دهد. اما مشکل این است که مردم اغلب به آنچه که باید گوش بدهند، نمی دهند زیرا بر خلاف تمایلات فاسد و گناه آلود ایشان است.

آیات ۱۸ تا ۲۳ باب ۱۱ ارمیا را بخوانید. چه اتفاقی در اینجا افتاده است؟ بعضی از تصاویر ما را به یاد چه چیزی می اندازد؟

با وجود اینکه در اسرائیل باستان کسانی که به دروغ به نام خداوند پیشگویی کردند می توانستند با مرگ مواجه شوند، اما در این مورد اشاره ای به اینکه مردان عناتوت فکر کنند ارمیا دروغ می گوید، نشده است. در عوض، آن ها فقط می خواستند که او سکوت اختیار کند. آن ها نمی خواستند به سخنان او گوش

بدهند. اگرچه در آیات اشاره ای به چگونگی نقشه مرگ او نشده است، برخی از عالمان بر این باورند که اندیشه مسموم کردن او وجود داشت.

همانطور که مشاهده کردیم، عناتوت محل تولد ارمیا بود و مردم این شهر پیام او را نپذیرفتند حتی تا این مرحله که قصد جان او را کردند. اما این تنها آغاز ترد شدن بیشتر او توسط همه مردم بود اما بازماندگانی از دیار خودش او را پذیرفتند.

بدون شک همه اینها از جمله تصویر "راهی شدن برّه به کشتارگاه" قربانی شدن عیسی را برمی‌انگیزد. ارمیا به نوعی از پیش عیسی را تشخیص داده بود (نه به صورتی مانند قربانی حیوانات) بلکه به این شکل که او نیز مانند عیسی مخالفانی از میان کسانی که به ایشان کمک می‌کرد داشت. این موقعیت در زندگی ارمیا بطور حتم آنچه که عیسی در شروع مأموریتش با آن مواجه شد را به یاد انسان می‌آورد (لوقا باب ۴ آیات ۱۴ تا ۳۰).

آخرین باری که چیزی شنیدید که از درست بودن آن مطمئن بودید اما تمایلی به شنیدنش نداشتید کی بود؟ واکنش اولیه شما چه بود؟ در شرایطی مانند این، چرا باید بیاموزیم که صلیب خود را برداریم؟

سوگوازی

در باب‌های نخستین کتاب ارمیا، خداوند به خدمتگزارش هشدار داد که کارش به عنوان یک نبی آسان نخواهد بود. به ارمیا در هنگام فراخوانده شدنش گفته شد که شاهزادگان، پادشاهان، کاهنان و مردم یهود با او "جنگ خواهند کرد" (ارمیا باب ۱ آیه ۱۹). با وجود اینکه به او گفته شده بود که خداوند از او مراقبت خواهد نمود که مخالفانش بر او "غالب نگردند" (ارمیا باب ۱ آیه ۱۹)، بدون شک این هشدار که اکثر قومش با او خواهند جنگید خبر خوشایندی نبود. اما ارمیا هنوز حتی نیمی از آن را نیز نمی دانست و هنگامی که مشکلات آغاز شد، او به طور قابل ملاحظه‌ای عصبانی و دلخور بود.

در آیات ۱ تا ۴ باب ۱۲ ارمیا، اگر چه ارمیا از شرایط خودش سخن می‌گفت اما این نبی با چه مسائل جهانی دست و پنجه نرم می‌کرد؟ نحوه رفتار و دیدگاه این نبی نسبت به آنان که به او ضربه زدند چگونه بود؟ این موضوع درباره جنبه انسانی حتی مورد اعتمادترین خدمتگزاران خدا چه می‌گوید؟

آیه ۱ باب ۱۲ ارمیا سرشار از واژه‌های حقوقی عهد عتیق است: کلمه عبری برای "عادل"، "اقامه‌ی دعوی" و "عدالت" همه در وجهی حقوقی آمده‌اند. نبی که از آنچه با آن روبروست ناراحت شده، "دادخواهی" (تثنيه باب ۲۵ آیه ۱ را ببینید.) نزد

خداوند می‌آورد. مطمئناً شکایت او خیلی معمولی است: چرا در حالی که ارمیا تنها بدنبال انجام اراده خداست، بدی رونق یافته و او با مشکل مواجه است؟

می‌توانیم ببینیم که در اینجا انسانیت ارمیا نیز نشان داده شده است. او می‌خواهد کسانی که به او بدی کردند مجازات شوند. او در اینجا به عنوان یک عالم الهیات سخن نمی‌گوید؛ بلکه به عنوان انسانی سقوط کرده سخن می‌گوید که محتاج فیض است و مانند بسیاری از بندگان با ایمان خدا، متوجه نمی‌شود که چرا این چیزها برایش اتفاق می‌افتند. چرا خدمتگزار خدا مانند ایوب، ارمیا که فراخوانده شد تا حقیقت خدا را به گوش مردم متمرّد برساند، مورد توطئه خائنانه هم روستائیان خود قرار می‌گیرد؟ ارمیا به خداوند اطمینان داشت اما مطمئناً دلیل اتفاقاتی که رخ می‌داد را نمی‌دانست.

ما چگونه می‌توانیم با وجود اتفاقاتی که به نظر بی‌معنی می‌رسند، به خداوند اعتماد کنیم؟

وضعیت ناامید کننده

آیات ۱ تا ۱۰ باب ۱۴ ارمیا را بخوانید. در این آیات چه اتفاقی می‌افتد؟

خشکسالی همه سرزمین را فراگرفت؛ همه شهرها و شهرستان‌ها و روستاها متحمل سختی شدند. غنی و فقیر با هم رنج کشیدند. حتی حیوانات وحشی نیز نتوانستند کمبود آب را تحمل کنند. اشراف در دروازه‌های شهر منتظر خدمه خود می‌ماندند به امید اینکه آب یافته باشند، اما چشمه‌ها همه خشک شده بودند. هیچ آبی وجود نداشت و بدون آب زندگی نمی‌توانست ادامه یابد. بدبختیشان روز بروز بیشتر می‌شد. مردم لباس سوگواری به تن کرده و با چشمانی افسرده قدم می‌زدند. و ناگهان زانو زده و ناامیدانه فریاد دعا برمی‌آوردند.

رسم بود که در هنگام چنین فجایع طبیعی از معبد اورشلیم بازدید کنند (یوئیل باب ۱ آیات ۱۳ و ۱۴، باب ۲ آیات ۱۵ تا ۱۷) و روزه گرفته و به خدا هدایای خاصی تقدیم کنند.

ارمیا اشتیاق مردم را دید اما می‌دانست که آن‌ها به دنبال خداوند نیستند بلکه تنها در جستجوی آب هستند. این باعث غمگینی بیشتر این نبی شد. ارمیا نیز دعا می‌کرد اما نه برای آب بلکه برای رحمت و حضور خدا.

ارمیا نیز دانست که این تنها آغاز مشکلات پیش رو بود. خدا قلب‌های مردم را دید و می‌دانست که اگر خشکسالی را از بین ببرد، توبه‌های آن‌ها نیز ناپدید می‌شود. مردم برای تغییر

شرایط همه کار انجا دادند از جمله رفتن به اورشلیم، دعا کردن، روزه گرفتن، خرقه پوشیدن و هدایا تقدیم خدا کردن، اما یک چیز را فراموش کردند: توبه و تغییر حقیقی. آنها تنها به دنبال از بین بردن نتایج مشکل بودند و نه خود مشکل که گناه و نافرمانی بود.

آیات ۱۱ تا ۱۶ باب ۱۴ ارمیا را بخوانید. چگونه این آیات را درک می‌کنیم؟

خدا به ارمیا گفت، "برای خیریت این قوم دعا منما!" با وجود اینکه او دعای شفاعت کننده خوبی ارائه داد: "ای خداوند اگر چه گناهان ما بر ما شهادت می‌دهد اما به خاطر اسم خود عمل نما زیرا که ارتدادهای ما بسیار شده است و به تو گناه ورزیده‌ایم" (ارمیا باب ۱۴ آیه ۷). اگرچه به ما گفته شده است که "همیشه دعا کنیم" (تسالونیکیان اول باب ۵ آیه ۱۷)، در این مورد خدا که همه چیز را از ابتدا تا انتها می‌دانست، به ارمیا نشان می‌دهد که این مردم تا چه حد فاسد و سقوط کرده‌اند. بطور حتم خدا از قلب انسان‌ها با خبر است و آینده را نیز می‌داند؛ اما ما نمی‌دانیم. از این رو، نصیحت عهد جدید برای دعا کردن حتی برای دشمنانمان قدرتش در اینجا به هیچ وجه زیر سؤال نمی‌رود.

مطالعه بیشتر: ارمیا با سؤالی مواجه بود که همه ما با آن روبرو هستیم: چگونه بدی برای ما قابل توجیه است؟ اما شاید مشکل همینجاست که می‌خواهیم از چیزی که به معنی است و حتی می‌تواند "مهمل" خوانده شود، معنایی پیدا کنیم. خانم الن جی. هوایت در این باره نوشته است: "غیر ممکن است بتوان توضیحی درباره اصل گناه یافت که دلیلی برای وجودش باشد... گناه مزاحمی است که هیچ دلیلی برای وجودش وجود نیست. مرموز و غیرقابل توصیف است؛ بهانه آوردن برایش به مفهوم دفاع از آن است. اگر می‌توانستیم بهانه‌ای یا دلیلی برای وجودش بیابیم، دیگر گناه نام نمی‌داشت." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, The Great Controversy, pp.492, 493. واژه گناه را با بدی جایگزین کنید و این بیان کاملا با مفهوم می‌شود: غیر ممکن است بتوان توضیحی درباره اصل بدی یافت که دلیلی برای وجودش وجود نیست... بدی مزاحمی است که هیچ دلیلی برای وجودش وجود نیست. مرموز و غیرقابل توصیف است؛ بهانه آوردن برایش به مفهوم دفاع از آن است. اگر می‌توانستیم بهانه‌ای یا دلیلی برای وجودش بیابیم، دیگر بدی نام نمی‌داشت.

وقتی مصیبتی اتفاق می‌افتد، می‌شنویم مردم می‌گویند یا خودمان فکر می‌کنیم که: این را درک نمی‌کنم. منطقی نیست. البته دلیل خوبی وجود دارد که ما آن را درک نمی‌کنیم: این غیر قابل درک است. اگر می‌توانستیم آن را درک کنیم، اگر منطقی بود، اگر بر پایه نقشه‌ای منطقی و عقلانی بود، دیگر اینچنین بد نمی‌بود؛ اینگونه مصیبت‌بار نمی‌بود زیرا هدفی منطقی می‌داشت. خیلی مهم است که ما به خاطر داشته باشیم که بدی مانند گناه غیر قابل توجیه است. اگرچه، ما حقیقت صلیب را داریم که با وجود بدی‌های دشواری که گناه به بار می‌آورد، خوبی و محبت خدا را به ما نشان می‌دهد.

سوالاتی برای بحث

۱- راجع به این نظریه که بدی و رنج کشیدن منطقی نیستند و توضیح منطقی خوبی ندارند، بیشتر بیاندیشید. چرا اینگونه بهتر است؟ در آن تأمل کنید. مصیبت وحشتناکی اتفاق می‌افتد: شاید کودکی پس از سالها رنج کشیدن، از بیماری مهلکی بمیرد. آیا ما واقعاً می‌خواهیم باور کنیم که دلیل خوب و منطقی برای آن وجود دارد؟ آیا بهتر نیست آن را مرتبط با نتیجه بد و مهلک زندگی در دنیای سقوط کرده بدانیم؟ در این باره بحث کنید.

محنت‌های بیشتر نبی

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۲۳ آیات ۱۴ و ۱۵؛ ارمیا باب ۲۰؛ اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۷؛ ایوب باب ۳؛ ارمیا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰ و ۱۸ تا ۲۳.

آیه حفظی: "ای خداوند مرا فریفتی پس فریفته شدم. از من زورآورتر بودی و غالب شدی. تمامی روز مضحکه شدم و هر کس مرا استهزا می‌کند" (ارمیا باب ۲۰ آیه ۷).

یک چیز که تمام کسانی که از خدا برای هر مدتی پیروی کردند می‌آموزند اینست که ایمان داشتن به عیسی و بدنبال انجام اراده او بودن ضمانتی برای داشتن راهی آسان در زندگی نخواهد بود. گذشته از هر چیز، همانطور که به ما گفته شده است، "و همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید" (تیموتائوس دوم باب ۳ آیه ۱۲). این حقیقتی است که بدون شک ارمیا برای خود می‌آموخت.

اگرچه در عین حال، کاری که ایمانمان در مواقع مشکلات می‌تواند برایمان انجام دهد اینست که درکی گسترده‌تر به ما بدهد که بر پایه آن در میان سختی‌ها استقامت داشته باشیم. یعنی، هنگامی که رنج‌ها و مشکلات نا عادلانه و غیر منصفانه

اتفاق می‌افتند (و بدون شک تعداد زیادی از آنها غیر عادلانه و غیر منصفانه هستند)، دیگر مانند کسانی که خداوند را نمی‌شناسند، با احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی به حال خود رها نمی‌شویم. می‌توانیم هر قدر هم زمان حال ملالت‌انگیز باشد، از تصویر کلی و امید نهایی که خدا به ما وعده می‌دهد با خبر باشیم و بواسطه این دانش و امید می‌توانیم قدرت بیابیم. ارمیا چیزی از این زمینه می‌دانست اگرچه گاهی به نظر می‌رسید آن را فراموش کرده و تنها بر رنج‌های خود تمرکز می‌نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۱ اکتبر آماده شوید.

کاهنان و انبیا خدا شناس

با بیش از دو هزار سال فاصله تاریخی با یهودا و شاید حتی فاصله‌ای بیشتر از نظر فرهنگی و اجتماعی، درک تمام اتفاقات زمان ارمیا برای ما دشوار است. بسیاری از مردم با خواندن کتاب مقدس بخصوص هشدارها و تهدیدات خشن که خدا به مردم داد، عده‌ئی فکر می‌کنند که تصویری خشن، بدجنس و کینه‌جو از خداوند ارائه شده است. اما این درکی اشتباه و تنها بر اساس مطالعه سطحی آیات است. در عوض، آنچه عهد قدیم آشکار می‌سازد همان است که در عهد جدید نیز آشکار شده است: خدا بشریت را محبت نموده و خواستار نجات آن است، اما ما را مجبور به انتخاب نمی‌کند. اگر ما بی‌توجه به درخواست‌های او، خواهان انجام کار اشتباه باشیم، آزاد به انجام آن هستیم. اما نه تنها باید عواقب آن را به یاد داشته باشیم بلکه باید بدانیم که از قبل به ما هشدار داده شده است.

بعضی از شرارت‌هایی که خداوند در میان یهودیان با آنها مواجه بود، کدامند؟ برخی از شرارت‌هایی که ارمیا بر علیه آنها نبوت می‌نمود، کدامند؟ ارمیا باب ۲۳ آیات ۱۴ و ۱۵؛ باب ۵ آیات ۲۶ تا ۳۱.

شرارت‌هایی که در اینجا به آنها اشاره شده است تنها نمونه‌ای از آنچه قوم خدا دچار آن شده بودند است. کاهنان و

انبیا بی‌ایمان بودند و این کنایه‌ای غیر قابل باور است زیرا کاهنان می‌بایست نمایندگان خدا و انبیا سخنگویان او باشند. و این تنها آغاز مشکلاتی بود که ارمیا با آنها مواجه بود.

شرارتی که در اینجا ذکر شده است گونه‌های مختلفی دارد. ارتداد رهبران روحانی در میان است؛ آنها نیز دیگران را به شرارت سوق می‌دهند "مبادا هر یک از ایشان از شرارت خویش بازگشت نماید" (ارمیا باب ۲۳ آیه ۱۴). حتی زمانی که خداوند از داوری پیشرو هشدار می‌داد، انبیا می‌گفتند که حقیقت ندارد. در همین حال، با اینکه از خدا دور بودند، اندرز مراقبت از یتیمان و دفاع از فقیران را فراموش کرده بودند (ارمیا باب ۵ آیه ۲۸). در هر صورت، این امت از خداوند روی گردانده بود. بسیاری از بخش‌های کتاب مقدس، دست کم در کتاب‌های نبوی عهد عتیق، ثبت شده است که خداوند بدنبال فرخواندن قوم متمرّد خود است. یعنی، با وجود همه این شرارت‌ها و چیزهای دیگر، او مایل به بخشیدن، شفا و حتی نجات آنها بود. اما اگر ایشان نپذیرفتند، دیگر چه می‌توانست انجام شود؟

ارمیا گرفتار در کنده

وظیفه انبیا همواره انتقال پیام خدا بوده است و نه شمردن تعداد کسانی که آن را پذیرفته یا رد می‌کنند. در کل، تعداد کسانی که در زمان موعظه انبیا، پیام ایشان را می‌پذیرفتند کم بود. برای مثال اگرچه نمی‌دانیم چند نفر در زمان نوح وجود داشتند، می‌توانیم به طور منطقی فرض کنیم که اکثریت اهمیت نمی‌دادند و تنها عده کمی به کشتی سوار شدند. در طول کل تاریخ مقدّس، به نظر می‌رسد چنین بوده است.

آیات ۱ تا ۶ باب ۲۰ ارمیا را بخوانید. چگونه با پیام او برخورد شد؟

برای درک بهتر آنچه در اینجا در جریان بود، تنها کافی است آنچه ارمیا پیشگویی کرد را بخوانیم، سخنانی که او را با چنین مقام عالی رتبه با مشکل مواجه ساخت. در باب ۱۹ ارمیا اشاره ای به این پیشگویی شده است: خدا "این سرزمین را دچار چنان مصیبتی" خواهد کرد (ارمیا باب ۱۹ آیه ۳)، او کاری خواهد کرد که بدست شمشیر کشته شوند و بدنهای آنها طعمه پرندگان و حیوانات وحشی شود (ارمیا باب ۱۹ آیه ۷)، و ساکنین یهودا گوشت یکدیگر را خواهند خورد (ارمیا باب ۱۹ آیه ۹).

اگرچه هیچکس برای مخاطب این پیشگویی بودن خوشحال نمی‌شد، فشخور به عنوان یک رهبر رنجیده شد. مانند اکثر مردم،

عکس‌العمل نخستین او رد کردن پیام بود؛ گذشته از هر چیز، آیا او مایل به قبول کردن چیزی به این وحشتناکی بود؟ فراتر از آن، فشحور با استفاده از مقامش، اشتباه مجازات کردن نبی را مرتکب شد. او دستور داد بر طبق قانون ارمیا را مورد ضرب و شتم قرار دهند (تثنیه باب ۲۵ آیات ۱ تا ۳) و او را در قفسی زندانی کنند. اگرچه فشحور روز بعد او را آزاد نمود، اما این تجربه دردناک و تحقیر آمیز از ادامه انتقال نبوتش باز نداشت و این بار نه تنها بر ضد یهودا بلکه بویژه بر علیه فشحور و خانواده اش. خیلی زود سرنوشت فشحور و خانواده اش نمونه هولناکی برای کسانی که آن‌ها را در اسارت خواهند دید، تبدیل شد. این همچنین نخستین بار در کتاب ارمیا است که بابل به عنوان مکان تبعید نشان داده شده است. (باب‌ها و حتی آیه‌های هر باب ترتیب تاریخی ندارند.)

تصور کنید چنان پیشگویی درباره خوتان بشنوید. فکر می‌کنید اولین واکنشتان چه باشد و چه باید باشد؟ (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۷ را ببینید.)

آتشی در استخوان‌هایش

کلام خشن ارمیا به فشور و امتش (ارمیا باب ۲۰ آیات ۴ تا ۶) از جانب او نبودند؛ از سر عصبانیت او به دلیل زندانی شدن در کنده برای یک روز بیان نشده بودند. این‌ها کلام خدا به او برای قومش بودند.

اما آنچه پس از آن می‌آید، مستقیم از قلب خود ارمیا با الهام از روح القدس نوشته می‌شود. این فریاد قلبی یک انسان است که موقعیتی که در آن قرار دارد را نمی‌پسندد و در مورد آن ناله می‌کند.

آیات ۷ تا ۱۴ باب ۲۰ ارمیا را بخوانید. او در اینجا چه می‌گوید؟ این درباره جنبه انسانی او و همچنین جنبه انسانی ما چه می‌آموزد؟

سخنانش در ابتدا کفرآمیز به نظر می‌رسیدند. اما ممکن است کسی تعجب کند که چرا او می‌گوید که خداوند او را فریب داده است، درحالی که درست از ابتدا خداوند به او هشدار داد که با مخالفت‌های شدید روبرو خواهد شد. با این وجود او شکایت می‌کند، "هر جا سخن می‌گویم باید فریاد بزنم و با صدای بلند بگویم: «خشونت! ویرانی!» جای تعجب نیست که مردم مخالف من هستند."

در عین حال، اهمیت حیاتی آنچه او در ارمیا باب ۲۰ آیه
می‌گوید، چیست؟

او شاید دوست داشت که همه چیز را رها کند و دست از موعظه کردن بردارد، اما کلام خدا مانند آتشی در قلب و استخوان‌هایش بود. چه استعاره قدرتمندی است که کسی متوجه فراخوانده شدنش باشد و بر خلاف درد شخصی، مصمم به پیروی از آن فراخواندگی بود. (افکار مشابهی را در آیه ۸ باب ۳ عاموس و آیه ۱۶ باب ۹ قرنتیان اول می‌توان یافت.)

در تمام این آیات مشکلاتی را که ارمیا با آن روبرو است را می‌بینیم؛ می‌توانیم ببینیم که نبرد بزرگ در بیرون و درون او می‌خروشد. یک لحظه خدا را برای نجات فقیر از دست ظالم سپاس می‌گوید و لحظه‌ای دیگر (همانطور که فردا خواهیم دید)، به روزی که به دنیا آمده است را نفرین می‌کند.

چرا بخصوص در موقعیتهای وحشتناک اهمیت دارد که خداوند را سپاسگزار باشیم و به تمام روشهایی که محبتش را به ما آشکار کرده است، بیاندیشیم؟

ملعون باد روز

حتی خشن‌ترین منتقدین کتاب مقدس باید نکته‌ای مهم را تصدیق کنند: کتاب مقدس نقاط ضعف و ناتوانی انسان را نادیده نمی‌گیرد. به استثنای پسر بی‌گناه و بی‌عیب خدا، تنها تعداد کمی از شخصیت‌هایی که در کتاب مقدس آمده‌اند، ضعف‌ها و عیب‌هایشان آشکار نشد. این حتی در مورد انبیا نیز صدق می‌کند؛ همانطور که قبلاً اشاره شد، خدایی که این انبیا برای او خدمت می‌کردند کامل است؛ اما انبیایی که برای او خدمت می‌کردند اینگونه نبودند. آن‌ها مانند بقیه ما، گناهکارانی نیازمند عدالت مسیح بودند تا بواسطه ایمانشان به ایشان بخشیده شود (رومیان باب ۳ آیه ۲۲ را ببینید). از نوح تا پطرس و تمام افراد فاصله زمانی بین آن‌ها، همگی موجوداتی آسیب دیده از گناه بودند که تنها امیدشان همانطور که خانم الن جی. هوایت می‌گوید، این بود که به محضر خداوند رفته و بگویند: "من هیچ خوبی و شایستگی ندارم که به موجب آن درخواست نجات کنم، اما خون بزه بی عیب خدا را ارائه می‌دهم که گناه جهان را پاک کرد. این تنها درخواست من است. نام عیسی به من اجازه دسترسی به پدر را می‌دهد. گوش و قلب او بر روی ضعیف‌ترین درخواست‌های من باز هستند و عمیق‌ترین نیازهای مرا برآورده می‌سازد." Faith and Works, p. 106

آیات ۱۴ تا ۱۸ باب ۲۰ ارمیا را بخوانید. این آیات درباره وضعیت ذهنی این نبی در مورد موقعیت شخصی‌اش چه می‌گویند؟

کلام او در اینجا مطمئناً ما را به یاد ایوب می‌اندازد که موقعیتش بسیار بدتر از ارمیا بود (باب ۳ ایوب را ببینید). اگر چه ارمیا این تضمین را داشت که اراده خدا را انجام می‌داد و اینکه خداوند با او بود، در این مرحله درد شرایطش او را از پا درآورده بود. هر چقدر فهم ذهنی از حقیقت بود، اما در آن زمان تحت‌الشعاع غم خود قرار گرفته بود.

گاهی بسیاری از مردم ممکن است خود را در موقعیتی مشابه بیابند: ممکن است از نظر عقلی تمام وعده‌های خدا را درک کنند، اما بسیار تحت‌الشعاع اندوه و درد باشند که این وعده‌ها اولویت خود را از دست بدهند و در نتیجه آن‌ها بر رنج فعلی خود تمرکز کنند. این واکنشی قابل درک است؛ اما به این معنی نیست که درست است. در اینجا بار دیگر جنبه انسانی ارمیا را می‌بینیم که مانند انسانیت همه ماست.

آیا تا بحال با چنین احساسی که ارمیا تجربه کرد، روبرو شده‌اید؟ اگر پاسختان مثبت است، از تجربه‌ای که بدست آوردید چه آموختید که در برخوردهای بعدیتان در شرایط مشابه به شما کمک نمود؟

نقشه‌های ضد نبی

آیات ۱ تا ۱۰ باب ۱۸ ارمیا را بخوانید. چه اصول مهمی در مورد تفسیر نبوی در اینجا می‌یابیم؟

در همان آیات، چه اصول روحانی مهمی می‌توانم پیدا کنیم؟

با وجود همه شرارت‌ها، خدا همچنان قصد داشت به مردم فرصتی دوباره برای توبه بدهد. از این رو، در اینجا بار دیگر می‌بینیم که فیض خدا به کسانی که خواهان پذیرفتن آن هستند، داده می‌شود. حتی در این زمان آن‌ها هنوز با تمام کارهایی که انجام داده بودند، فرصت بازگشت را داشتند.

در این آیات نیز می‌توانیم مشروط بودن بسیاری از پیشگویی‌ها را ببینیم: خدا می‌فرماید که کاری انجام خواهد داد که اغلب مجازات کردن است. اما اگر مردم توبه کنند، او کاری را که گفته است انجام نخواهد داد. کاری که او انجام خواهد داد مشروط بر نوع پاسخ مردم است. چرا خدا باید کار دیگری بکند؟ او مردم را اندرز نمی‌دهد که از راه‌های بد بازگردند و سپس همچنان اگر آن‌ها از راه بد بازگشته و توبه کردند، آن‌ها را مجازات کند. در چنین مواردی، همانگونه که در این آیات تأکید کرده است، او مجازات نمی‌کند.

آیات ۱۸ تا ۲۳ باب ۱۸ ارمیا را بخوانید. مردم برای کارهایی که می‌خواهند نسبت به ارمیا انجام دهند، چه دلایلی دارند؟ جواب کاملاً انسانی ارمیا چیست؟

ارمیا حتماً کاملاً احساس نا امیدی می‌کرد نسبت به مردمی که او را مورد حمله قرار می‌دادند، زیرا آن‌ها گفتند که می‌خواهند "تعلیمات قانون"، "مشاوره حکیم‌ها" و "کلام انبیا" را نجات دهند. قلب چقدر می‌تواند خود فریب باشد!

چه درس‌هایی باید درباره مراقب بودمان در انجام کارهایی به نام خداوند، بیاموزیم؟ پاسخ‌هایتان را در روز سبت در کلاس بیان کنید.

تفکری فراتر: در آیات ۱۱ تا ۱۷ باب ۱۸ ارمیا، می‌بینیم که خداوند از مردم می‌خواهد دست از کارهایشان بردارند. آیه ۱۱ می‌گوید: "پس، اکنون به مردم یهودا و اورشلیم بگو که من درصدد تنبیه آنها هستم. به آنها بگو از زندگی گناه آلود خود دست بردارند و راه و رفتار خود را عوض کنند." آیه ۱۲ اساساً این کلام خداوند را در بردارد که پیش از آن می‌دانست آنها به هشدارها و درخواست‌های او گوش نخواهند کرد اما به راه خود در "سرسختی و شرارت" ادامه خواهند داد (آیه ۱۲). خداوند سپس از آنچه که به دلیل نافرمانی ایشان انجام خواهد داد، سخن می‌گوید. این یکی از بسیار جاهایی در کتاب مقدس است که خدا بدون نقض انتخاب‌های آزاد ما، از قبل از آن با خبر است. گذشته از هر چیز، چرا خدا از آنها بخواهد که از راه بد بازگردند وقتی در اطاعت کردن از او آزاد نباشند؟ چیزی که واضح است این است که خداوند دقیقاً از انتخاب‌های آزادانه ایشان از قبل با خبر بود. این حقیقت بسیار مهم به عنوان نمونه در آیات ۱۶ تا ۲۱ باب ۳۱ تثنیه دیده می‌شود. حتی قبل از ورود فرزندان خدا به سرزمین موعود، خداوند به موسی می‌فرماید که می‌داند آنها "روی گردانیده و خدایان دیگر را پرستش خواهند کرد" (تثنیه باب ۳۱ آیه ۲۰). در اینجا مدرک بیشتری از دانش خدا نسبت به اینکه انتخاب‌های ما آزادی اراده ما را زیر سوال نمی‌برد، وجود دارد.

سوالاتی برای بحث

۱- به پرسش انتهای درس روز پنجشنبه بیشتر بیاندیشید. چه کسی نشنیده است که مردم بگویند کارهایی انجام داده‌اند که خداوند از ایشان خواسته است؟ (با چه چیزی می‌توانید پاسخ به چنین افرادی را بدهید؟) اگرچه شکی نیست که خدا ما را

راهنمایی خواهد کرد، اما ما چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که این راهنمایی‌ها از سوی خداوند هستند؟

۲- ارمیا گفت که کلام خدا مانند "آتش در استخوان‌ها" بود. ما چگونه می‌توانیم این آتش را در درون خود زنده نگه داریم؟

۳- در آیاتی که این هفته خواندیم چه چیزی می‌توانیم بیابیم که به ما در درک تغییر و حیات دوباره شامل چیست، کمک کند؟ (گذشته از هر چیز، آیا این چیزی نبود که خداوند به دنبال انجامش در میان قومش بود؟) برای مثال، چرا درک گناهکار بودنمان برای حیات دوباره مهم است؟ با در نظر گرفتن این موضوع، چرا باید صلیب و امیدی که می‌بخشد مرکز حیات دوباره یافتن باشد؟

کارهای نمادین

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۴ آیات ۳ تا ۷؛ اعداد باب ۲۱ آیات ۱ تا ۹؛ اشعیا باب ۲۹ آیه ۱۶؛ رومیان باب ۹ آیات ۱۸ تا ۲۱؛ ارمیا باب ۱۹؛ عبرانیان باب ۵ آیه ۱۴؛ ارمیا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۱.

آیه حفظی: "مگر کوزه گر حق ندارد که از یک مشت گل، یک ظرف برای مصرف عالی و ظرف دیگر برای مصرف معمولی بسازد؟" (رومیان باب ۹ آیه ۲۱).

هر دانش‌آموخته کتاب مقدس می‌داند که آن پر از رموز است، چیزهایی که مفاهیم و ایده‌هایی متفاوت از خود دربر دارند. برای مثال تمام خدمات مقدس زمینی پیشگویی نمادین از نقشه نجات بود. "اهمیت سیستم یهودی هنوز به طور کامل درک نشده است. حقایق وسیع و عمیق در سایه مراسم و نمادهای آن پنهان شده‌اند. انجیل کلیدی است که رمز و راز آن را نمایان می‌سازد. از طریق آگاهی از نقشه نجات، حقایقش برای تفاهم باز می‌شوند." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, Christ's Object Lessons, p. 133. بواسطه نماد مقدس زمینی و کتابهای نبوی (از جمله دانیال بابهای ۲، ۷، ۸ و مکاشفه یوحنا)، و به بسیاری روشهای دیگر، خداوند برای انتقال حقیقت از نمادها بهره

برده است. در عین حال خود عیسی با تمثیله‌ها و تعلیمات عملی‌اش از نمادها استفاده نمود تا حقایق عمیق را آموزش دهد.

خود کتاب ارمیا پر از نماد و تصویرسازی است. در این هفته ما نگاهی خواهیم انداخت به برخی از این نمادها و مفهومان و درس‌هایی که باید از آنها بیاموزیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ نوامبر آماده شوید.

حقیقت در نمادها

کتاب مقدس سرشار از نمادهاست. انواع آنها بسیارند و در بیشتر مواقع حقایقی بزرگ از خود را بیان می‌کنند.

آیات ۳ تا ۷ باب ۴ پیدایش را بخوانید. دو قربانی متفاوتشان نشان دهنده چه چیزی هستند؟

در ابتدای کتاب مقدس می‌توانیم تفاوت میان تلاش یکی برای باز کردن راهش به بهشت (در هدیه‌ی قابیل) و درک اینکه نجات تنها از راه فیض بدست می‌آید که تنها از طریق قربانی شدن نجات دهنده فراهم شده است (هدیه‌ی هابیل)، ببینیم.

آیات ۴ تا ۹ باب ۲۱ کتاب اعداد را بخوانید. مفهوم نمادی مار برنجین برافراشته بر تیر چه بود؟ (همچنین یوحنا باب ۱۲ آیه ۳۲ را ببینید.)

”بنی اسرائیل با نگاه کردن بر مار برافراشته، خود را نجات دادند. این نظر از سر ایمان بود. آن‌ها زنده ماندند زیرا کلام خدا را باور داشتند و به آنچه برای بهبود آن‌ها مهیا شده بود اعتماد داشتند.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, p. 431.

در سرتاسر عهد قدیم، مراسم ابتدایی خیمه عبادت به عنوان دقیق‌ترین نماد نقشه نجات برپا می‌شد. این موضوع که بنی اسرائیل تا چه میزان مفهوم همه آئین‌ها را درک می‌کردند، برای هزاران سال پرسش برانگیز شده بود اگرچه شکی نیست که آن‌ها مفهوم بزرگترین حقیقتی که در آنجا آموزش داده شد را دریافتند: کفاره جانشین، این حقیقت که به منظور بخشیده شدن گناهانشان لازم بود که جایگزینی برای ایشان قربانی شود (قرن‌تین اول باب ۵ آیه ۷ را ببینید).

در حقیقت، از طریق خدمت خیمه عبادت، به ما نشانه‌هایی از مرگ عیسی، مأموریت بعنوان رئیس کهنه در آسمان، داوری پیش از ظهور و زدودن نهایی گناه در انتها داده شده است.

چه نشانه‌های کتاب مقدسی دیگری از نقشه نجات را می‌توانید نام ببرید؟ کدام یک خصوصاً درباره فیض نجات بخش خدا و امیدی که می‌توانیم از آن درافت کنیم سخن می‌گوید؟

گل سفالگر

آیات زیر چه حقایقی را می‌آموزند و چه نمادهایی در آنها یافت می‌شود؟ (پیدایش باب ۲ آیه ۷ را ببینید.)

ارمیا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰

اشعیا باب ۲۹ آیه ۱۶

اشعیا باب ۴۵ آیه ۹

اشعیا باب ۶۴ آیه ۸

رومیان باب ۹ آیات ۱۸ تا ۲۱

ارمیا بدون شک به دلیل ترد شدن و جفای مداومی که روبرو بود، دلسرد می‌شد. آیا ارزش داشت که برای ملتش مبارزه کند؟ در مواقعی او مطمئناً احساس می‌کرد که پاسخ "نه!" است.

اما شکی نیست که همانطور که به دست‌های سفالگر می‌نگریست، این تصویر نماد چگونگی کار کردن خدا با گل انسان را در ذهنش ایجاد می‌شد. در کنار سایر حقایقی که در تصویر سفالگر و گل وجود دارد، آن به ما حاکمیت نهایی خدا را می‌آموزد. یعنی هر چقدر موقعیت از دید ارمیا نا امید کننده به نظر می‌رسید، نماد سفالگر و گل به او نشان داد که در نهایت با وجود حتی تصمیم‌های گهگاه از روی اشتباه عمدی که مردم

می‌گیرند، جهان تحت اختیار خداست. او منبع مطلق قدرت و اختیار است و در پایان صرفنظر از ظواهر امر، پیروز خواهد شد.

پولس قرن‌ها پس از ارمیا به این تصویر عهد قدیم در باب ۹ رومیان اشاره کرده و با آن ادامه می‌دهد و اساساً از آن برای تعلیم آنچه باید به ارمیا می‌آموخت استفاده می‌کند. در حقیقت، پولس در آیه ۲۱ باب ۹ رومیان شاید دقیقاً به آیه ۶ باب ۱۸ ارمیا اشاره می‌کند. ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که با وجود اراده و انتخاب‌های آزاد انسان و اغلب نتیجه فاجعه بار سوءاستفاده از این اراده آزاد، در انتها می‌توانیم به حاکمیت مطلق خدای با محبت و فداکار خود امیدوار باشیم که محبتش بر روی صلیب آشکار شده است. شرارت پیروز نخواهد شد؛ بلکه خدا و محبتش پیروز خواهند شد. چه امیدی داریم!

چگونه می‌توانید از درس سفالگر و گل اعتماد کردن را بدون در نظر گرفتن شرایط کنونی بیاموزید؟ چه آیات دیگری از کتاب مقدس واقعیت حاکمیت مطلق خدا را به ما نشان می‌دهند؟

تباهی یک ملت

"چون این مردم مرا ترک کرده‌اند و این سرزمین را با گذرانیدن قربانی برای خدایانی که نه خودشان و نه اجدادشان و نه پادشاهان یهودا چیزی درباره آنها می‌دانستند، ناپاک کرده‌اند، آنها را به چنین مصیبتی گرفتار کرده‌ام. آنها این سرزمین را از خون بی‌گناهان پر ساخته‌اند" (ارمیا باب ۱۹ آیه ۴).

در این آیه چند نمونه از شرارت‌هایی که گریبانگیر یهودا شده بود نشان داده شده است. در کنار رها کردن خداوند، سوزاندن بخور به "خدایان دیگر" و ریختن خون بیگناه، آنها همچنین "این محل را بیگانه کردند". فعل عبری در اینجا به معنی "بیگانه ساختن" و "غریبه ساختن" یا "بی حرمتی کردن" است. آیه درباره اینکه "این مکان" خود معبد یا اورشلیم بود چیزی نمی‌گوید. اما نکته بسیار مهم این است که این ملت باید مقدس می‌بود بخصوص برای خداوند (خروج باب ۱۹ آیان ۵ و ۶ را ببینید)، چیزی متفاوت و مجزا از سایر ملتهای اطرافشان. اما این اتفاق نیافتاد. آنها خصوصیت منحصرشان، آن تفاوتی که ایشان را شاهدان جهان می‌ساخت، را از دست دادند. آنها دقیقاً مانند سایرین شدند.

در اینجا چه درس‌هایی برای ما وجود دارد؟

”آنها قربانگاه‌هایی برای بعل برپا کرده‌اند تا فرزندان خود را به عنوان قربانی در آتش بسوزانند. من هیچ گاه چنین دستوری به آنها نداده بودم و حتی به فکرم هم خطور نکرده بود“ (ارمیا باب ۱۹ آیه ۵).

اگرچه ماهیت قربانی کردن انسان در جهان باستان شناخته شده بود، اما مورد قبول خداوند نبود که این عمل را برای بنی اسرائیل ممنوع کرد (تثنیه باب ۱۸ آیه ۱۰). جمله بالا که به صورت ”حتی به فکرم هم خطور نکرده بود“ در متون عبری به صورت ”در قلبم برنخواست“ آمده است. این اصطلاحی بود که نشان می‌داد این اعمال تا چه حد دور و نا‌مأنوس با اراده خدا بودند. اگر ما موجودات گناه آلود این را منفور می‌یابیم، تصور کنید در نظر خدای مقدّسمان چگونه بود!

با وجود این با گذشت زمان، قدرت فساد و فرهنگ چنان قومش را تحت الشعاع قرار داد که آنها با این آئین‌های مخوف به تباهی کشانده شدند. چه درسی باید برای ما باشد درباره اینکه چقدر آسان می‌توانیم تحت تأثیر فرهنگ موجود کور شویم و یا حتی در فعالیت‌هایی شرکت کنیم که اگر مرتبت با خدا و موافق با کلام او آنچنان که می‌باید باشیم بودیم، هرگز نمی‌پذیرفتیم بلکه از آنها وحشتزده می‌شدیم.

شکستن کوزه

همانطور که دیروز دیدیم، این قوم دچار ارتداد عمیقی شده بود. آن‌ها پیام خدا را دریافت نمی‌کردند. در آن زمان خدا از ارمیا استفاده کرد تا کار نمادین قدرتمندی انجام دهد که ترجیحاً چشم آن‌ها را بر روی خطری که در انتظارشان بود، باز کند.

آیات ۱ تا ۱۵ باب ۱۹ ارمیا را بخوانید. ارمیا باید چه کاری انجام می‌داد و معنای این عمل چه بود؟

ارمیا باید دوباره به خانه سفالگر می‌رفت. اما این بار خداوند می‌خواست مطمئن شود که او با خود شاهدانی بیاورد تا دقیقاً کاری که او قرار بود انجام دهد را ببینند. شاهدان بزرگان و کاهنان یهودا بودند (ارمیا باب ۱۹ آیه ۱). آن‌ها به عنوان رهبر مسؤل آنچه در ملتشان اتفاق می‌افتاد بودند و بنابراین لازم بود که پیامی که ارمیا باید از طریق عمل نمادینش به ایشان می‌داد، دریافت کنند. دروازه سفالگران (ارمیا باب ۱۹ آیه ۲) جایی که او می‌بایست کوزه را بشکند، ممکت است نزدیک جایی بوده باشد که کوزه گران کار می‌کردند، و درست خارج از دروازه احتمالاً جایی بود که خورده ریزه‌های کوزه‌های خرابشان را می‌ریختند. از این رو، نماد بسیار قوی تر شد.

چه خوبی در شکستن کوزه سفالین وجود دارد؟ اگر کوزه ترک خورده بود، یک کارایی برای آن پیدا می‌شد حتی اگر برای هدف اصلی آن نبوده باشد. اما ارمیا تنها نمی‌بایست آن را ترک بدهد بلکه باید آن را می شکست و غیر قابل استفاده می‌نمود. میان عمل و کلماتی که در ادامه آن بیان شد، تصور اینکه مردم چگونه نتوانستند هشدار را درک کنند بسیار دشوار است. به طور حتم متوجه شدن هشدار و عمل بر طبق آن دو چیز کاملاً متفاوت هستند.

موضوع وحشتناک تر قطعیت آشکار ای عمل است. چه کسی می‌تواند یک کوزه شکسته را از نو بسازد؟ اگرچه خداوند به این قوم امیدی برای آینده داده بود، اما در آن زمان اگر رو بر نمی‌گرداندند، یهودیان نابود می‌شدند، هم خود و هم فرزندان‌شان. تمام مکان‌هایی را که با کارهای زشت و اعمال گناه آلود خود پلید ساخته بودند، بزودی به جایی برای جسدهایشان تبدیل می‌شد. شاید عمق فساد و شرارت آن‌ها با درک عمق مجازاتی که این شرارت بر سر ایشان آورد قابل فهمیدن باشد.

به چیزی که نابود شده است تا جایی که امکان بازسازی آن وجود ندارد بیاندیشید. از ابتدا برای چه منظوری ساخته شده بود و بعد که بی استفاده شد، چه اتفافی افتاد؟ باید بسیار مراقب باشیم که این اتفاق برای ما نیافتد!

کمر بند کتانی

آیات ۱ تا ۱۱ باب ۱۳ ارمیا را بخوانید. عمل نمادینی که به ارمیا دستور داده شد انجام دهد چه بود و چه درس مهمی در آن وجود داشت؟

این عمل نمادین برای برخی از مفسران ایجاد مشکل نموده است زیرا رود فرات (تفسیری معمولی از عبری ولی نه به عنوان تنها تفسیر) صدها کیلومتر با اورشلیم فاصله داشت. عزرا برای سفر به آنجا از مسیر مستقیم به ۴ ماه زمان نیاز داشت (عزرا باب ۷ آیه ۹). برای درک بهتر پیام، خدا از ارمیا خواست که دو بار این مسیر را رفته و باز گردد. بنابراین بعضی از دانشمندان بر این باورند که مکان‌های جغرافیایی دیگری مد نظر بوده اند. از سوی دیگر، برخی معتقدند که مسافت طولانی که او می‌بایست سفر می‌کرد به او نشان داد که فرزندان اسرائیل به چه مکان دوری برده می‌شدند. بیش از آن، ارمیا پس از بازگشت از چنین سفری طولانی، می‌توانست شادی بازگشت پس از ۷۰ سال اسارت را درک کند.

در هر صورت، کمر بند نماد خانه اسرائیل و یهودا است که در زمان فراخوانده شدنشان پاک و غیر آلوده بود. مردی که کمر بند را به تن دارد خود خداست. این در میان سایر چیزها نشان می‌دهد که خدا تا چه حد به قومش وابسته بود. برخی از مفسران این حقیقت که کمر بند از کتان که جنس ردای کاهنی است، ساخته شده است را مهم و با معنی می‌دانند (لاویان باب

۱۶ آیه ۴): گذشته از هر چیز، یهودا باید ملت کهنانت می‌بود
(خروج باب ۱۹ آیه ۶).

همانطور که کمر بند لکه دار شد، غرور ملت نیز قرار بود از
بین برود. همانگونه که کمر بند به کمر یک مرد می‌چسبد، این
مردم نیز یک بار به خداوند وفادار بودند منبع جلال و
ستایش او بودند. اما آن‌ها بواسطه ارتباط با فرهنگ‌های
اطراف لکه دار و ضایع شدند.

آیه ۱۱ باب ۱۳ ارمیا را بخوانید و آن را با آیات ۵ تا ۸
باب ۴ تثنیه مقایسه کنید. این آیات چگونه اتّفاقی که برای
قوم افتاد را نشان می‌دهند؟ این آیات درباره ما چه چیزی
می‌گویند؟

تفکری فراتر: تصویر کوزه‌گر و گل‌بویژه در باب ۹ رومیان، این پرسش مهم را بر می‌انگیزد که چگونه می‌توانیم بدنبال درک کارهای خدا باشیم. حقیقت این است که ما اغلب قادر به این کار نیستیم. این نباید تعجب برانگیز باشد، اینطور نیست؟ آیه ۸ باب ۵۵ اشعیا را بخوانید. به عنوان یک انسان ما در آنچه می‌توانیم درک کنیم، محدود هستیم چه برسد به کارهای خدا.

این نکته یعنی محدودیت دانش انسان، با عنوان "مشکل خود ارجاع" نمایان شده است. به این جمله نگاه کنید: "آرایشگر سویل هر کس را که خود را اصلاح نمی‌کند، اصلاح می‌کند." اما اگر او خود را اصلاح نکند، پس باید به همان دلیل مشابه خود را اصلاح کند. زیرا او هر کس که خود را اصلاح نمی‌کند، اصلاح می‌کند. پاسخ ضد و نقیضی غیر قابل حل تشکیل می‌دهد که محدودیت‌های استدلال را آشکار می‌سازد. از این رو، اگر استدلال به پیچ و خم خود گرفتار شود در چیز ساده‌ئی نظیر آرایشگر سویل چه کسی را اصلاح می‌کند، در مورد چیزی به عمیقی ماهیت و اندازه کارهای خدا در جهان چگونه خواهد بود؟ آنچه ما داریم صلیب است که هنگامی که اتفاقات این جهان بی معنی می‌شوند، به ما دلایل فراوانی برای اعتماد به خداوند و محبتش می‌دهد.

"منشاء گناه و دلیل وجودش برای بسیاری از افراد موجب حیرت شده است. آن‌ها شرارت و نتایج مهلک پریشانی و ویرانی آن را می‌بینند برایشان سؤال است که چگونه همه این‌ها می‌توانند تحت حاکمیت مطلق آن یگانه که در حکمت، قدرت و محبت بی‌نهایت است، وجود داشته باشند. این یکی از رازهایی است که ایشان برای آن هیچ توضیحی نمی‌یابند. و آن‌ها در شک و تردیدشان نسبت به حقیقتی که آشکارا در کلام خدا نمایان شد و برای نجات لازم است، کور می‌شوند." - الن جی. هوایت، Ellen G.

سوالاتی برای بحث

۱- ایده حاکمیت مطلق خدا درباره پرسش شرارت چه چالش‌هایی را به ما ارائه می‌کند؟ موضوع نبرد بزرگ چگونه به ما کمک می‌کند که دست کم اکنون تا حدی با پرسش‌های سخت کنار بیاییم؟

۲- چه نمادهای دیگری می‌توانید در کتاب مقدس بیابید؟ چرا خدا از نمادها استفاده کرده است؟ مزایای نمادها چیست؟

بحران ادامه دارد

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۹؛ ارمیا باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۵؛ رومیان باب ۱ آیه ۲۵؛ ارمیا باب ۲۶؛ اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۳۰؛ اعمال رسولان باب ۵ آیات ۳۴ تا ۴۱.

آیه حفظی: "اگر کسی می‌خواهد به چیزی ببالد، باید به این ببالد که مرا می‌شناسد، چون محبت من پایدار است و آنچه را راست و درست است، انجام می‌دهم. این چیزهایی است که مرا خشنود می‌سازند. من خداوند چنین گفته‌ام" (ارمیا باب ۹ آیه ۲۴).

مشق‌ها و سختی‌های خدمتگزار خدا ادامه دارد. در حقیقت تمام کتاب ارمیا مربوط است به چالش‌ها و مبارزاتی که این نبی داشت در تلاش برای راضی کردن مردم برای گوش دادن کلامی که خداوند در پی رساندن به ایشان از سر محبت و نگرانی بود.

تصور کنید چه اتفاقی می‌افتاد اگر مردم به ارمیا گوش می‌دادند و هشدارهای این نبی را می‌پذیرفتند. اگر آن‌ها گوش می‌سپردند - اگر مردم، پادشاهان و رهبران در مقابل خداوند فروتن می‌شدند - بحران وحشتناک به وجود نمی‌آمد. فرصت توبه کردن پیش روی ایشان بود. حتی پس از آنکه آن‌ها اشتباهات و

شرارت های بسیاری مرتکب شدند، در رستگاری و نجات به روی آنها بسته نشد. در باز بود؛ اما آنها به سادگی از ورود به آن سر باز زدند.

باز هم امروزه برای ما بسیار آسان است که سرهایمان را بر روی سختی قلب آنها تکان دهیم. "و این همه بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است" (قرنطیان اول باب ۱۰ آیه ۱۱). ما این نمونه ها را پیش رویمان داریم؛ از آنها چه خواهیم آموخت؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ نوامبر آماده شوید.

بگذار کسی که افتخار می‌کند...

در باب ۹ ارمیا این نبی شروع به سوگواری می‌کند زیرا فاجعه اجتناب‌ناپذیر پیش روی کشور و قومش را دید. خدا بر اورشلیم داوری نمود و هر گاه خدا چیزی بگوید آن را عملی می‌سازد. آن چه آن‌ها با آن روبرو بودند اتّفاقی نه از اتّفاقات وحشتناک و غیر قابل توضیح که گهگاه رخ می‌دهد نبود. خیر آن چه آن‌ها با آن روبرو خواهند شد داوری مستقیم خدا بود. و این تفاهم بود که ارمیا را چنان می‌رنجاند. اما غم و اندوه او تنها انعکاسی از دردی بود که خدا می‌باید احساس کرده باشد.

اگر چه زمینه متفاوت است این نقل قول به خوبی این ایده را در بر می‌گیرد: "صلیب مکاشفه ای است بر احساس کند ما از دردی که از نخستین زمان پیدایش گناه به قلب خدا آورده است. هر انحراف از راستی، هر عمل ظالمانه و هر شکست بشریت در رسیدن به ایده‌آلش برای او غم به همراه دارد. هنگامی که مصیبت‌ها که نتیجه جدایی اسرائیلی‌ها از خدا بود بر سرشان آمد - تسلیم به سلطه دشمنانشان، ظلم و مرگ - گفته شده است که 'دل او به سبب تنگی اسرائیل محزون شد'. او در همه تنگی‌های ایشان به تنگ آورده شد: ... متحمل ایشان شده، ایشان را برداشت'. داوران باب ۱۰ آیه ۱۶؛ اشعیا باب ۶۳ آیه ۹ - الن جی. هوایت، Ellen G. White, Education, p. 263

باب ۹ ارمیا سوگواری غم‌انگیز این نبی را بخوانید. خصوصا بر روی آیات ۲۳ و ۲۴ تمرکز کنید. چرا آن کلمات امروزه نیز به ما مربوط می‌شوند؟

گفته شده است که وقتی که پای مرگ در میان باشد، همه ما مانند شهری بدون دیوار هستیم. خرد، قدرت و ثروت همه جایگاه خود را دارند اما برای تکیه کردن به آنها بخصوص در میان مصیبت ها یا هنگامی که مرگ چیره می شود، بی فایده، بی معنی و تهی است. در میان همه هشدارها درباره نابودی به مردم گفته شده است که چه چیزی حقیقتاً اهمیت دارد و آن برای هر کس تا حد امکان فهمیدن مهربانی محبت آمیز، عدالت و داوری خدا است. چه چیز دیگری وجود دارد که می تواند به ما امید و آسایش دهد زمانی که همه چیزهای زمینی، انسانی از جمله بدن هایمان باعث درماندن ما می شود؟

صلیب درباره مهربانی محبت آمیز، عدالت و داوری خدا به ما چه می‌گوید؟

مخلوقات یا خالق؟

همانطور که تا کنون دیده ایم، قوم خدا فراخوانده شد تا از ملت‌های اطرفشان که همه غرق بت پرستی، شرک و آموزه‌های نادرست بودند، متمایز باشند. بنابراین بسیاری از هشدارهای پنج کتاب اول موسی اختصاصاً مخالف فعالیت‌های اشتباه همسایگان‌شان بودند. در عوض، اسرائیلی‌ها باید برای جهان از حقیقت خداوند به عنوان خالق و نجات دهنده شاهدانی می‌شدند. متأسفانه، بسیاری از تاریخچه عهد قدیم مربوط است به روایاتی که چگونه اغلب جذب فعالیت‌هایی می‌شدند که نسبت به آن‌ها هشدار داده شده بودند.

آیات ۱ تا ۱۵ باب ۱۰ ارمیا را بخوانید. خداند به قومش در اینجا چه می‌گوید؟ اگر چنین هشدار مشابهی امروزه در این فرهنگ و زمینه ما داده می‌شد، چگونه ممکن است نوشته می‌شد؟

ارمیا چیزی به مردم می‌گوید که باید تا کنون آن را می‌دانستند: این بت‌ها چیزی بجز ساخته‌های بشری و خیالات منحرف تصورات شیطانی آن‌ها نیستند. این نخستین مثال نخبه از قصه پولس بود وقتی قرن‌ها بعد که درباره کسانی نوشت که "حقیقت خدا را بدروغ تبدیل کردند و آفریده‌های خدا را بعوض خود آفریدگار پرستیدند - آفریدگاری که تا ابد شایسته ستایش است. آمین!" (رومیان باب ۱ آیه ۲۵).

در این آیه توجه کنید که چگونه پولس خلقت را با خالق در تقابل قرار می‌دهد. درست همین مقایسه در این آیات ارمیا نیز آمده است که درباره اهمیت و ضعف این خدایان در مقابل خدای حقیقی است. در طول این آیات ارمیا سعی دارد به مردم نشان دهد که اعتماد به این چیزها که ناتوان از انجام هر کاری هستند، تا چه حد احمقانه است. همه این‌ها در مقایسه با خدای خالق است که نه تنها جهان را آفرید بلکه آن را با قدرتش محافظت می‌کند (عبرانیان باب ۱ آیه ۳ را ببینید).

با وجود کهن بودن این آیات، پیام همچنان مناسب است. ما ممکن است وسوسه نشویم در برابر تندیس‌های ساخته دست بشری سر خم کرده و آن‌ها را پرستش کنیم؛ و اکثر ما وحشت زده و نگران نشانه‌های آسمانی نیستیم. اما در عوض اعتماد کردن به چیزهایی که قادر به نجات ما نیستند کما اینکه بت‌های یهودا قادر به نجات یهودا در روز داوری نخواهند بود، آسان است.

برخی از چیزهایی که اگر مراقب نباشیم، بیش از اندازه به آن‌ها اعتماد خواهیم نمود، کدامند؟

فراخوانده شدن به توبه

آیات ۱ تا ۶ باب ۲۶ ارمیا را بخوانید. در اینجا خداوند به مردم چه امیدی می‌دهد؟

پیام در اینجا مانند تمام پیام‌های دیگر کتاب مقدس در عهد قدیم و عهد جدید بود و آن فراخواندن به توبه کردن، روی بازگرداندن از گناهانمان و یافتن نجاتی که خدا به همه وعده می‌دهد است.

پیام آیات زیر چیست؟ قرن‌تین دوم باب ۶ آیات ۳۷ تا ۳۹؛ حزقیال باب ۱۴ آیه ۶؛ متی باب ۳ آیه ۲؛ لوقا باب ۲۴ آیه ۴۷؛ اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۳۰.

”ساکنین یهودا همه نالایق بودند و با این حال خدا از آنها دست نکشید. نام او باید توسط ایشان در سایر امّت‌ها اعتلا یابد. بسیاری از کسانی که با صفات او آشنا بودند، باید جلال و سیرت الهی او را می‌شناختند. به منظور نمایان ساختن طرح‌های پر رحمتش بود که برای خدمتگزارانش انبیایی با این پیام می‌فرستاد، هر یک از شما از راه بد خود و اعمال شریر

خویش بازگشت نماید' (ارمیا باب ۲۵ آیه ۵). او از طریق اشعیا اعلام نمود 'به خاطر اسم خود غضب خویش را به تأخیر خواهم انداخت و به خاطر جلال خویش برتر شفقت خواهم کرد تا آنرا منقطع نسازم ... به خاطر ذات خود این را می‌کنم زیرا که اسم من چرا باید بی حرمت شود و جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.' (اشعیا باب ۴۸ آیات ۹ و ۱۱). " - الن جی.

هوایت، Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 319

چه در عهد قدیم و چه در عهد جدید، در پایان پیام خدا برای همگی ما یکسان است: ما گناهکاریم، اشتباه کرده ایم و سزاوار مجازاتیم. اما از طریق صلیب مسیح، بواسطه مرگ کفاره ای عیسی خدا راهی برای نجات همه ما مهیا ساخته است. ما باید به گناهکاریمان اعتراف کنیم و با ایمان شایستگی‌های عیسی را مدعی باشیم که با وجود نا لایق بودنمان، مجاناً به ما داده شده‌اند و لازم است از گناهانمان توبه کنیم. و بطور حتم توبه حقیقی نیازمند خارج کردن گناه از زندگیمان بواسطه فیض خداست.

بدون در نظر گرفتن کارهایی که انجام دادیم، می‌توانیم از گناهانمان توبه کنیم و بخشیده شویم. این یکی از عرضه‌های انجیل است. شما هم اکنون لازم است از چه گناهانی توبه کنید؟

فراخوانده شدن به مرگ

از دیدگاه ما که به قبل بنگریم، باور کردن سختی قلب مردم بسیار دشوار است. همانطور که در درس روز قبل دیدیم، پیام ارمیا هر چقدر قوی، سرشار از امید بود. اگر آن‌ها توبه می‌کردند، خدا از مجازات‌های مهلک که بر اساس پیمان‌ها، وعده‌ها و نفرین‌ها بر سرشان می‌آمد، جلوگیری می‌کرد. اگر آن‌ها کارهایی که از ایشان خواسته شده بود انجام می‌دادند، اگر از خدا اطاعت می‌کردند و برکت در نتیجه آن را کسب می‌کردند، آنوقت همه چیز درست و خوب می‌شد. خدا آن‌ها را می‌بخشید، شفا می‌داد و باز می‌گرداند. عرضه‌ی انجیل که در نهایت از طریق قربانی شدن عیسی می‌آمد، برای بخشیدن همه گناهانشان و بازگرداندنشان به راه خدا کافی بود.

چه پیام امید و وعده نجاتی!

پاسخ به ارمیا و این پیام چه بود؟ (ارمیا باب ۲۶ آیات ۱۰ و ۱۱ را ببینید.)

در اسرائیل تنها دادگاه قانونی حق صدور حکم اعدام را داشت. تنها رای اکثریت از قضات برای حکم اعدام قابل قبول بود. کاهنان و انبیا ارمیا را با اتهامات مرگبار مجازات کردند. مخالفانش قصد داشتند او را به عنوان مجرم سیاسی و خائن معرفی کنند.

پاسخ ارمیا چه بود؟ (ارمیا باب ۲۶ آیات ۱۳ تا ۱۵).

ارمیا هرگز کوتاه نیامد؛ این نبی با تهدید مرگ پیش رویش و بدون شک در کمی هراس، با این وجود کلمه‌ای از پیامی را که خداوند به او داده بود و از ابتدا به او هشدار داده بود که کلمه‌ای از آن را تغییر ندهد، پیام را ملایم نکرد (ارمیا باب ۲۶ آیه ۲). از این رو در مقایسه با ارمیایی که اغلب ناله و شکایت می‌کرد و بر روز ولادتش لعنت می‌فرستاد، او را اکنون به عنوان مرد خدا می‌بینیم که با ایمان و اعتقادی راسخ ایستادگی می‌کند.

آخرین باری که باید با ایمان با بهایی شخصی برای حقیقتی که در مسیح است ایستادگی کردید، چه زمانی بود؟ اگر هرگز نباید این کار را می‌کردید، چه مشکلی وجود داشت؟

فرار ارمیا

همانطور که دیروز دیدیم، ارمیا صرفنظر از ترسها و احساسات شخصی‌اش، با آگاهی کامل از امکان مرگ که موضع‌اش ببار می‌آورد، به محکمی ایستادگی کرد. او به شاهزادگان و مردم را کاملاً واضح در آیه ۱۵ باب ۲۶ کتابش (او گفت "مطمئن باشید") هشدار داد که اگر او را بکشند، برای ریختن خون بیگناه مجازات خواهند شد. ارمیا می‌دانست که نسبت به اتهاماتی که به او زده بودند، بیگناه است.

آیات ۱۶ تا ۲۴ باب ۲۶ ارمیا را بخوانید. ارمیا چگونه از مرگ فرار کرد؟

چه جالب که کاهنان و انبیاء، کسانی که باید رهبران روحانی می‌بودند، توسط "بزرگان" و "مردم عادی" که برای دفاع از ارمیا قدم پیش گذاشته بودند، به چالش کشیده شده و سرزنش می‌شدند. آن‌ها خاطره میکاه که یک قرن قبل از ارمیا در اسرائیل زندگی می‌کرد را زنده کردند. در آن زمان پادشاه به میکاه آسیبی نرساند بلکه به توصیه‌اش گوش داد، تمام ملت توبه کردند و دست کم برای مدتی از بلاها جلوگیری شد. اکنون این مردم در زمان ارمیا از رهبران‌شان با حکمت تر بودند و می‌خواستند قومشان را از اشتباه بزرگی که کشتن نبی خدا بود، برهانند.

حکم تبرئه تأکید کرد که ارمیا به آنچه به او اتهام زدند، گناهکار نبود. با این وجود، نفرت کاهنان و انبیاء بیشتر شد. خشم و تمایل به انتقام در ایشان بوجود آمد، بطوریکه

در موقعیتی دیگر با خشم کامل به ارمیا حمله خواهند کرد. آزادیش تنها لحظه ای آسایش برای نبی بود. خطر برای او کاملاً رفع نشده بود.

چیزی که ما در اینجا می‌توانیم ببینیم اینست که چگونه بعضی از مردم از تاریخ درس گرفتند درحالی‌که دیگران با وجود دانستن همان تاریخ، از درس گرفتن از آن سر باز زدند. می‌توانیم قرن‌ها بعد چیزی مشابه را در مورد گمائلیل فریسی و توصیه‌ی احتیاط به سایر رهبران در مورد چگونگی برخورد با پیروان عیسی ببینیم.

آیات ۳۴ تا ۴۱ باب ۵ ارمیا را بخوانید. چه همانندی در اینجا و درباره آنچه برای ارمیا اتفاق افتاد، وجود دارد؟ مهمتر آنکه خود ما چه درسی از تاریخ و اشتباهات پیشینیانمان می‌آموزیم؟

تفکری فراتر: "از این امر محبت را دانسته ایم که او جان خود را در راه ما نهاد" (یوحنا ۱ اول باب ۳ آیه ۱۶). شکی نیست که با وجود همه آسیب‌هایی که گناه به طبیعت و همچنین قدرت‌های قدردانی کردن ما و یا حتی درک درست آن باعث شده است، ما می‌توانیم به طبیعت اطرافمان، روابط انسانی و شگفتی‌های خلقت بنگریم و تصویری از محبت خدا دریافت کنیم. اما بر صلیب پرده‌ها کنار رفت و دقیق‌ترین و شفاف‌ترین مکاشفه ممکن به جهانیان داده شد، مکاشفه‌ای از محبت بسیار بزرگی که هدایت کرد به آنچه الن جی. هوایت "جدائی قدرتهای الهی" نامید.

The SDA Bible Commentary, vol. 7, p. 924.

جدائی قدرتهای الهی؟

محبت خدا برای ما آنقدر عظیم بود که الوهیت که اعضای از ازل به یکدیگر محبت می‌ورزیدند، این جدایی را تحمل کردند تا ما نجات یابیم. "الهی الهی چرا مرا ترک کردی؟" (متی باب ۲۷ آیه ۴۶) شفاف‌ترین و قدرتمندترین تجلی آن "جدایی" است که برای نجات ما اتفاق افتاد. در اینجا ما بار دیگر می‌توانیم درد و رنجی که خداوند به دلیل وجود گناه تحمل کرد را ببینیم.

پس جای تعجب نیست که "ما او را محبت می‌نماییم زیرا او از ازل ما را محبت نمود" (یوحنا ۱ اول باب ۴ آیه ۱۹). به طور حتم ما به عنوان انسان‌های سقوط کرده، تنها آن محبت را تقلید می‌کنیم و حتی این تقلید گاهی بوسیله تمایلات خودخواهانه و گناه‌آلودمان پوشیده می‌شود. محبت خدا فراتر از محبت ماست؛ ما محبت خدا را مانند گودال گلی چربی که آسمان را انعکاس می‌دهد، باز می‌تابانیم.

سوالاتی برای بحث

۱- اگر چه بسیاری از ما امروزه حیوانات یا موجودات در طبیعت را مانند عهد باستان پرستش نمی‌کنیم، به چه روش‌هایی همچنان در خطر ساختن بت یا خدا از طبیعت اطرافمان هستیم؟

۲- نقش توبه در زندگی یک مسیحی چیست؟ یعنی، خارج از عمل توبه ابتدایی در پذیرش نخستین عیسی، توبه پیوسته چه نقشی در زندگی و ایمان دارد؟

۳- سعی کنید به ایده "جدائی نیروهای الهی" بیاندیشید. چگونه باید آن را درک کنیم؟ درباره اینکه گناه تا چه حد مهلک و گزاف است به ما چه می‌گوید؟

اصلاحات یوشع

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: تواریخ دوم باب ۳۳؛ عبرانیان باب ۱ آیات ۲ تا ۴؛ پادشاهان دوم باب ۲۲؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۳ تا ۸؛ پادشاهان دوم باب ۲۳ آیات ۱ تا ۲۸؛ قرنتیان اول باب ۵ آیه ۷.

آیه حفظی: "و قبل از او پادشاهی نبود که به تمامی دل و تمامی جان و تمامی قوت خود موافق تمامی تورات موسی به خداوند رجوع نماید، و بعد از او نیز مثل او ظاهر نشد" (پادشاهان دوم باب ۲۳ آیه ۲۵).

والدین می‌دانند که چقدر سخت است وقتی که می‌بینند فرزندان‌شان بخصوص در زمانی که دیگر تحت کنترل ایشان نیستند، تصمیماتی می‌گیرند که به خود آسیب می‌رسانند. به طور حتم این اندوه تنها شامل والدین و فرزندان نمی‌شود: آیا کسی هست که به جهاتی ندیده باشد که دوستان یا خویشاوندانش یا دیگران تصمیماتی که برایشان مضر است، بگیرند؟ این یک جنبه تأسف‌بار مفهوم اراده آزاد داشتن است. اراده آزاد بخصوص اراده آزاد اخلاقی، بی‌معنی خواهد بود اگر ما آزادی گرفتن تصمیمات اشتباه

را نداشته باشیم. یک موجود "آزاد" که تنها می‌تواند درستی را انتخاب کند، در حقیقت آزاد و یا دارای قوه تشخیص خوب و بد نیست، خواهیم بود.

از این رو، بیشتر کتاب مقدس هشدار دادن خدا به قومش درباره نگرفتن تصمیمات نادرست است. بخش زیادی از کتاب ارمیا نیز در این باره است: خواست خدا است که به انتخاب و اراده آزاد قوم منتخبش احترام می‌گذارد.

و متأسفانه اگرچه اکثر داستان‌ها خوب نیستند، در این هفته اندکی امید خواهیم دید؛ یعنی یکی از معدود پادشاهانی را خواهیم دید که با استفاده از اراده آزاد تصمیم می‌گیرد آنچه در نظر خداوند درست است را انجام دهد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ نوامبر آماده شوید.

سلطنت منسی و آمون

هر چقدر ما بخواهیم درباره واقع بینی یعنی همه چیز آنگونه که حقیقتاً هستند سخن بگوییم، ما به عنوان انسان نا امیدانه ذهن گرا هستیم. جهان را آنگونه که هست نمی‌بینیم بلکه آنگونه که خود هستیم می‌بینیم. و از آنجایی که ما مخلوقات سقوط کرده و فاسد هستیم، این فساد بر روی برداشت و تفسیر ما از جهان اطرافمان تأثیر می‌گذارد. برای مثال دیگر چگونه می‌توانیم کسی مانند پادشاه منسی یهود (در حدود ۶۸۶ تا ۶۴۳ پیش از میلاد)، بخصوص سال‌های نخستین ارتداد مهلکش را توضیح دهیم؟ به سختی می‌توان تصور کرد که او چگونه در ذهنش، اعمال زشت و وحشتناکی که اجازه داد در یهودا شکل بگیرد، توجیه کرد.

باب ۳۳ تواریخ دوم را بخوانید. این روایت درباره شدت فساد پادشاه منسی چه می‌گوید؟ مهمتر اینکه، در باره تمایل خدا به بخشش به ما چه می‌آموزد؟

شکی نیست که در بند و زنجیر برنجین به بابل بردنش، او را وادار به تفکر مجدد راجع به زندگی‌اش می‌نماید. با این وجود آیه واضح است: هنگامی که منسی بار دیگر بر تخت نشست، برآستی از کارهای بدش توبه کرد و بدنبال اصلاح آسیب‌هایی بود که بوجود آورده بود. متأسفانه آسیب بزرگتر از آنچه تصور می‌کرد، بود.

”اما این توبه اگرچه قابل توجه بود، برای نجات پادشاهی از تأثیرات سال‌های بتپرستی بسیار دیر شده بود. بسیاری لغزش و سقوط کرده و دیگر امکان بازگشت نداشتند.“ - الن جی. هوایت، Prophets and Kings, p. 383. حتی تأسف بارتر اینکه در میان کسانی که بسیار تحت تأثیر ارتداد منسی بودند، پسرش آمون بود که پس از پدرش سلطنت را بدست گرفت” و آنچه در نظر خداوند ناپسند بود، موافق آنچه پدرش مَنَسَّى کرده بود، به عمل آورد؛ و آمون برای جمیع بتهایی که پدرش مَنَسَّى ساخته بود، قربانی گذرانیده، آنها را پرستش کرد” (تواریخ دوم باب ۳۳ آیه ۲۲). بدتر اینکه آمون بر خلاف پدرش، هرگز از راه‌های بدش توبه نکرد.

چه کسی است که عواقب وحشتناک گناهی که حتی بخشیده شده است را نداند؟ شما برای پیروزی علیه گناه چه وعده‌هایی را می‌توانید مدعی باشید؟ چرا آنها را اینک قبل از اینکه گناه نتایج محزنش را به بار نیاورده، کسب نکنید؟

پادشاه جدید

یک زمانی واعظی گفت، "مراقب باشید برای چه چیزی دعا می‌کنید. ممکن است آن را دریافت کنید." اسرائیل خواستار پادشاهی مانند ملت‌های اطرافش بود برای آن دعا کرد. آن‌ها آنچه را خواسته بودند، دریافت کردند و بخش عمده‌ای از تاریخ بنی اسرائیل راجع به پس از دوران مربوط به چگونه این پادشاهان نشسته بر تخت سلطنتی خود را فاسد و در نتیجه ملت را نیز فاسد نمودند، بود.

با این وجود، همواره استثناهایی وجود داشتند، مانند پادشاه یوشیا که در سال ۶۳۹ پیش از میلاد بر تخت نشست و تا سال ۶۰۸ پیش از میلاد سلطنت نمود.

پادشاه جدید در چه زمینه‌ی بر تخت نشست؟ (آیه ۲۵ باب ۳۳ تواریخ دوم را ببینید.)

اگرچه انتظار می‌رود دموکراسی حاکمیت مردم باشد، اما در این زمینه اینچنین که انتظار می‌رفت نبود. با این وجود، مردم خواسته‌شان را اظهار کردند و بر طبق آن انجام شد. پادشاه جوان در زمان آشفتگی بزرگ، ارتداد و عنف حتی در سطوح بالای حکومتی، بر تخت نشست. بسیاری از ایمانداران سرزمین با دیدن آنچه در حال اتفاق افتادن بود، اندیشیدند که آیا اصلاً وعده خدا به اسرائیل باستان تحقق خواهد یافت یا خیر. " - الن جی. هوایت،

نگرانی ایمانداران در سخنان حقیق نبی ابراز شده است. آیات ۲ تا ۴ باب ۱ حقیق را بخوانید. این نبی چه می‌گوید؟

متأسفانه پاسخ به معضلات شرارت، عنف، ستیز و بی‌قانونی خواهد آمد اما از شمال از طرف بابلی‌ها که خدا از ایشان برای اعمال داوری بر قوم متمرّد خود استفاده خواهد کرد، می‌آید. همانطور که تا اینجا دیدیم، لازم نبود اینگونه باشد؛ در هر صورت به دلیل زیر بار توبه نرفتن، با مجازاتی که نتیجه گناهانشان بود روبرو شدند.

از نقطه نظر یک انسان، هر چند وقت یکبار تحقق "هدف الهی" غیر ممکن به نظر می‌رسد؟ این به ما درباره بشارت دادن فرای آنچه می‌بینیم و درک می‌کنیم، چه می‌گوید؟

یوشیا بر تخت سلطنت

“یوشیا هشت ساله بود که پادشاه شد و در اورشلیم سی و یک سال سلطنت نمود. و اسم مادرش یدیده، دختر عدایه، از بُصَّت بود. و آنچه را که در نظر خداوند پسند بود، به عمل آورد، و به تمامی طریق پدر خود، داود سلوک نموده، به طرف راست یا چپ انحراف نورزید.” (پادشاهان دوم باب ۲۲ آیات ۱ و ۲). با در نظر گرفتن زمینه بر تخت نشستن یوشیا، چه چیزی درباره این آیات بسیار قابل توجه است؟

کتاب مقدس توضیحی درباره این مرد جوان قابل توجه به ما نمی‌دهد، کسی که با در نظر گرفتن شرایط، به احتمال زیاد سرنوشتش این بود که مانند پدرش شریر و فاسد شود. هرچند که مورد این چنین نبود. به دلایلی او راه متفاوتی در پیش گرفت و آن برای داشتن تأثیری مثبت گرچه در نهایت محدود بر ملتش بود.

باب ۲۲ پادشاهان دوم به کاری که یوشیا در مورد معبد انجام داد، اشاره می‌کند. از اهدای معبد توسط سلیمان تا زمان اصلاحات یوشیا قرن‌ها گذشت (سال ۶۲۲ پیش از میلاد). پادشاهان به طور جدی از معبد محافظت نکردند. گذشت زمان ساختمانش را که در گذشته زیبا بود، فرسوده کرد بود. پادشاه جوان دید که معبد به دلیل سال‌ها غفلت، دیگر مناسب عبادت کردن نبود.

هنگامی که یوشیا دریافت که معبد در چنین حالت عدم مرمت است، چه کار کرد؟ پادشاهان دوم باب ۲۲ آیات ۳ تا ۷.

امروزه ما ممکن است بگوییم پادشاه وزیر اقتصاد خود را نزد کاهن اعظم فرستاد و از او خواست که مصالح و نیروی کار لازم برای مرمت معبد را بررسی کند. آن‌ها لازم نبود برای پولی که به ایشان سپرده شده بود حساب رسی کنند زیرا با وفاداری عمل می‌کردند. به دلایلی، یوشیا به ایشان اعتماد داشت و تا آنجایی که مدارک نشان می‌دهند، آن اعتماد مورد احترام قرار گرفت.

مرمت معبد خوب است، اما در پایان چه چیزی برای اصلاح و احیای حقیقی اهمیت بسیار دارد؟ (فیلیپیان باب ۲ آیات ۳ تا ۸ را ببینید.)

کتاب قانون

مرمت معبد که برای مدت‌ها مرکز عبادت بنی اسرائیل بود، مهم بود؛ اما مرمت یک ساختمان تنها چیز لازم نبود. زیباترین و استادانه ترین ساختار حتی اگر برای کمک به عبادت کنندگان برای حس کردن قدرت و عظمت خداوند طرح شده باشد، به خودی خود برای برانگیختن تقوای مردم کافی نیست. تاریخ مملو است از داستان‌های غم انگیز مردمی که لحظه‌ای در کلیسایی زیبا در جایی مشغول عبادت بودند و لحظه‌ای دیگر از در بیرون آمده و مرتکب خشونت شدند که شاید حتی بواسطه آنچه در آن ساختمان زیبا آموختند، تحریک شده بودند.

در زمان مرمت معبد چه اتفاقی افتاد؟ مفهوم قدرتمند واکنش یوشیا به آن حوادث چه بود؟ پادشاهان دوم باب ۲۲ آیات ۸ تا ۱۱.

آن‌ها کتاب قانون را پیدا کردند؛ قسمتی از آن یا شاید کل آن را، کتاب مقدس در این باره چیزی نمی‌گوید. احتمالاً جایی در معبد دفن شده در دیوارها پیدا شد.

آیات ۱۲ تا ۲۰ باب ۲۲ پادشاهان دوم را بخوانید. پیام حلدۀ از طرف خدا به مردم و پادشاه یوشیا چه بود؟ این سخنان به ما چه باید بگویند؟

حلدۀ همان پیامی را که ارمیا بارها پیشگویی کرده بود، انتقال داد. مردمی که از خدا روی برگردانده بودند، بواسطه اعمالشان قبر خود را حفر کرده بودند و در نهایت عواقب آن را درو می‌کردند. یوشیا هرگز مشکلات را نخواهد دید و در آرامش خواهد مرد.

”خداوند از طریق حلدۀ این بیان را به یوشیا فرستاد که نابودی اورشلیم قابل جلوگیری نیست. اکنون حتی مردم نیز اگر خود را در مقابل خدا فروتن می‌کردند، نمی‌توانستند از مجازاتشان فرار کنند. برای مدتی طولانی شعور آنها تحت تأثیر کارهای نادرست از بین رفت بود که اگر مورد داوری قرار نمی‌گرفتند، خیلی زود به همان وضعیت گناه‌آلودشان باز می‌گشتند. حلدۀ به ایشان گفت: «بروید و به مردی که شما را فرستاده بگویید، خداوند خدای اسرائیل می‌فرماید: من بر این مکان و ساکنان آن بلایی فرود خواهم آورد، همان طور که در کتابی که پادشاه یهودا خوانده است، نوشته شده است. زیرا ایشان مرا ترک کردند و برای خدایان دیگر بُخور سوزاندند و با کارهای خود خشم مرا برانگیخته‌اند، خشم من علیه اورشلیم افروخته شده و خاموش نخواهد شد.» آیات ۱۵ تا ۱۷ - الن جی. هوایت،

اصلاحات یوشیا

با وجود هشدار برای انهدام، یوشیا همچنان مصمم بود تا "آنچه در نظر خداوند درست بود" را انجا دهد. شاید نمی‌شد جلوی حوادث را گرفت، "اما در اعلام احکام جزایی آسمان، خداوند فرصت توبه کردن و اصلاح شدن را نگرفته است؛ و یوشیا در این تشخیص داد که خدا با رحمت داوری می‌کند و تصمیم گرفت تا حد توانش اصلاحات ایجاد کند." - الن جی. هوایت، Prophets and Kings, p. 400

آیات ۱ تا ۲۸ باب ۲۳ پادشاهان دوم را بخوانید. ماهیت اصلاحاتی که پادشاه وفادار بدنبال آوردن به ملت فاسدش بود، چه بودند؟ این اعمال چه چیزی به ما درباره حد بدی شرایط در قوم منتخب چه می‌گویند؟

یوشیا به منظور تجدید پیمان مردم با خدا، همه آنها را در اورشلیم دور هم جمع کرد. کتاب تازه پیدا شده قانون خوانده شد و سپس آنها قسم خوردند که از خدای اسرائیل پیروی کنند.

پادشاه این حرکت را به تنهایی انجام نداد بلکه از کسانی که مسئولیت‌های روحانی داشتند خواست تا کارهای لازم را انجام دهند. به عنوان مثال، در طی قرن‌ها اشیاء، مجسمه‌ها و نمادهای متفاوتی نشانه عبادت بیگانه در اسرائیل است، وارد معبد شده بودند. گاهی اوقات برخی از آنها شرایط صلح که به ملت تحمیل

شده بود، بودند؛ گاهی پادشاهان به نشانه آرامش و تسلیم خود آن‌ها را به نمایش می‌گذاشتند. آن‌ها به هر دلیلی که باشد به آن‌جا تعلق نداشتند و یوشیا دستور داد آن‌ها را نابود کنند.

همچنین در زمان یوشیا، عید فصیح تنها در خانواده‌ها صورت نپذیرفت بلکه همه ملت آن را با هم جشن می‌گرفتند. پیام نمادین آن برای ملت این بود که دوره گذشته را پشت سر گذاشته اند و وارد زمان جدید شده‌اند که قسم خورده‌اند خدای حقیقی را خدمت کنند که آن‌ها را از مصر خارج کرد و همانطور که وعده داده بود برای اسباط خانه مهیا نمود و در هر روز زندگی با ایشان بود.

مفهوم جشن گرفتن ملی عید فصیح شروع چیزی جدید بود زیرا (به طور مطلوب) همه چیزهای گذشته پایان یافته بودند. نماد عید فصیح باید برای ما به عنوان ادونتیست روز هفتم اینک دارای چه مفهومی باشد؟ (قرن‌تین اول باب ۵ آیه ۷ را ببینید.)

تفکری فراتر: همانطور که در درس بیان شد، عمق فسادى که گریبان گیر اسرائیل شده بود در نوع اصلاحاتی که یوشیا باید انجام می‌داد دیده می‌شود. اما ملت چگونه تا این حد سقوط کرده بود؟ در یک مفهوم، پاسخ آسان است: زیرا انسانیت بسیار سقوط کرد. عمق انحراف انسانیت در آزمایش معروفی که در دهه ۶۰ میلادی در دانشگاه ییل صورت پذیرفت، نمایان است.

شرکت کنندگان بطور دلخواه توسط آگهی در روزنامه جمع شده بودند، دستور داده شد که به افرادی در اتاق دیگر که به صندلی بسته شده بودند، شوک الکتریکی بدهند. کلیدهایی که شوکها را عملی می‌کردند با مشخصات "شوک خفیف" تا "خطر: شوک شدید" و حتی دو علامت با "XXX" ضرب در سه گانه مشخص شده بودند. شرکت کنندگان می‌بایست طبق دستور مسئولین آزمایش شوکها را اجرا کنند و در حالیکه اجرا می‌کردند، داد و فغان از اطاق دیگر و تقاضای رحم و شفقت شنیده می‌شد. در واقع آنها فقط چنین وانمود می‌کردند چون شوک زدن در کار نبود. هدف مطالعه این بود که ببینند تا چه حدی این شرکت کنندگان در تحمیل درد بر کسانی که نمی‌شناختند، بدستور مجریان پیش خواهند رفت. نتایج وحشتناک بود. با وجود اینکه شرکت کنندگان نگران، پریشان و عصبانی شده بودند، اما این نتوانست جلوی ۶۵ درصد آنها را از اجرا کردن جدی ترین "شوکها" بر روی این مردم که مطمئن بودند باعث آزار ایشان هستند، بگیرد. دانشمندی که این آزمایش را انجام دادند اینگونه نوشتند: "مردم عادی تنها با انجام دادن کارشان و بدون هیچگونه خصومتی عاملان کارهای مهلک نابودکننده می‌شوند." چند نفر مردم "عادی" در طول تاریخ و یا حتی در زمان حال کارهای وحشتناکی انجام داده‌اند؟ مطمئناً بسیاری. چرا؟ مسیحیان پاسخ را می‌دانند. ما گناهکاریم، به همین سادگی و واضحی!

سوالاتی برای بحث

۱- داستان اصلاحات یوشیا درباره اهمیت کلام خدا در زندگیمان به ما چه می‌گوید؟

۲- اکنون ممکن است سؤال درستی بوجود آید: اگر برای جلوگیری از فجایع طبیعی دیر بود، پس دلیل فراخوانده شدن به توبه و اصلاح چه بود؟ هدف همه این‌ها چه بود؟ شما چه پاسخی می‌دادید؟ به چه روش‌هایی ممکن است دلیل آن در میزان تأثیر احیاء در مردم به شخصه در مقابل کل ملت یافت شود؟

یوغ ارمیا

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۱۶ آیات ۱ تا ۱۳؛ هوشع باب ۱ آیات ۱ تا ۳؛ ارمیا باب ۲۷ آیات ۱ تا ۱۸؛ دانیال باب ۴ آیه ۲۵؛ ارمیا باب ۲۸؛ تیموتائوس دوم باب ۴ آیات ۳ و ۴.

آیه حفظی: "پس به همه گفت: اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند میباید نفس خود را انکار نموده، صلیب خود را هر روزه بردارد و مرا متابعت کند" (لوقا باب ۹ آیه ۲۳).

همانطور که تا کنون دیده ایم، انبیاء خدا نه تنها از طریق کلمات موعظه کردند بلکه از طریق دروس عملی نیز این کار را انجام دادند. گاهی انبیاء لازم بود که پیام را به طور عملی زندگی کنند؛ این روش دیگری برای رساندن نکته مورد نظر بود.

از این رو ارمیا دوباره فراخوانده شد تا کلامی را که باید انتقال میداد، زندگی کند. ابتدا، باید یوغی از چوب بر تن بگیرد. "خداوند به من چنین گفت: بندها و یوغها برای خود بساز و آنها را بر گردن خود بگذار" (ارمیا باب ۲۷ آیه ۲). این باید حتی در بهترین شرایط کاری سنگین برای او بوده

باشد؛ در این مورد، دشوارتر شد زیرا نبی دروغین سخنان ارمیا را به چالش کشید. در این هفته ما می‌توانیم نگاهی قوی‌تر به حقیقت اشتباه که برای ذهن و قلب مردم هم چشمی می‌کنند، بیاندازیم. همچنین خواهیم دید که چگونه پیام فیض می‌تواند پیامی دروغین باشد.

ارمیا همچنین از سوگواری کردن و شادی کردن با دیگران منع شده بود. در چنین مواردی، هدف کمک به مردم بود تا متوجه شوند در نتیجه گناهانشان، چه چیزی در انتظارشان است و از این رو توبه و اطاعت نمایند تا عواقب حزن‌انگیز اعمال گناه‌آلودشان کاهش یابد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ نوامبر آماده شوید.

زندگی تک و تنها

شکی نیست که نصیب ارمیا در زندگی آسان نبود (خودش اولین کسی بود که این را تأیید کرد!). هرچند شرایط از آنچه ما ممکن است تصور کنیم دشوار تر شد.

آیات ۱ تا ۱۳ باب ۱۶ ارمیا را بخوانید. در اینجا پیام خداوند به ارمیا چه بود؟ هرچقدر هم خشن، اما به چه روش‌هایی ممکن است این برای نبی برکتی بوده باشد؟ (با هوشع باب ۱ آیات ۱ تا ۳ مقایسه کنید.)

در مقایسه با هوشع که برای نشان دادن عمق فساد در رابطه بنی اسرائیل با خداوند که به دلیل روسپیگری روحانی ملت بوجود آمده بود، باید با یک روسپی ازدواج می‌کرد، ارمیا می‌بایست از ازدواج و بچه دار شدن کلاً خودداری کند. این چیزی نادر و افراطی برای آن زمان و فرهنگ بود. در اسرائیل شروع کردن یک خانواده برای همه مردان جوان بسیار مهم بود. در کنار علاقه و مصاحبت بین همسران، ادامه دادن نام خانوادگی نیز بسیار مهم بود. چرا خدا ارمیا را از شروع کردن زندگی خانوادگی منع نمود؟ تا زندگی او درسی عملی باشد در این باره که از هم پاشیدن خانواده تا چه حد سخت خواهد بود و درد جدایی به باری سنگین بر دوش بازماندگان تبدیل خواهد شد. خانواده نداشتن ارمیا هشدار و درسی همیشگی معاصرانش بود.

نصیب تک و تنهای ارمیا به وجهه‌های دیگر نیز ادامه یافت. او اجازه ورود به هر خانه ای که در آن سوگواری بود نداشت؛ این نشانه تمایل نداشتن مردم به پاسخ دادن به فراخوان‌های خدا برای توبه و حیات دوباره بود.

علاوه بر زمان‌های سوگواری، او اجازه شرکت در جشن‌ها و مراسم شادی آن‌ها را نیز نداشت. این نماد زمان آینده بود که بابلی‌ها به تمام شادی‌ها و خوشی‌های آن‌ها پایان خواهند داد.

به این روش‌ها، وابستگی‌های انسانی که چه در سوگواری و چه در شادی بنا می‌شوند، ارمیا را از آن‌ها محروم می‌کردند. زندگی و رنج‌هایش باید دروسی عملی می‌بودند. تنها اگر ملت از آن‌ها درس می‌گرفت!

این روایت چگونه باید به ما در یادگیری قدردانی از حمایت انسانی که از دیگران دریافت می‌کنیم یا به دیگران می‌دهیم، کمک می‌کند؟ چگونه می‌آموزیم که با وجود مهم بودن این حمایت، در نهایت بهترین حمایت ما تنها از جانب خداوند می‌آید؟

یوغ ارمیا

آیات ۱ تا ۱۸ باب ۲۷ ارمیا را بخوانید. پیام خداوند به مردم چیست؟ چرا برای بسیاری که آن را شنیدند، خیانت آمیز به نظر می‌رسید؟

یوگی که ارمیا باید به تن می‌کرد نشان بی‌تردید تحقیری بود که ملت از آن رنج برد؛ این چیزی است که ما اشغال نظامی می‌نامیم. (در تثنیه باب ۲۸ آیه ۴۸ و پادشاهان اول باب ۱۲ آیه ۴ ایده یوغ به عنوان ابراز ظلم و ستم آمده است.) ارمیا باید جسماً مفهوم هجوم بابلی‌ها را تجربه می‌کرد. یوغ چوبی که ارمیا بر بازوان و شانه‌هایش حمل نمود، یک و نیم متر طول و هشت سانتی‌متر ضخامت داشت. اساس پیامش این بود که اگر کشوری بر علیه بابل شورش کند، خداوند اینگونه برداشت خواهد کرد که آن کشور بر ضد او شورش کرده است و در نتیجه شورشیان رنج خواهند کشید.

با وجود اینکه در متون اصلی ابهام وجود دارد، به نظر می‌رسد که ارمیا نمی‌بایست تنها برای خودش یوغ بسازد بلکه باید برای فرستادگان کشورهای دیگر که به اورشلیم آمده و با وجود هشدار خداوند، که بر ضد نبوکدنصر توطئه نکنند، توطئه طرح ریزی می‌کردند نیز یوغ بسازد. واکنش طبیعی این است که در مقابل مهاجم بیگانه مبارزه کنند که این آنچه است که آن‌ها می‌خواستند. بدون شک در آن صورت سخنان ارمیا به هیچ‌وجه پذیرفته نمی‌شدند.

چه چیزی خصوصاً درباره پیام آیه ۵ باب ۲۷ ارمیا مهم است؟
(دانیال باب ۴ آیه ۲۵ را نیز ببینید.)

در اینجا بار دیگر همانطور که در تمام کتاب مقدس - عهد قدیم و عهد جدید - می‌یابیم، خداوند به عنوان خالق بر کل زمین حاکمیت مطلق دارد. حتی در میان آنچه هرچ و مرج و فاجعه به نظر می‌رسد (حمله و سلطه یک ملت بتپرست)، قدرت و حاکمیت خدا آشکار شده است و این باید منبع امید برای تمام بازماندگان ایمان دار بوده و باشد.

زیر یوغ اسارت بودن یک چیزی است. با این حال از خود بپرسید:
آیا تا بحال کسی را زیر یوغ غیر عادلانه برده‌اید و اگر پاسخ مثبت است، چرا آن را الان از بین نبرید؟

نبرد انبیاء

خبر بد خبر بد است و اغلب ما تمایلی به شنیدن آن نداریم و یا می‌خواهیم که آن را بگونه‌ای توجیه کنیم. در اینجا در یهودا نیز وضعیت ارمیا و یوگی که حمل می‌کرد همان بود، پیامی مطمئن و هشدار دهنده به مردم بود. "حیرت نشست شورای ملتها شگرف بود وقتی ارمیا با حمل یوغ اسارت برگردنش اراده خدا را به آنها آشکار نمود." - الن جی. هوایت، Prophets and Kings, p. 444

آیات ۱ تا ۹ باب ۲۸ ارمیا را بخوانید. تصور کنید که شما یک شهروند یهودا هستید که در آنجا ایستاده‌اید و تمام این جریان را مشاهده می‌کنید. چه کسی را باور خواهید کرد؟ چه کسی را خواهید خواست که باور کنید؟ چه دلایلی برای باور کردن حننیا نسبت به ارمیا دارید؟

ارمیا با نام خدا صدایش را بلند کرد و حننیا نیز با نام خدا سخن گفت. اما چه کسی از جانب خدا سخن می‌گفت؟ امکان نداشت که هر دو از طرف خدا سخن بگویند! امروزه برای ما پاسخ بدیهی است. اما برای کسی در آن زمان احتمالاً دشوارتر بود حتی با وجود اینکه ارمیا در آیات ۸ و ۹ به نکات قدرتمندی اشاره می‌کند: انبیاء در گذشته پیامی‌مشابه پیام او را موعظه کردند که از داوری و نابودی بود.

”ارمیا در حضور کاهنان و مردم تقاضا نمود که در زمانی که خداوند مشخص نموده بود، به پادشاه بابل تسلیم شوند. او پیشگویی یوشع، حبقوق ضفنيا و دیگران که پیام هشدار و سرزنشان مانند پیام خود او بود را به مردان یهودا اشاره کرد. او آنها را به حوادثی که در تحقق پیشگویی‌های کیفر گناهان توبه نکرده‌شان بود، ارجاع داد. در گذشته مجازات توبه نکنندگان را مطابق هدفش که توسط انبیاء آشکار شده بود، اجرا کرد.“ - الن جی. هوایت،

Prophets and Kings, p. 445

به طور خلاصه، همانطور که ما باید امروزه از تاریخ مقدس درس بیاموزیم، ارمیا نیز سعی داشت مردم زمان خود را راضی کند که همین کار را انجام دهند: از گذشته عبرت بگیرید تا اشتباهاتی را که پیشینیان مرتکب شدند، انجام ندهید. اگر پیش از این برای آنها دشوار بود که به او گوش بدهند، اکنون با ”خدمت“ حنیا که مخالفش قرار داشت، وظیفه ارمیا سخت تر می‌شد.

حنیا که نامش ”خدا فیض بخش بوده است“ معنی می‌دهد، به نظر می‌رسید پیامی از فیض، بخشش و نجات را ارائه می‌داد. ما از این موعظه کننده دروغین فیض چه درس‌هایی باید بیاموزیم؟

یوغ آهنی

نبرد میان انبیاء تنها در کلام نبود بلکه در عمل نیز بود. ارمیا در اطاعت از فرمان خدا، یوغ چوبی را به دور گردنش گذاشت؛ این نمادی آشکار از پیامی بود که او به مردم رسانده بود.

نماد نبوی عمل حنیا چه بود؟ ارمیا باب ۲۸ آیات ۱ تا ۱۱.

برای مثال تصور کنید که پس از آنکه عیسی درخت انجیر را نفرین کرد (مرقس باب ۱۱ آیات ۱۳ و ۱۹ تا ۲۱)، کسی که سخن عیسی را شنیده بود و می‌دانست چه اتفاقی افتاده است، برای تکذیب پیشگویی عیسی، در همان مکان درخت انجیر جدید می‌کاشت. این همان کار است که حنیا با ارمیا و نماد آن پیشگویی که یوغ دور گردنش ارائه می‌داد، انجام داد. این مبارزه طلبی آشکار از آنچه ارمیا گفت، بود.

به واکنش ارمیا نیز توجه کنید. آیات به آنچه او دقیقاً پس از شکستن یوغ بیان کرد، اشاره ای نمی‌کنند. او فقط رو برگرداند و رفت. اگر جریان آنجا تمام می‌شد، این گونه به نظر می‌رسید که در شکست عقب نشینی کرده بود.

آیات ۱۲ تا ۱۴ باب ۲۸ ارمیا را بخوانید. پس از آن چه اتفاقی افتاد؟ پیام جدید ارمیا چه بود؟

پاسخ ارمیا پیامی از انتقام نبود: تو با من چنین کردی و من با تو چنان خواهم کرد. در عوض، پیام واضح دیگری از جانب خداوند بود، و حتی از پیام قبلی قوی تر بود. حننیا شاید توان شکستن یوغی جویی را داشت اما چه کسی می‌تواند یوغ آهنین را بشکند؟ به یک معنا، آنچه خداوند به ایشان گفت این بود که بواسطه لجاجت و اطاعت نکردن، شرایط را بدتر می‌کردند. اگر فکر می‌کردید یوغ جویی خوب نیست، اکنون آهنین را امتحان کنید.

چه کسی سخت و دشوار کردن راه همه چیز را به دلیل لجاجت تجربه نکرده است؟ چرا همواره بهتر است وقتی که با خداوند مواجه هستیم، بجای مبارزه و دشوار کردن شرایط برای خود، بلافاصله تسلیم شویم؟

اعتماد کردن به دروغ

“آنگاه، من به حننیا چنین گفتم: ای حننیا گوش کن، خداوند تو را نفرستاده است و تو می‌خواهی این مردم دروغهای تو را باور کنند” (ارمیا باب ۲۸ آیه ۱۵).

پاسخ اینکه حق با ارمیا بود یا حننیا، خیلی زود آشکار شد. آیات ۱۶ و ۱۷ باب ۲۸ کتاب ارمیا سرنوشت نبی دروغین را درست همانگونه که نبی حقیقی گفته بود خواهد بود، بیان می‌کنند.

اگر چه حننیا در گذشت، اما به ملت آسیبش را رسانده بود. به نوعی کارهایش او را دنبال کردند. او مردم را وادار ساخت که “به یک دروغ اعتماد کنند.” فعل عبری **hiphil** است که مفهوم مسبب بودن اعتماد را می‌رساند او باعث شد آن‌ها به دروغی اعتماد کنند نه به مفهوم اجبار فیزیکی ایشان اما از طریق گول زدنشان. اگرچه خدا او را نفرستاده بود، او به نام خداوند سخن گفت که تأثیر زیادی بر یهودا داشت. علاوه بر آن، پیام “فیض”، “رهایی” و “نجات” حننیا مطمئناً چیزی بود که با توجه به تهدیدی که بابل به ملت کرد، مردم تمایل داشتند بشنوند. با این حال این پیام “انجیل” دروغین بود، پیام دروغین نجات بود که از جانب خداوند نبود. بنابراین، در زمانی که مردم نیاز به شنیدن سخنان و پیام نجات ارمیا را داشتند در عوض به کلام حننیا گوش دادند که تنها بر مشکلاتشان افزود.

آیات زیر چه وجه‌های مشترکی با آیه ۱۵ باب ۲۸ ارمیا دارند؟

تیموتائوس دوم باب ۴ آیات ۳ و ۴

تسالونیکیان دوم باب ۲ آیات ۱۰ تا ۱۲

امروزه نیز وضع به همان منوال است: ما در نبردی بزرگ هستیم نبردی برای قلب و ذهن میلیاردها مردم. شیطان تلاشی مداوم برای جذب تعداد بیشتری به "اعتماد به دروغ" دارد و این دروغ می‌تواند به شکل و گونه‌های متفاوتی بیاید تنها تا زمانی که همواره دروغ باشد. گذشته از هرچیز، از آنجایی که عیسی فرمود "من راه و راستی و حیات هستم" (یوحنا باب ۱۴ آیه ۶)، دروغ‌های شیطان نمی‌توانند در باره هر چیز یا همه چیز باشند، تا زمانی که حقیقتی که در عیسی وجود دارد را در بر نداشته باشند.

برخی از دروغ‌هایی که در فرهنگ امروزه شما بسیار شایع هستند، کدامند؟ چرا وفادار بودن به عیسی و کلامش تنها محافظ ما بر علیه آن‌هاست؟

تفکری فراتر: همانطور که دیدیم، مردم تمایل به باور خبر خوش را دارند و نه خبر بد. برای مثال، آن‌ها می‌خواستند به جای پیام ارمیا، پیام حننیا را باور کنند. امروزه نیز اتفاق مشابهی می‌افتد. برای مثال، بسیاری همچنان بر این باورند که جهان ما تنها با گذشت زمان بهبود خواهد یافت. با این حال، حتی ملحدی مانند تری ایگلتون (Terry Eagleton) می‌بیند که این ایده تا چه حد مضحک است: "اگر تا کنون اسطوره‌ای تقوی نما و خرافات زود باور وجود داشت، باور روشن‌فکرانه و ظاهراً منطقی است که به استثنای چند سکندری ما بر طریق بسوی دنیای بهتر هستیم این پیروزی خواهی شکننده پیامد از عصر قهرمانانه آزادی خواهی است، زمانی ستاره طبقات متوسط در اوج بود. امروزه همگام با بدبینی، تک‌گرائی و هیچ‌گرائی گردیده است، چیزی که ارتباط قبلی پر احترامش به تباهی و زوال سقوط کرده است." - Reason, Faith, and Revolution: Reflections on the God Debate, p. 70, Kindle Edition

اگر چه برخی از جنبه‌های زندگی بهبود یافته‌اند، جهان ما، به نفع امید و همدردی کمی به ما می‌دهد بخصوص در دراز مدت. اگر ما باید امید حقیقی داشته باشیم، باید در چیزی الهی باشد و نه زمینی، در چیزی ماوراء طبیعی و نه طبیعی. و به طور حتم انجیل در همین رابطه است: دخالت ماوراء طبیعی و الهی خدا در جهان و زندگی ما. بدون آن، ما جز امثال حننیا و دروغ‌هایشان چه چیزی خواهیم داشت؟

سوالاتی برای بحث

۱- به صورت کلی به آینده کره زمینمان، حتی از نقطه نظر کاملاً انسانی بیاندیشید. آیا امیدوارانه و سرشار از فرجام خوب به نظر می‌رسد یا ترسناک، خطرناک و سرشار از نگرانی؟ چه دلایلی برای ساختن می‌توانید ارائه دهید؟

۲- پیام ارمیا همانطور که در زمینه دروغ‌های حننیا دیدیم، برای نگاه به گذشته و تاریخ و آموختن از آن بود. الن جی. هوایت مطلب مشابهی نوشت: "ما چیزی برای ترس از آینده نداریم، به جز فراموش کردن راهی که خداوند ما را در آن راهنمایی نمود و آموزه‌هایش در تاریخ گذشته." - Life Sketches, p. 196. منظور او از این چه بود؟ چه اتفاقی در گذشته ما افتاده است و چه تعلیماتی از خدا در آن وجود دارد که می‌تواند به آماده شدن ما برای آنچه بدون شک در آینده خواهد آمد، کمک کند؟

۳- حننیا پیام دروغینی از فیض ارائه داد. امروزه برخی از پیام‌های دروغین فیض کدامند که ما باید خود را در برابر آنها مصون بداریم؟ بدون شک فیض تنها امید ماست، اما به چه روش‌هایی می‌تواند دروغ جلوه دهد؟

نابودی اورشلیم

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: حزقیال باب ۸؛ رومیان باب ۱ آیات ۲۲ تا ۲۵؛ ارمیا باب ۳۷ آیات ۱ تا ۱۰، باب ۳۸ آیات ۱ تا ۶، باب ۲۹ آیات ۱ تا ۱۴؛ دانیال باب ۹ آیه ۲.

آیه حفظی: "و سلامتی آن شهر را که شما را به آن به اسیری فرستاده‌ام بطلبید و برایش نزد خداوند مسألت نمایید زیرا که در سلامتی آن شما را خواهد بود" (ارمیا باب ۲۹ آیه ۷).

"در طی تنها چند سال، پادشاه بابل باید به عنوان عامل خشم خدا نسبت به یهودای توبه نکننده استفاده می‌شد. اورشلیم بارها و بارها قرار بود با ارتش نبوکدنصر محاصره و فتح شود. دسته دسته - در ابتدا تنها تعداد کمی، اما بعدها هزاران هزار نفر - قرار بود به سرزمین شنعار به اسارت برده شوند و در آنجا به اجبار در تبعید زندگی کنند. یهو یاقیم، یهو یاکین، صدقیا - همه این پادشاهان یهودی باید به نوبت برده فرمانروای بابل می‌شدند و به نوبت شورش بکنند. عذاب‌های سخت و بازم سخت‌تر قرار بود بر سر این ملت متمرّد بیاید تا در نهایت تمام سرزمین ویران شود، اورشلیم قرار بود نابود شده و در آتش

بسوزد، معبدی که سلیمان ساخته بود نابود شود و پادشاهی
یهودا سقوط کند و دیگر هرگز جایگاه سابقش را در میان سایر
ملت‌های روی زمین بدست نیاورد. ” - الن جی. هوایت، Prophets and
Kings, pp. 422, 423

همانطور که دیده‌ایم و خواهیم دید، همه این‌ها بدون هشدارها
و درخواست‌های انبیاء خصوصاً ارمیا اتفاق نیافتاد. از اطاعت
سر باز زدند تنها نابودی را آورد. باشد که ما از اشتباهات
آن‌ها درس عبرت بگیریم!

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ دسامبر
آماده شوید.

گریستن برای تَمُّوز

با وجود اینکه ارمیا ممکن است زمان‌هایی بسیار احساس تنهایی کرده بود، اما در واقع چنین نبود. خدا حزقیال را در زمان او در میان اسرای بابل فرستاد تا به تبعیدیان دل‌داری و هشدار دهد و همچنین آنچه خداوند از طریق ارمیا در طی این سال‌های طولانی و سخت گفته بود را تأیید نماید. حزقیال باید در مأموریتش به تبعیدیان نسبت به نادانی باور کردن پیشگویی‌های دروغین درباره بازگشت زود هنگام از بابل هشدار می‌داد. او همچنین باید توسط نمادها و پیام‌های متفاوت، محاصره ویرانگر اورشلیم بدلیل تمایل نداشتن مردم به توبه کردن و بازگشت از گناه و ارتداد را پیشگویی می‌کرد.

باب ۸ حزقیال را بخوانید. این نبی چه چیزی نشان داده شده است؟ این درباره میزان قدرتمند بودن فرهنگ متداول و توانایی تأثیر آن حتی بر مقدس‌ترین چیزها، به ما چه می‌گوید؟ چه هشدارهایی باید در اینجا برای ما باشد؟

مهم نیست هشدارهای موسی و انبیا چقدر و تا چه حد واضح بر ضد بت پرستی و پرستش خداهای دیگر بودند، این آیات نشان می‌دهند که این دقیقاً همان چیزی است که انجام می‌شد حتی در حریم مقدس معبد. "گریستن برای تموز" مراسم عذاداری برای یک خدای بین النهرین بود. جای تعجب نیست که در تواریخ دوم چنین

آمده است: "و تمامی رؤسای کهنه و قوم، خیانتِ بسیاری موافق همه رجاسات امتها ورزیدند و خانه خداوند را که آن را در اورشلیم تقدیس نموده بود، نجس ساختند" (تواریخ دوم باب ۳۶ آیه ۱۴).

به آیه ۱۲ باب ۸ حزقیال توجه کنید. ترجمه راجع به اطاقهای تصاویر و شبیه‌سازی کمی مبهم است. آنها می‌توانستند به معنی اطاق‌هایی که بت‌های خود را در آنها نگه می‌داشتند یا اطاق‌های "خیالی" باشند. در هر دو صورت، بزرگان و رهبران چنان منحرف شده بودند که گفتند خداوند کاری که انجام می‌دادند را ندید و آنها را ترک نموده بود. این روش دیگری برای گفتن "خداوند به اینجور چیزها اهمیت نمی‌دهد. اینها مهم نیستند" است. این مردم درست در آنجا، در محیط مقدس معبد خدا مرتکب عمل شرم آور بت پرستی شدند و همه کارهایی را که توسط کلام خدا منع شده بودند را انجام دادند. حتی بدتر اینکه در ذهن خود اعمالشان را توجیه کردند. در اینجا بار دیگر متوجه منظور پولس می‌شویم که درباره کسانی که به جای خالق، مخلوق را عبادت می‌کنند، سخن گفت (رومیان باب ۱ آیات ۲۲ تا ۲۵ را ببینید).

سلطنت ناخوش آیند پادشاه صدقیا

صدقیا که نامش به معنی "عدالت یهوه" است، آخرین پادشاه یهودا قبل از نابودی آن توسط بابلی‌ها در ۵۸۶ قبل از میلاد بود. در ابتدا به نظر می‌رسید که تمایل دارد از سخنان ارمیا اطاعت کند و تسلیم بابلی‌ها شود. اگرچه این تمایل به طول نیانجامید.

آیات ۱ تا ۱۰ باب ۳۷ ارمیا را بخوانید. هشدار ارمیا به پادشاه صدقیا چه بود؟

صدقیا تحت فشار شهروندان، به احتمال زیاد اشراف، هشدارهای ارمیا را نادیده گرفت و در عوض اتحادی نظامی با مصریان بست با این امید که تهدید بابلی‌ها را از بین ببرد (حزقیال باب ۱۷ آیات ۱۵ تا ۱۸). همانطور که به موقع به او هشدار داده شده بود، در نهایت نجات از طرف مصری‌ها نیامد.

آیات ۱ تا ۶ باب ۳۸ ارمیا را بخوانید. چه اتفاقی برای ارمیا بدلیل رساندن کلام خدا به مردم (دوباره) افتاد؟

همانطور که عیسی فرمود، "نبی بی حرمت نباشد جز در وطن خود و میان خویشان و در خانه خود" (مرقس باب ۶ آیه ۴). ارمیای بیچاره بار دیگر با خشم هموطنان خود روبرو شد. اگر چه ارمیا مانند بقیه ملت‌ها نمی‌توانست بگوید که به او هشدار داده نشده بود. اما در این مورد، هشدار درباره مشکلاتی بود که در صورت وفادار ماندن با آن روبرو خواهد شد و البته او وفادار ماند!

برای ارمیا هم باید چقدر دشوار بوده باشد، زیرا او به سست کردن روحیه ملت متهم شد. گذشته از هر چیز، زمانی که مردم با دشمنی از خارج روبرو بودند که می‌خواستند با آن‌ها بجنگند و ارمیا برای سال‌های متوالی می‌گفت که این کار شکست‌گرا است و اینکه آن‌ها پیروز نخواهند شد و حتی خداوند نیز مخالف آن است - قابل درک است که بخواهند او را ساکت کنند. آن‌ها که درگناه کارگشته شده بودند، نمی‌خواستند صدای خداوند را که با ایشان سخن می‌گفت بشنوند؛ در واقع آن‌ها در عوض تصور کردند که این صدای دشمن است.

هر چقدر سیاه چال دشوار بود، به این بیاندیشید که تا چه حد برای ارمیا شنیدن این اتهام که او به دنبال آسیب رساندن به ملتش بود و نه در جستجوی رفاه ایشان، سخت بود. متهم شدن به آزار کسانی که سعی در کمک به آن‌ها دارید چگونه است؟

سقوط اورشلیم

محاصره اورشلیم در ژانویه سال ۵۸۸ پیش از میلاد به صورت جدی آغاز شد و تا اواخر تابستان سال ۵۸۶ پیش از میلاد به طول انجامید. اورشلیم توانست به مدت دو سال دوام بیاورد قبل از اینکه کلام نبوی ارمیا تحقق یابد و نیروهای بابلی رخنه در دیوار کردند و شهر را نابود کردند. قحطی و گرسنگی در داخل دیوارهای شهر چنان بود که مدافعان تمام توان خود را از دست دادند و نتوانستند بیشتر مقاومت کنند. پادشاه صدقیا به همراه خانواده‌اش فرار کرد که بی‌فایده بود. او را دستگیر کرده و نزد نبوکدنصر بردند که پسرهایش را جلوی چشمانش اعدام نمود. درباره این داستان غم انگیز می‌توانیم بیشتر در آیات ۱ تا ۱۰ باب ۳۹ ارمیا بخوانیم.

آیات ۱ تا ۶ باب ۴۰ ارمیا را بخوانید. مفهوم سخنان نبوکدنصر به ارمیا چه بود؟

چقدر جالب توجه است که این فرمانده بت پرست شرایط را بهتر از قوم ارمیا درک کرد! بدیهی است که بابلی‌ها چیزی درباره ارمیا و خدمتش می‌دانستند و رفتار متفاوتی با او نسبت به سایرین از جمله صدقیا داشتند (ارمیا باب ۳۹ آیات ۱۱ و ۱۲). فقط دلیل اینکه چرا این رهبر بت پرست شکست اورشلیم را چون جریمه‌ئی از خداوند دانست بخاطر گناهان مردم و نه برتری

خدایانش بر خدای یهودا در آیات نیامده است. به هر دلیلی، این آغاز شهادتی است که چگونه حتی در میان چنین مصیبت غیر ضروری، خداوند چیزی درباره خودش را برای بت پرستان آشکار نمود.

ارمیا چه تصمیمی خواهد گرفت - با اسراء به بابل خواهد رفت یا با بازماندگان خواهد ماند؟ هیچ یک از این امکانات با توجه به شرایط همگی، خوش آیند نخواهد بود. اما بطور حتم، نیازهای روحانی هر دو گروه زیاد بود و ارمیا می‌توانست هر کجا که برود خدمت کند. ارمیا تصمیم گرفت در میان گروهی که در سرزمینشان ماندند یعنی مردم بیچاره‌ای که بدوم شک بسیار به دلگرمی و کمک نیاز داشتند، بماند (ارمیا باب ۴۰ آیات ۶ و ۷ را ببینید).

چگونه می‌توانید خدمت کردن به دیگران بدون در نظر گرفتن شرایطی که در آن هستید را بیاموزید؟ چرا مهم است که حتی شما به هر شکلی که می‌توانید خدمت کنید؟

تمامی دلتان

”و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت“ (ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳). تجربه خود شما در مورد این وعده چه بوده است؟ ”با تمامی دل خود“ به چه معنی است؟

خداوند از ابتدا انتها را می‌داند. حتی هنگامی که مردم همچنان در اورشلیم در حال نبرد با بابلی‌ها بودند و امیدوار بودند که سخنان نبی دروغین صحت داشته باشند، خداوند در حال استفاده کردن از ارمیا برای صحبت راجع به آینده و کسانی که در آن زمان در بابل بودند و کسانی که در نهایت به آنجا می‌رفتند، بود. و چه سخنانی به زبان آورد!

آیات ۱ تا ۱۴ باب ۲۹ ارمیا را بخوانید. محبت و رحمت خدا چگونه در این آیات نمایان شده است؟

بر خلاف پیام فیض دروغین که مردم از انبیاء شنیده بودند که گفتند تبعیدشان در کوتاه مدت شاید دوسال، پایان خواهد یافت، این پیام حقیقی از فیض بود. این نقشه خدا نبود و قرار نبود اتفاق بیافتد. در عوض، بر اساس تعلیمات واضح موسی، آنها باید می‌پذیرفتند که این دست کم در آن زمان سرنوشت ایشان بود؛ اما درست همانطور که موسی گفته بود، اگر آنها توبه می‌کردند، به سرزمینشان باز می‌گشتند.

آیات ۱ تا ۴ باب ۳۰ تثنیه را بخوانید. این آیات چگونه آنچه ارمیا به مردم گفت را انعکاس می‌دهند؟ (تثنیه باب ۴ آیه ۲۹ را نیز ببینید.)

هدیه‌ی نبوی در خدمت فوق العاده الن جی. هوایت به ما داده شده است. چگونه می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که ما همان دیدگاهی که اکثر مردم (نه همه) نسبت به ارمیا داشتند، نسبت به خانم هوایت نداشته باشیم؟

هفتاد سال

نبوت‌های ارمیا باید تأثیر دو برابر بر افکار اسراء می‌داشت: از یک طرف آن‌ها نمی‌بایست آنچه که انبیاء دروغین می‌گفتند را باور کنند، از سوی دیگر نباید دلسرد می‌شدند. او از هموطنان اسیرش خواست که برای بابل دعا کنند. این درخواست احتمالاً آنهایی را که تبعید شده بودند متعجب کرده بود. آنچه ارمیا از اسراء می‌خواست در تاریخ گذشته اسرائیل بی‌سابقه بود. دعا کردن برای دشمنی مانند بابل و آنچه با آن‌ها یعنی قوم منتخب خدا کرد، مطلقاً ناشناخته بود. نبی همه درک آن‌ها را نسبت به معبد و اورشلیم در هم شکست؛ آن‌ها می‌توانستند در کشور بت پرست دعا کنند و خدای ابدی به آن‌ها گوش می‌داد.

همچنین به آنچه ارمیا در آیه ۷ باب ۲۹ کتابش گفت توجه کنید: اینکه کامیابی ملت "میزبان"، کامیابی آن‌ها نیز بود. آن‌ها به عنوان بیگانگانی در آن سرزمین، اگر شرایط کلی ملت خوب پیش نمی‌رفت، آن‌ها بیشتر آسیب پذیر بودند. در طول تاریخ نمونه‌های غم‌انگیز نابردباری را دیده‌ایم که به خصوص زمان‌هایی که شرایط کشور سخت است؛ مردم به دنبال سپر بلا می‌گردند، کسانی را که بتوانند مقصر بخوانند و بیگانگان و اقلیت‌ها هدف‌های آسانی می‌شوند. این واقعیتی تأسف‌بار است.

چه امیدهای فوق‌العاده‌ای در آیه ۱۰ باب ۲۹ ارمیا به تبعیدیان داده شده است؟ (ارمیا باب ۲۵ آیات ۱۱ و ۱۲، تواریخ دوم باب ۳۶ آیه ۲۱، دانیال باب ۹ آیه ۲ را نیز ببینید.)

همه چیزهایی که خداوند گفته بود اتفاق خواهد افتاد، اتفاق افتاده بود، بنابراین آن‌ها کاملاً مطمئن بودند که این نبوت نیز خدا تحقق خواهد بخشید (ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۰). دلیل مدت ۷۰ ساله تبعیدشان را ما نمی‌دانیم، اما به وضوح با ایده استراحت سبت برای سرزمین مرتبط است (لاویان باب ۲۵ آیه ۴، باب ۲۶ آیات ۳۴ و ۴۳). چیزی که درباره این نبوت مهم است، این است که اگر تبعیدیان ایمان داشته و تسلیم می‌شدند، به آن‌ها امید و اطمینان حاکمیت کامل خداوند داده می‌شد. با وجود ظواهر و مصیبت‌های وحشتناکی که بر سرشان آمد، می‌توانستند متوجه بشوند که همه چیز از دست نرفته است و خداوند ایشان را رها نکرده است. آن‌ها همچنان قوم پیمان بسته بودند و خداوند کارش با آن‌ها یا ملت اسرائیل تمام نشده است. رستگاری برای تمام کسانی که آماده حصول به شرایط بودند، مهیا بود.

چه نبوت‌هایی به شما امید به آینده را می‌دهند؟ کدامیک ایمان شما را قوی کرده و به شما در آموختن اعتماد به خداوند برای هر چه که پیش آید، کمک می‌کند؟

تفکری فراتر: "ما در خطر مداوم فراتر رفتن از سادگی انجیل قرار داریم. بسیاری تمایل شدید برای به تعجب انداختن جهان بوسیله چیزی اصلی دارند که مردم را به خلسه روحانی ببرد و ترتیب کنونی تجربه را تغییر دهد. به طور حتم نیاز به تغییر ترتیب تجربه کنونی زیاد است؛ زیرا تقدس حقیقت کنونی آنچنان که باید درک نشده است، اما تغییری که ما به آن نیاز داریم تغییری قلبی است و تنها از طریق جستجوی فردی خدا برای برکاتش، التماس کردن به او برای قدرتش، با اشتیاق برای آمدن فیض او بر ما دعا کردن برای تغییر سیرتمان، بدست می‌آید. این تغییری است که ما امروز نیازمند آن هستیم و برای دستیابی به این تجربه ما باید پایداری انرژی را تمرین کنیم و شوق قلبیمان را نشان دهیم. باید با خلوص حقیقی بپرسیم، 'برای نجات پیدا کردن باید چه کاری انجام دهیم؟' باید بدانیم چه قدم‌هایی به سوی آسمان بر می‌داریم." - الن جی. هوایت، Selected Messages, book one, pp. 187, 188

سوالاتی برای بحث

۱- همانطور که دیدیم، ارمیا به مردم گفت که "بدنبال خدا بگردند." چگونه ما این کار را انجام می‌دهیم؟ اگر کسی به شما می‌گفت، "من می‌خواهم خود به شخصه خدا را بشناسم، چگونه او را پیدا کنم؟" چگونه پاسخ می‌دادید؟

۲- به این موضوع که چرا انبیاء در زمان خود مورد بد رفتاری قرار می‌گرفتند و کسی آن‌ها را درک نمی‌کرد، بیشتر تأمل کنید. این چه چیزی باید و می‌تواند به ما درباره ارتباط ما با خدمت الن جی. هوایت بیاموزد؟ به او در زمینه آنچه عیسی در اینجا گفت، بیانید، "وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار

که قبرهای انبیا را بنا می‌کنید و مدفنهای صادقان را زینت می‌دهید، و می‌گویید: «اگر در ایام پدران خود می‌بودیم، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدیم!» پس بر خود شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید» (متی باب ۲۳ آیات ۲۹ تا ۳۱).

۳- به آخرین پرسش پایان درس روز پنجشنبه بیشتر بیاندیشید. بسیاری از نبوت‌های کتاب مقدس در گذشته تحقق یافتند و امروز ما نیز می‌توانیم این را ببینیم که واقعا تحقق پیدا کردند. این تحقق پیدا کردن‌ها به چه روش‌هایی می‌توانند به ما در اطمینان کردن به آن نبوت‌هایی که قرار است در آینده اتفاق بیافتند، کمک می‌کنند؟

پیمان

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۹ آیات ۱ تا ۱۷، باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۶ تا ۹ و ۱۵ تا ۱۸؛ خروج باب ۲۴؛ ارمیا باب ۳۱ آیات ۳۱ تا ۳۴؛ قرنتیان اول باب ۱۱ آیات ۲۴ تا ۲۶.

آیه حفظی: "خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست" (ارمیا باب ۳۱ آیه ۳۱).

اگر چه در کتاب مقدس از "پیمان‌ها" به صورت جمع آمده است (رومیان باب ۹ آیه ۴، غلاطیان باب ۴ آیه ۲۴)، تنها یک پیمان اصلی وجود دارد و آن پیمان فیض است که خدا در آن نجات را به موجودات سقوط کرده که با ایمان آن را تقاضا کنند، اعطا می‌کند. ایده جمع "پیمان‌ها" مربوط می‌شود به روش‌های متفاوتی که خدا وعده پیمان اساسی را تکرار کرده است تا نیاز قومش در زمان‌ها و شرایط متفاوت تأمین شود.

اما نیت همه پیمان‌ها از جمله پیمان آدم (پیدایش باب ۳ آیه ۱۵)، پیمان ابراهیم (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳، غلاطیان باب

۳ آیات ۶ تا ۹)، پیمان کوه سینا (خروج باب ۲۰ آیه ۲)، پیمان داود (حزقیال باب ۳۷ آیات ۲۴ تا ۲۷)، و یا پیمان جدید (ارمیا باب ۳۱ آیات ۳۱ تا ۳۳) یکسان است. نجاتی که خدا ارائه می‌دهد یک هدیه است که بدون استحقاق و سزاواری است و پاسخ انسان به این هدیه - به مفهومی بشریت سهم خودش را در این معامله انجام بدهد که وفاداری و اطاعت است.

نخستین اشاره به پیمان جدید در ارمیا در زمینه بازگشت اسرائیل از تبعید و برکاتی که خدا به ایشان خواهد بخشید است. خداوند حتی در میان فجایع و مصیبت‌ها، به قوم متمرّد خود امید و بازگرداندن را ارائه می‌دهد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ دسامبر آماده شوید.

پیمان خدا با تمام بشریت

ما به این نگاه می‌کنیم که امروزه جهان تا چه حد بد است؛ یعنی هر نوع شرارتی در آن می‌بینیم و همچنان خدا متحمل ما می‌شود. از این رو، ما می‌توانیم تصور کنیم که تا چه حد شرایط بد بود که خداوند باید بوسیله طوفانی تمام جهان را نابود می‌کرد. "خدا به بشر احکامش را به عنوان قانونی برای زندگی داده بود، اما از قانونش تجاوز شد و هر نوع گناه قابل تصویری نتیجه آن شد. شرارت بشر آشکار و گستاخانه بود و عدالت در گرد و خاک پایمال شد و فریاد مظلومان به آسمان رسید." - الن جی. هوایت، Patriarchs and Prophets, p. 91

آیات ۱ تا ۱۷ باب ۹ پیدایش را بخوانید. چه پیمانی میان خدا و بشریت بسته شد و فیض خدا را نسبت به خلقت چگونه منعکس می‌کند؟

پیمانی که خدا به نوح بیان کرد از همه پیمان‌های کتاب مقدس جهانی تر است؛ با همه جهانیان بود که شامل حیوانات و گیاهان بود (پیدایش باب ۹ آیه ۱۲). همچنین این قراردادی یک طرفه بود: خداوند هیچگونه الزامات یا مقرراتی را به کسانی که پیمان می‌بستند تحمیل نکرد. او قصد نداشت به صورت دوره‌ای زمین را با آب نابود سازد. بر خلاف دیگر پیمان‌ها، این پیمان هیچ مورد مشروطی نداشت.

سپس خدا پیمان خویش را با نشانه‌ای آشکار که رنگین کمان است به نماد اینکه زمین دیگر هرگز بوسیله طوفان نابود نخواهد شد، تأیید نمود. پس هر زمان که ما رنگین کمانی می‌بینیم، حقیقت محضی که ما اینجا هستیم که آن را ببینیم به نوعی اثبات وعده پیمان باستانی است. (گذشته از هر چیز، اگر ما در طوفان جهانی از بین رفته بودیم، اکنون وجود نمی‌داشتیم که این رنگین‌کمان را ببینیم!) در میان گناه و شرارت مداوم بر روی زمین، زمان‌هایی با دیدن زیبایی رنگین‌کمان برکت می‌یابیم که نماد فیض خدا برای تمام دنیاست. می‌توانیم رو به آسمان به آن نگاه کنیم و امید بیابیم نه تنها فقط به خاطر زیبایی بنفسه بلکه زیرا می‌دانیم که این پیامی از محبت خدا به سیاره نگون بخت ماست.

در بزرگی و زیبایی رنگین‌کمان بیشتر تأمل کنید. بخصوص در زمینه آنچه کتاب مقدس درباره آن می‌گوید، به چه روش‌هایی ما را به سوی خدا، تعالی و چیزی بزرگتر از آنچه این زمین ارائه می‌کند، می‌برد؟

پیمان با ابراهیم

از کتاب پیدایش آیات ۱ تا ۳ باب ۱۲، ۱ تا ۵ باب ۱۵ و ۱ تا ۱۴ باب ۱۷ را بخوانید. این آیات درباره کاری که خداوند نظر داشت از طریق پیمان ابراهیم انجام دهد، به ما چه می‌گوید؟

پیمان فیض با ابراهیم برای تمام تاریخچه نجات اساسی است. به همین دلیل است که پولس از آن برای توضیح دادن نقشه نجات آنگونه که در عیسی تحقق یافت، استفاده کرد.

آیات ۶ تا ۹ باب ۳ غلاطیان را بخوانید. پولس چگونه پیمانی که با ابراهیم بسته شد را با عیسی و نجات تنها از طریق ایمان ربط داد؟

از طریق نسل ابراهیم - اشاره به بسیاری از فرزندان او ندارد بلکه به طور خاص به یک نفر یعنی عیسی اشاره می‌کند (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۶ را ببینید)، خدا تمام جهان را برکت خواهد داد. همه کسانی که از نسل ابراهیم باشند که با ایمان در مسیح بدست می‌آید (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹)، خدای ابراهیم را خدای

خود خواهند یافت. حتی در آن زمان، ابراهیم "به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد" (غلاطیان باب ۳ آیه ۶). نجات ابراهیم به خاطر کارش بیشتر از دزد روی صلیب نبود؛ همواره و تنها فیض نجات بخش خداست که نجات را به همراه دارد. ابراهیم سهم خودش را در وعده پیمان انجام داد. فرمانبرداری او ایمانی که وعده نجات را بدست آورد را آشکار نمود. کارش او را عادل نکرد؛ در عوض، کارهایش نشان داد که او از قبل عادل شده بود. این ماهیت این پیمان و چگونگی ابرازش در زندگی ایمان داری است (رومیان باب ۴ آیات ۱ تا ۳ را ببینید).

به این حقیقت بزرگ بیاندیشید که امیدتان به نجات تنها با عدالت عیسی که بواسطه ایمان به شما بخشیده شده است، می‌آید. چه امید و شادی بزرگی می‌توانید از این تدارک فوق‌العاده که برای شما مهیا شده است، بدست آورید؟

پیمان بر کوه سینا

پیمانی که میان اسرائیل و خدا بر کوه سینا بسته شد، چگونه بود؟ (خروج باب ۲۴)

موسی و چند نفری از رهبران به کوه سینا رفتند. این گروه رهبران متشکل بود از هارون و دو پسرش که نماینده کاهنان بودند؛ و ۷۰ رهبر و پیشکشوت که نمایندگان ملت بودند. همراهان موسی باید در فاصله‌ئی توقف می‌کردند، اما موسی اجازه داشت به بالا جایی که خدا ظاهر می‌شد برود.

کمی بعد موسی آمد و آن پیمان را با تمام ملت تصدیق کرد. او آنچه خدا به او گفته بود را انتقال داد که ملت چنین پاسخ دادند: "همه سخنانی که خداوند گفته است، بجا خواهیم آورد" (خروج باب ۲۴ آیه ۳ را ببینید).

به طور حتم همانطور که تاریخ مقدس نشان داده است و تجربه ما نیز اغلب آن را اثبات می‌کند، ادعای اطاعت کردن یک چیز است و با ایمان جلو آمدن و تسلیم شدن به منظور مهار کردن نیروی الهی که به ما فیض بدهد تا کاری را که می‌گوییم انجام خواهیم داد، انجام بدهیم چیز دیگر است.

آیه ۲ باب ۴ عبرانیان را بخوانید. این آیه چگونه شکست اسرائیل را توضیح می‌دهد؟ ما چگونه می‌توانیم از اشتباهی مشابه جلوگیری کنیم؟

ما تنها با ایمان و به گرفتن وعده‌هایی که با آن می‌آید، می‌توانیم مطیع باشیم، اطاعتی که با وفادار بودن به قانون خدا بیان می‌شود. اطاعت از قانون اطاعت از احکام دیگر مخالف عهد ابدی در زمان موسی نبود از آنچه امروز هست برداشت اشتباه معمول از قانون و پیمان‌ها که معمولاً از خواندن نوشته‌های پولس بدست می‌آید، ریشه در شکست در به حساب آوردن زمینه‌ای که او در آن می‌نوشت دارد، یعنی سر و کله زدن با کسانی که علاقه به حفظ قوانین تشریفات یهودی داشتند. آن‌ها می‌خواستند قانون و اطاعت از آن را مرکز ایمان قرار دهند؛ پولس در مقابل، قصد داشت مسیح و عدالتش را اساس آن کند.

هر چند وقت یکبار می‌گویید "هر چیزی که خداوند به من گفته است را انجام خواهم داد؟" و نتوانسته‌اید؟ چگونه این واقعیت تأسف‌بار وعده فیض را با ارزش‌تر می‌کند؟ بدون آن چه امیدی خواهید داشت؟

پیمان جدید: بخش اول

آیات ۳۱ تا ۳۴ باب ۳۱ ارمیا را بخوانید. این آیات چه در زمینه بلافصل آن زمان و چه امروزه دارای چه مفهومی هستند؟

ارمیا این کلمات را در میان بزرگترین بحرانی که مردم تا به آن زمان با آن روبرو شده بودند، بر زبان آورد: هجوم پیشروی بابلی‌ها زمانی که ملت با تهدید انقراض روبرو بود. هر چند در اینجا دوباره مانند دیگر مکان‌ها، خداوند به آن‌ها امید داد، وعده‌ای که این پایان نهایی نخواهد بود و اینکه آن‌ها فرصت دیگری خواهند داشت تا در محضر خدا زنده بمانند.

بنابراین، اولین وعده "پیمان جدید" در کتاب مقدس در زمینه بازگشت نهایی اسرائیل از تبعید بابل و برکتی که خدا در آن بازگشت به ایشان خواهد بخشید، آمده است. درست همانطور که شکستن پیمان سینا (ارمیا باب ۳۱ آیه ۳۲) تبعید را برایشان به همراه داشت، تجدید این پیمان آن‌ها و امیدشان به آینده را حفظ می‌کرد. پیمان جدید مانند پیمان بر کوه سینا ارتباطی بوده و شامل قانون مشابه می‌شد یعنی ده فرمان، اما نوشته شده در قلب‌هایشان و ذهن‌هایشان، جایی که باید همیشه می‌بود.

”همان قانونی که بر الواح سنگی حک شد، توسط روح القدس بر الواح قلب نوشته شده است. در عوض بوجود آوردن عدالت فردی خود، عدالت مسیح را می‌پذیریم. خون او کفاره گناهان ماست. اطاعت او بجای ما پذیرفته می‌شود. سپس قلب که بوسیله روح القدس احیا شده است ’ثمرات روح‘ را به بار خواهد آورد. ما باید از طریق فیض مسیح به فرمانبرداری قانون خدا که در قلب‌هایمان نوشته شده است، زندگی کنیم. ما باید با داشتن روح مسیح مانند او قدم برداریم.“ - الن جی. هوایت، Patriarchs and Prophets, p.

372

تحت پیمان جدید، گناهان آنها بخشیده خواهد شد، شخصاً خدا را خواهند شناخت و از طریق قدرت روح القدس که در آنها کار می‌کند، از قانون خدا پیروی خواهند نمود. پیمان قدیم در سایه‌ها و رموز، پیمان جدید در واقعیت، نجات همواره با ایمان بود، ایمانی که ”ثمرات روح“ را نمایان خواهد ساخت.

پیمان جدید: بخش دوم

نبوت ارمیا درباره پیمان جدید شامل کاربردی دوگانه است: نخست، به بازگشت اسرائیل به سوی خدا و برگردانده شدنشان توسط خدا به خانه اشاره دارد؛ دوم، به عیسی مسیح که مردنش پیمان را تصویب نمود و رابطه میان بشر و خدا را تغییر خواهد داد، اشاره می‌کند. در پیمان جدید است که ما توضیح کاملی از نقشه نجات را دریافت می‌کنیم که در گذشته تنها نمادین بیان شده بود (عبرانیان باب ۱۰ آیه ۱).

لوقا باب ۲۲ آیه ۲۰ و قرنطیان اول باب ۱۱ آیات ۲۴ تا ۲۶ را بخوانید. این آیات چگونه با نبوت ارمیا مرتبط هستند؟

بدن شکسته مسیح و خون ریخته شده اش در عهد قدیم در قربانی کردن بره عید فصح آشکار شد. آب انگور که نماد خون ریخته شده عیسی بر صلیب است، در عهد جدید نمایان شد. کار عیسی با عهد جدید آغاز نشد؛ شامل عهد قدیم هم می‌شود، و در مراسم عشاء ربانی می‌توانیم این ارتباط را ببینیم که آنچه عیسی در کل تاریخ نجات انجام داده است را یکی می‌کند.

نان و آب انگور کوتاهترین خلاصه آن تاریخ نجات هستند. اگر چه تنها نماد هستند، اما همچنان از طریق این نمادهاست که کار فوق‌العاده خدا را در قبال ما می‌بینیم.

مراسم عشای ربانی تنها به مرگ مسیح اشاره ندارد بلکه به بازگشتش که بدون آن مرگش بی معنی می‌بود، نیز اشاره می‌کند. گذشته از هر چیز، آمدن نخستین مسیح بدون بازگشتش در زمان رستاخیز ما چه سودی خواهد داشت (تسالونیکیان اول باب ۴ آیه ۱۶، قرنتیان اول باب ۱۵ آیات ۱۲ تا ۱۸)؟ عیسی رابطه را برقرار کرد زمانی که فرمود، "اما به شما می‌گویم که بعد از این از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزیکه آنرا در ملکوت پدر خود تازه آشامم" (متی باب ۲۶ آیه ۲۹). شکی نیست که آمدن نخستین مسیح با بازگشت دوباره اش وابسته است. تحقق کامل اولی در دومی وجود دارد.

بار دیگر که در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کنید، به این قول مسیح که میوه تاک را نخورید تا به همراه او در ملکوت خدا این کار بکنیم، بیاندیشید. این به شما چه احساسی می‌دهد؟ درباره احساس نزدیکی به ما که مسیح خواهان آن است، چه می‌گوید؟

تفکری فراتر: همانطور که دیدیم، کتاب مقدس می‌آموزد که رنگین‌کمان نشانه‌ای از پیمان خداست که هرگز زمین را دوباره با آب نابود نخواهد کرد. مطمئناً به لطف علم می‌دانیم که رنگین‌کمان در اثر تجزیه و انعکاس نور خورشید در قطرات آب وجود می‌آید که نور را در زوایای مختلف باز می‌تابانند. نور از یک جهت وارد قطره باران شده و از طرف دیگر آن بازتابیده می‌شود و همینطور رنگ‌هایی که ما می‌بینیم ساخته می‌شوند. شاعر جان کیتس (John Keats) ترسید که علم ساختار رنگین‌کمان را تحقیر می‌کند، اما حتی اگر ما بتوانیم همه چیز درباره رنگین‌کمان را تا اجزای داخلی فوتون‌ها و کوارک‌ها تجزیه، اندازه‌گیری، پیشگویی کنیم، تنها این را ثابت می‌کند که خدا چگونه از قوانین طبیعی در ساختن نشانه‌های این پیمان استفاده کرده است. علم شاید روزی قادر باشد همه چیز را درباره رنگین‌کمان توضیح دهد - حتی تا ۲۵ رقم اعشار - اما هرگز نمی‌تواند توضیح دهد که چرا آن‌ها بوجود آمدند.

اما ما دلیل آن را می‌دانیم. زیرا خدا جهان ما را به گونه‌ای آفرید که هنگامی که نور خورشید و مه در ارتباطی درست قرار دارند، مه نور را با جذب کردن و بازتاب آن به زوایای مختلف می‌شکند که دسته‌های امواج مغناطیسی تولید می‌کنند، که زمانی که به چشم ما می‌رسند تصویر رنگین‌کمان را در ذهن ما ایجاد می‌کنند. و او این کار را انجام داد ("چرایی" که علم هرگز نخواهد توانست توضیح دهد) تا پیمان خود را به ما یادآوری کند که هرگز دیگر زمین را با آب نابود نخواهد کرد.

سوالاتی برای بحث

۱- چه حقایق مهم دیگری هستند که کتاب مقدس از آن‌ها صحبت می‌کند و علم هرگز نمی‌تواند آن‌ها را توضیح دهد؟ در حقیقت،

آیا می‌توانید بحث کنید که علم درباره مهمترین چیزها نمی‌تواند توضیحی بیان کند؟ اگر پاسخ مثبت است، آن حقایق کدامند؟

۲- در کلاس، درباره رابطه مهم بین ایمان و اعمال در نقشه نجات بحث کنید. یعنی، نقش ایمان و نقش اعمال چیست و چگونه به تجربه مسیحی مربوط می‌شوند؟

۳- گفتن اینکه قانون بر قلبهای ما حک شده است، به چه معنی است؟ این نیت چگونه ابدیت قانون را حتی تحت پیمان جدید، نشان می‌دهد؟

بازگشت به مصر

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۴۰ آیات ۷ تا ۱۶؛ ارمیا بابهای ۴۱ تا ۴۳؛ خروج باب ۱۶ آیه ۳؛ اعداد باب ۱۶ آیه ۱۳؛ ارمیا باب ۴۴.

آیه حفظی: "بعد از آن آنها به من گفتند: خداوند شاهد صادق و امینی علیه ما باشد، اگر تمام احکامی که خداوند خدای ما، به وسیله تو به ما می‌دهد، اطاعت نکنیم" (ارمیا باب ۴۲ آیه ۵).

درس این هفته ما را به پایان حماسه ارمیای نبی می‌رساند. اگر چه این یک پایان "آنها به خوبی و خوشی از آن پس با هم زندگی کردند" نیست. به یک مفهوم، می‌توان مطالعه این هفته و قسمت قابل توجهی از کتاب ارمیا را با گفتن اینکه چیزی که ما در اینجا می‌بینیم، نمونه‌ای از محدودیت‌های فیض است، خلاصه کرد. یعنی فیض، کسانی را که مطلقاً از پذیرفتن آن سر باز می‌زنند، نجات نخواهد داد. مهم نیست خداوند چقدر با آنها صحبت کرد و نجات، حفاظت، رستگاری، آرامش و کامیابی به ایشان ارائه داد، همه به جز گروه کوچکی دعوت خدا را مسخره و رد کردند.

در مورد ارمیا چطور؟ زندگی و خدمت او از نظر همه انسان‌ها بیهوده بود! "نبی گریان" موارد زیادی برای گریه کردن داشت. حتی پس از اینکه تمام هشدارهای او تحقق بخشیده شد، مردم همچنان به گناه، بتپرستی و شورش خود ادامه دادند و روبروی نبی او را انکار کردند و به کلام خدا توهین کردند.

چقدر خود ما باید مراقب باشیم. فیض فیض است زیرا به کسانی که سزاوارش نیستند داده می‌شود؛ اما به هیچ کسی تحمیل نمی‌شود. ما باید با تمایل آن را بپذیریم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ دسامبر آماده شوید.

هرج و مرج سیاسی

ممکن است تصور شود که با نابودی شهر و شکست کامل از بابلی‌ها، همه مردم درس عبرت گرفته باشند. متأسفانه برای همه اینچنین نبود و داستان غم انگیز هنوز تمام نشده بود.

آیات ۷ تا ۱۶ باب ۴۰ ارمیا را بخوانید. چه پیامی (دوباره) به مردم داده شد؟ معنی واژه باقی‌ماندگان که در آیه ۱۱ بکار برده شده است، چیست؟

با وجود پیام صلح، و حتی کامیابی متعاقب آن (ارمیا باب ۴۰ آیه ۱۲)، همه از وضعیت موجود راضی نبودند.

باب ۴۱ ارمیا را بخوانید. اکنون "باقی‌ماندگان" با چه مشکلاتی مواجه خواهند شد؟

اگر چه دلایلی برای قتل داده نشده است، این حقیقت که توسط فردی از "خانواده سلطنتی و یکی از افسران ارشد پادشاه" (ارمیا باب ۴۱ آیه ۱) انجام شده بود، نشان می‌دهد که این نخبگان هنوز نپذیرفته بودند که ملت منتخب لازم بود تسلیم قوانین بابل شوند. از آنجایی که جدلیا توسط پادشاه بابل بر

تخت نشانده شده بود (ارمیا باب ۴۰ آیه ۵ را ببینید)، ممکن بود این مردم او را دست نشانده خیانت کار ببینند که به ملت وفادار نبوده و می‌بایست به همراه دربارش برکنار شود.

همانطور که باب ادامه می‌یابد، می‌توانیم ببینیم که اینک باقی‌ماندگان با تهدیدی جدید روبرو خواهند بود: ترس از بابلی‌ها که - شاید از جزئیات وقایع بی خبر بودند - برای مرگ جدلیا و سربازان بابلی بدنبال انتقام بودند (ارمیا باب ۴۱ آیه ۳).

گناهان اسماعیل و مردانش باعث وحشت کسانی شد که ارتباطی با این گناهان نداشتند. این باید چه چیزی به ما در این باره که چگونه با نا مطیع بودنمان، می‌توانیم باعث بروز درد و رنج برای دیگرانی که حتی ارتباطی با گناهان ما نداشتند شویم، بگوید؟

در جستجوی هدایت الهی

باب ۴۲ ارمیا را بخوانید. در آن چه پیام قدرتمندی نه تنها برای آن‌ها بلکه برای تمام کسانی که در دعاهایشان بدنبال هدایت خداوند هستند، وجود دارد؟

مردم که از بابلی‌ها در هراس بودند، بدنبال ارمیا گشته و از او خواستند برای ایشان به منظور دریافت هدایت الهی دعا کند. آن‌ها می‌بایست تا کنون دریافته باشند که ارمیا در حقیقت نبی خدا بود و هرچه با نام خداوند به زبان می‌آورد، به حقیقت می‌پیوست.

آن‌ها همچنین قسم خوردند که هرچه خدا فرمان دهد، انجام خواهند داد. بنابراین همانطور که می‌خوانیم مردمی را می‌بینیم که درس عبرت گرفته‌اند و نه تنها خواهان دانستن اراده خدا هستند، بلکه مهمتر از آن، بدنبال پیروی از آن هستند. کلمات - "احکام خداوند، خدای خود را که از تو می‌خواهیم به حضورش برای ما دعا کنی، چه مطابق میل ما باشد و چه نباشد، اطاعت خواهیم کرد. اگر از او اطاعت کنیم همه چیز برای خیریت ما خواهد بود" (ارمیا باب ۴۲ آیه ۶) - اعترافی قدرتمند از ایمان بود. پس از تمام اتفاقات، دیگر زمان چنین اعترافی رسیده بود.

به این توازن با پیام‌های پیشین ارمیا دقت کنید: به قدرت‌های خارجی اعتماد نکنید. به خداوند اطمینان کنید و او شما را کامیاب خواهد کرد و در وقت مناسب شما را نجات خواهد داد. نجات از جایی دیگر و یا از طرف شخصی دیگر نخواهد بود.

نیروهای بیگانه در گذشته به شما کمکی نکردند و پس از این هم نخواهند کرد.

خدا باید به آنها هشدار دهد زیرا خواسته قلبه‌ایشان را می‌داند: او می‌داند که آنها به بازگشت به مصر می‌اندیشند (در اینجا به نماد بیانید) تا محافظتی که به دنبالش بودند را بیابند. از این رو خداوند فرمان‌های واضح و مستقیمی داد که آن کار را انجام ندهند زیرا باعث نابودیشان خواهد شد.

بار دیگر انتخابی دشوار که همه ما باید با آن روبرو شویم: زندگی و آرامش از طریق ایمان و اطاعت از عیسی یا بدبختی و مرگ از طریق نداشتن ایمان و فرمانبرداری. بدون توجه به شرایط متفاوت، در نهایت این موضوع برای همه ما یکسان است. به ما بر خلاف این مردم، همیشه به طور خاص و واضح هشدار داده نمی‌شود، اما هشدارها به گونه‌ای دیگر به ما داده شده است.

زندگی یا مرگ، برکت یا نفرین. شما هر روز چه نوع انتخاب‌هایی می‌کنید، برای مرگ یا زندگی؟

بازگشت به مصر

اگر ادامه را نخوانده باشید، باب ۴۲ ارمیا می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. مردم چه کاری انجام خواهند داد؟ آیا با ایمان جلو آمده، ایمانی که در اطاعت نمایان شده است و در یهودا باقی خواهند ماند؟ و یا همان اشتباهات گذشته را تکرار کرده و به جای دنبال کردن "و چنین گفت خداوند،" کاری را که می‌خواهند انجام دهند، انجام خواهند داد بر خلاف هشدارهای مشخص خداوند درباره آنچه در صورت بازگشت به مصر در انتظارشان خواهد بود که در چند آیه آخر باب ۴۲ آمده‌اند.

آیات ۱ تا ۷ باب ۴۳ ارمیا را بخوانید. آنها چه کار کردند؟

هنگامی که کلام خدا با تمایلات و خواسته‌های ما مغایرت دارد، ما گرایش به شک کردن به منشاء الهی‌اش داریم. به همین ترتیب مردم و رهبران درباره ارمیا شک داشتند. ظاهراً در اسرائیل تنها شرایط تغییر کرده بود، اما مردم در ذهن و قلبشان مانند قبل بودند. آنها با حمله به ارمیا نبی خودشان را از قسمشان معاف کردند. اگر چه نمی‌خواستند مستقیماً به نبی مسن حمله کنند. بنابراین دوست و منشی‌اش باروخ را متهم نمودند و نسبت به او خشم ورزیدند و ادعا کردند که او نبی را بر ضد آنها گردانیده است.

خروج باب ۱۶ آیه ۳ و اعداد باب ۱۶ آیه ۱۳ را بخوانید. چه تشابهاتی میان آنچه مردم به ارمیا گفتند و آنچه پیشینیان آن‌ها به موسی گفتند، وجود دارد؟

طبیعت انسان طبیعت انسانی است، همیشه بدنبال مقصر دانستن دیگران برای اشتباهات خود است، همواره بدنبال بهانه برای انجام آنچه می‌خواهد است. از این رو، به هر دلیلی باروخ متهم به تمایل داشتن به کشته شدن هموطنانش بدست بابلی‌ها یا به تبعید برده شدنشان به آن‌جا متهم شد. در آیات ۱ تا ۷ باب ۴۳ ارمیا نگفته است که چرا مردم فکر می‌کردند باروخ تمایل به این اتفاق دارد درست همانطور که در کتاب مقدس دلیل اینکه فرزندان اسرائیل فکر کردند که موسی می‌خواهد آن‌ها پس از ترک مصر در بیابان بمیرند، ذکر نشده است. مردم در بند احساسات و تعصبات ممکن است دلایل محکمی برای افکارشان نداشته باشند. پس چقدر مهم است که ما احساسات و هیجان‌اتمان را تسلیم خداوند کنیم!

ما چند بار اجازه می‌دهیم احساسات و تعصباتمان بر قضاوت‌هایمان تأثیر بگذارند و یا باعث نادیده گرفتن "و چنین گفت خداوند" بشوند؟ چگونه می‌توانیم خود را از کنترل احساسات و تعصبات مصون بداریم؟ (قرنتیان دوم باب ۱۰ آیه ۵ را ببینید.)

به تبعید برده شدند

آیات ۸ تا ۱۳ باب ۴۳ ارمیا را بخوانید. خداوند از طریق ارمیا چه فرمود؟

تَحْفَنحِيس شهری در مرز شمال شرقی مصر بود که استحکامات قابل توجهی داشت و تعداد زیادی از مستعمره نشینان یهودی در آن زندگی می‌کردند.

در اینجا دوباره، خداوند می‌خواهد که ارمیا نبوتی نمادین انجام دهد. اگر چه کلمات قدرتمند هستند، گاهی وقتی چیزهایی در زندگی واقعی انجام می‌شوند، وقتی که در مقابلمان صورت می‌پذیرند، نیت و منظور آن‌ها قوی تر انتقال می‌یابد.

به ما گفته نشده است که ارمیا چگونه باید سنگ‌ها را در برابر خانه فرعون دفن می‌کرد. اما نکته مشخص بود: حتی فراعنه قدرتمند همتای خداوند نبودند و او کلام خود را آنچنان که فرموده بود، تحقق می‌بخشید. پناه‌جویانی که می‌اندیشیدند با رفتن به مصر امنیت و محافظت خواهند یافت کاملاً در اشتباه بودند، درست مانند کسانی که پیشتر دیدیم، که فکر می‌کردند آمدن مصریان به نزد آن‌ها برایشان امنیت و محافظت به ارمغان خواهد آورد (ارمیا باب ۳۷ آیات ۷ و ۸). خدایان مصری تصورات منحرف بیهوده و وهم‌آلودی بودند؛ این خدایان رجاست‌های بت‌پرستی بودند که مردم را در نادانی محض حقیقت‌نگه می‌داشتند.

اسرائیلی‌ها باید می‌دانستند، و ما نیز باید امروز آگاه باشیم، که تنها محافظ و امنیت حقیقی ما در اطاعت از خداوند است.

”هنگامی که انکار نفس بخشی از مذهب ما می‌شود، ما باید اراده خدا را درک کرده و انجام دهیم؛ زیرا چشمان ما با سرمه چشم تدهین خواهند شد تا بتوانیم چیزهای فوق‌العاده زیبای قانونش را مشاهده کنیم. ما باید راه اطاعت را تنها راه امن بدانیم. خدا زمانی که مردمش نور حقیقت را درک می‌کنند، به تناسب آن‌ها را مسئول می‌داند. مطالبه‌های قانون او عادلانه و منطقی هستند و او از ما انتظار دارد از طریق فیض مسیح الزاماتش را بجا آوریم.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Review and Herald, February 25, 1890

همچنین به مورد نمادین در بازگشت اسرائیلی‌ها به مصر در جستجوی امنیت بیانده‌شید. چه کنایه‌دار! در مفهومی روحانی، راه‌هایی که ممکن است ما وسوسه شویم که برای یافتن چیزی که فکر می‌کنیم با خداوند نمی‌یابیم، ”به مصر بازگردیم“ کدامند؟

بی‌اعتنائی آشکار

آیات ۱ تا ۱۰ باب ۴۴ ارمیا را بخوانید. اسراء در مصر چه کاری انجام می‌دادند؟

ارمیا در طول اسارت در مصر با همان مشکلاتی که در مدت زندگی در یهودا با مردم داشت، روبرو شد. در آن زمان او باید با رهبران صحبت می‌کرد؛ اکنون باید با مردم عادی سخن می‌گفت که در طول اسارت همان گناه‌هایی را مرتکب می‌شدند که در ابتدا باعث بوجود آمدن این آشوب بود.

آنها در روبرو شدن با ارمیا، چه پاسخ شگفتانگیزی به او دادند؟ (ارمیا باب ۴۴ آیات ۱۵ تا ۱۹)

سختی قلب‌هایشان و فریبی که گریبان‌گیرشان شده بود، بسیار عجیب است. اساساً آنها در چشمان ارمیا نگاه کرده و از آنچه "در نام خداوند" گفته بود سرپیچی کردند.

منطقشان ساده بود: در روزهای اول قبل از اصلاحات یوشیا، زمانی که آنها کاملاً غرق در پرستش خدایان دروغین بودند، حتی

برای "ملکه آسمان" بخور می‌سوزانند و برایش هدایای نوشیدنی می‌ریختند، همه چیز برایشان به خوبی پیش رفت. آن‌ها از نظر مادی شرایط خوبی داشتند و در امنیت زندگی می‌کردند. اگر چه، بعد از اصلاحات یوشیا بود (که دیگر دیر و از روی بی‌علاقگی بود) که فجایع شروع شد. بنابراین چرا آن‌ها بایستی به ارمیا و همه هشدارهایش گوش می‌کردند؟

پاسخ ارمیا (ارمیا باب ۴۴ آیات ۲۰ تا ۳۰) چنین بود نه، شما درک نمی‌کنید. آمدن این فجایع دقیقاً بدلیل این کارهایی است که شما انجام دادید. بدتر اینکه لجوجانه نپذیرفتن شما برای تغییر کردن به این معنی است که حتی بلایای بیشتری خواهند آمد و امنیتی که فکر می‌کردید در مصر پیدا خواهید کرد، تنها دروغ و فریب است درست مانند خدایان دروغینی که می‌پرستید. در پایان، حقیقت را خواهید فهمید اما دیگر خیلی دیر خواهد بود.

نظرتان در این باره که کسانی که غرق گناه و ناباوریند به نظر اوضاعشان خیلی خوب است در حالی که گاهی ایمانداران مسیحی با سختی و مشکل روبرو می‌شوند، چیست؟ چطور با این واقعیت کنار می‌آییم؟

تفکری فراتر: در سرتاسر کتاب ارمیا درست مانند همه کتاب مقدس، ما با مسئله نیکی و شرارت روبرو هستیم. و ما به عنوان افراد مسیحی نیکی را از شرارت تشخیص می‌دهیم، زیرا خدا به روش‌های متفاوتی این واژگان را برای ما تشریح نموده است. (برای مثال، رومیان باب ۷ آیه ۷، میکاه باب ۶ آیه ۸، یوشیا باب ۲۴ آیه ۱۵، متی باب ۲۲ آیات ۳۷ تا ۳۹، تثنیه باب ۱۲ آیه ۸ را ببینید.) اما اگر به خدا اعتقاد نداشته باشید چطور؟ خوب، نویسنده ملحد، سم هریس (Sam Harris) یک پیشنهاد دارد. او کتابی با نام *The Moral Landscape* نوشته است که در آن به این بحث پرداخته است که نیکی و شرارت باید تنها در زمینه علمی بررسی و درک شوند. یعنی، درست همانطور که علم به ما در درک تفاوت میان نیروی هسته‌ای قوی و نیروی هسته‌ای ضعیف کمک کرده است، باید به ما در تشخیص نیکی از شرارت و درست از اشتباه نیز کمک کند. او حتی حدس زده است که ممکن است روزی علم شرارت را از بین ببرد. "در نظر بگیرید به خاطر بحث که اگر برای شرارت بشری علاجی یافت شود، چه اتفاقی خواهد افتاد. تصور کنید هر تغییر مربوط در مغز انسان بسیار ارزان، بدون درد و امن انجام می‌شد. علاج اختلالات روانی مستقیم مانند ویتامین D در غذای افراد ریخته می‌شد. در آن صورت شرارت چیزی جز یک کمبود غذایی نبود." *The Moral Landscape*, p. 109 (Simon & Schuster, Inc., Kindle Edition) اگر چه اکثر دانشمندان حتی آن‌هایی که به خدا اعتقاد ندارند، با باور اینکه علم می‌تواند این مشکلات را حل کند، موافق نیستند. هر چند اگر شما به خدا اعتقاد ندارید، دیگر کجا می‌توانید چنین راه‌حلی بیابید؟

سوالاتی برای بحث

۱- "برای ما همه چیز بستگی به این دارد که چگونه شرایط خداوند را می‌پذیریم." - الن جی. هوایت، Selected Messages, book one, p. 118. چرا فرض اینکه نجات بدون هیچ شرطی می‌آید، اشتباه است؟ شرایط مشابه با کارها و یا چیزهایی که ما را در برابر خدا سزاوار می‌سازند نیستند. چگونه می‌توانیم تمیز بین تعلیم دروغین نجات توسط اعمال (قانون گرایی) و تعلیم دروغین که نجات مشروط نیست (فیض ارزان) را بیاموزیم؟

۲- در مسئله دشوار پایان روز پنجشنبه بیشتر تأمل کنید. اگر کسی بگوید: "من به عیسی اعتقاد ندارم، من حتی به خدا نیز اعتقاد ندارم و ببینید که زندگی‌ام چقدر خوب است. در حقیقت می‌توانم بگویم زندگی‌ام از زندگی شما بهتر است با اینکه شما یک مسیحی هستید"، چگونه پاسخ خواهید داد؟

درس‌هایی از ارمیا

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: ارمیا باب ۲ آیه ۱۳، باب ۶ آیه ۲۰، باب ۷ آیات ۱ تا ۱۰؛ متی باب ۱۹ آیه ۱۲؛ تثنیه باب ۶ آیه ۵؛ ارمیا باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۵، باب ۲۳ آیات ۱ تا ۸.

آیه حفظی: "خداوند می‌گوید: «زمانی می‌آید که من از نسل داوود پادشاهی عادل بر می‌گزینم. آن پادشاه با حکمت حکومت می‌کند و آنچه را که راست و درست است، در تمام این سرزمین انجام خواهد داد» (ارمیا باب ۲۳ آیه ۵).

اکنون ما به انتهای مطالعه‌مان از ارمیا رسیدیم. این مانند یک ماجراجویی بوده است؛ تعداد زیادی اتفاقات غم‌انگیز، احساسات و انرژی در حماسه این نبی اتفاق افتاد.

ارمیا نیز مانند سایر انبیاء بیهوده ننوشت: کتاب او پیامی از جانب خداوند برای مردم در زمان و مکان و شرایط خاصی بود.

و همچنان اگرچه شرایط او کاملاً با زمان ما یا سایر نسل‌ها که کتاب او را خوانده‌اند، متغایر بودند، پایه‌های اساسی و بسیار

مهم که در آن بیان شدند برای هر نسلی از قوم خدا یکسان هستند.

مانند ایمان به خدا و اطاعت از فرمان‌هایش. مانند مذهبی حقیقی، مذهبی از روی دل در برابر مراسم بی روح و بی‌هوده که رضایت دروغین می‌دهند. مانند تمایل مردم به پذیرفتن اصلاحات حتی زمانی که بر خلاف آنچه تمایل به شنیدن دارند است. مانند تجدد و اصلاح شدن حقیقی. مانند اطمینان به خداوند و وعده‌هایش به جای بازوی جسم. مانند ...

این فهرست ادامه دارد. بیایید این هفته نگاهی بیاندازیم به بعضی از درس‌هایی که می‌توانیم از این مکاشفه محبت خدا برای قومش حتی در میان هشدارهای شدید نسبت به عاقبت اعمالشان بیاموزیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۶ دسامبر آماده شوید.

خداوند ارمیا

ادونتیست‌های روز هفتم می‌فهمند که در مرکز نبرد بزرگ موضوعی اساسی وجود دارد: سیرت خدا چیست؟ خدا واقعاً چگونه است؟ آیا آنگونه که شیطان ادعا می‌کند مستبد و خودسر است یا پدری با محبت و مهربان است که تنها بهترین را برای ما می‌خواهد؟ این پرسش‌ها به درستی مهم‌ترین پرسش‌های کائنات هستند. گذشته از هر چیز، اگر خدا با محبت، مهربان و از خود گذشته نبود و در عوض بدجنس، خودخواه و آزار دهنده بود، شرایط ما چگونه می‌بود؟ در آن صورت نداشتن خدا برای ما بهتر از داشتن چنان خدایی بود.

از این رو، این پرسش‌ها دارای اهمیت بسیاری هستند. خوشبختانه، ما پاسخ آن‌ها را داریم و به بهترین شکل در صلیب دیده می‌شوند.

”او که قدرت‌ش جهان‌های بی‌شمار را در محدوده بیکران فضا بوجود آورد و حمایت نمود، محبوب خدا عظمت آسمان، او که کروب و سراف از دوست داشتنش خوشنود بودند - خود را فروتن نمود تا بشر سقوط کرده را نجات دهد؛ که او تقصیر و شرمساری گناه را بدوش بکشد و پنهان شدن چهره پدر از او تا حدی که مصیبت‌های جهان قلب او را شکست و جانش را بر صلیب جلجتا از او ربود. که خالق همه جهان‌ها، داور همه سرنوشت‌ها باید جلالش را کنار گذاشته و خود را تحقیر نماید به خاطر محبت به بشر دائماً حیرت و پرستش عالم را بر خواهد انگیخت.“ - الن جی. هوایت،

The Great Controversy, p. 651

سیرت و ماهیت خدا چگونه در آیات زیر از کتاب ارمیا نمایان شده است؟ یعنی، این آیات درباره او به ما چه می‌گویند؟

ارمیا باب ۲ آیه ۱۳

ارمیا باب ۵ آیه ۲۲

ارمیا باب ۱۱ آیه ۲۲

ارمیا باب ۳۱ آیه ۳

ارمیا باب ۳ آیه ۷

این آیات تنها تعداد کمی از بسیاری تصاویر و اصطلاحات استفاده شده در این کتاب هستند که چیزی از سیرت و ماهیت خدا را برای ما آشکار می‌کنند. او منشاء زندگی، خالق توانمند، خدای داوری است، خدایی که پیوسته نسبت به ما محبت داشته و ما را فرا می‌خواند تا از گناهانمان منحرف کرده و از راهی که ما را به نابودی می‌کشاند توبه کنیم.

شما شخصاً چه تجربه‌ای درباره شخصیت محبت آمیز خدا داشته‌اید؟

آئین‌ها و گناه

”مدرکی هست به نام کتاب مقدس که تقلای دائمی و دلسرد کننده خدا با مذهب سازمان یافته را ثابت کرده است.“ - تری ایگلتون (Terry Eagleton)

Reason, Faith, and Revolution: Reflections on the God Debate, p. 8, Kindle Edition

این کاملاً درست نیست و به این دلیل است که مذهب کتاب مقدس، آن که خدا به بشریت داده است همواره ”مذهبی سازمان یافته“ بوده است.

از سوی دیگر، شکی نیست که در کتاب ارمیا، خداوند بدنبال دور کردن مردم از آئین‌های سرد، کهنه ولی بسیار سازمان یافته بود که برای چیره شدن بر ایمانشان بوجود آمده بودند، آئین‌هایی که آن‌ها بر این باور بودند گناهانشان را می‌پوشاند.

همانطور که قبلاً گفته شد و ارزش تکرار دارد، اکثر مبارزات ارمیا با رهبران و کاهنان و مردمی بود که معتقد بودند از آنجایی که منتخبان خدا، فرزندان ابراهیم و مردم طرف پیمان هستند، همه چیز بین آن‌ها و خداند درست است. چه فریب غم‌انگیزی که ما فرزندان نسل ابراهیم (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹) نیز باید مراقب آن باشیم.

پیام آیات زیر از کتاب ارمیا چیست؟ مهمتر اینکه، ما چگونه می‌توانیم اصول موجود در آن‌ها را در همراهیمان با خداوند اعمال کنیم؟ (ارمیا باب ۶ آیه ۲۰، باب ۷ آیات ۱ تا ۱۰).

آیات ۹ و ۱۰ باب ۷ ارمیا را بخوانید. اگر کسی بدنبال یافتن موقعیتی متناسب با آنچه که "فیض بی ارزش" خوانده شده است می‌باشد، برای اینجا این اصطلاح دقیقاً صادق است. این مردم همه این کارهای گناه‌آلود را انجام می‌دهند و سپس به معبد بازگشته و خدای حقیقی را "عبادت می‌کنند" و مدعی بخشش گناهانشان هستند؟ خدا قابل تمسخر نیست. در صورتی که این مردم راه‌هایشان، بویژه نحوه رفتارشان با ضعیفان را تغییر ندهند، با مجازاتی سخت روبرو خواهند شد.

آن‌ها تحت چه فریبی هستند، این باور که مذهب سازمان یافته و سنن آن برای پوشش گناهانشان کافی است تا بتوانند همچنان مرتکب گناه شوند.

تفاوت میان آنچه ارمیا در اینجا هشدار می‌دهد با آنچه عیسی در آیه ۱۲ باب ۹ متی فرمود، چیست؟ چرا دانستن این تفاوت مهم است؟

مذهب قلبی

“پس همه ما فرداً فرد باید حساب خود را به خدا پس بدهیم”
(رومیان باب ۱۴ آیه ۱۲).

قسمت بزرگی از کتاب ارمیا به ملت به شکل کامل هدف گیری شده است. بارها او بطور مشترک درباره اسرائیل و یهودا به عنوان “تاک برگزیده” (ارمیا باب ۲ آیه ۲۱)، یا “محبوب” خداوند (ارمیا باب ۱۱ آیه ۱۵)، “میراث” خدا (ارمیا باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹)، “تاکستان” خود (ارمیا باب ۱۲ آیه ۱۰) و “گلّه” خود (ارمیا باب ۱۳ آیه ۱۷) سخن گفت. بدون شک در این کتاب ما احساس طبیعت همگانی بودن دعوت خدا از این ملت را بدست می‌آوریم.

به طور حتم در عهد جدید نیز چنین است، جایی که کلیسا بارها با مفهوم همگانی یاد شده است. (افسیان باب ۱ آیه ۲۲، باب ۳ آیه ۱۰ و باب ۵ آیه ۲۷ را ببینید).

با وجود این، نجات شخصی است و نه همگانی. ما به عنوان بسته‌های معاملات نجات پیدا نمی‌کنیم. ملت یهودا مانند کلیسای عهد جدید، از افراد تشکیل شده بود و در سطح انفرادی است که مسائل و مشکلات بسیار مهم بوجود می‌آیند. آیه بسیار مهم در آیه ۵ باب ۶ تثنیه “پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما” با وجود اینکه به صورت کلی به ملت سخن می‌گوید اما به صورت مفرد و دوم شخص نوشته شده است. خدا با هر کس به صورت فردی صحبت می‌کند. در پایان، هر کدام از ما باید شخصاً گزارشی از خود به خدا ارائه بدهیم.

چیزی مشابه را در کتاب ارمیا نیز می‌توانیم بیابیم.

آیات زیر درباره اهمیت قدم برداشتن شخصی و فردی با خداوند،
چه چیزی می‌گویند؟

ارمیا باب ۱۷ آیه ۷

ارمیا باب ۱۷ آیه ۱۰

ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳

ارمیا باب ۹ آیات ۲۳ و ۲۴

اگر چه هر دو عهد کتاب مقدس از ماهیت کلیسای خدا به عنوان همگانی یاد می‌کنند، اما ایمان حقیقی به هر فرد بستگی دارد که روزانه به خداوند تسلیم شود و به قدم برداشتن در ایمان و اطاعت مصمم باشد.

اگر چه شکی نیست که هر کدام از ما شخصاً نسبت به جان خود مسئول هستیم، چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که تمام تلاشمان را برای تشویق کردن دیگران انجام بدهیم؟ در حال حاضر، چه کسی را می‌شناسید که می‌توانید کلامی دلگرم و تشویق کننده به ایشان بگویید؟

عصر جهالت بتها

یکی از گناہانی که مردم مرتکب می‌شدند و ارمیا همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، چه بود؟ (ارمیا باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۵).

فقط روشی که نبی نشان می‌دهد که این بتها تا چه حد بیهوده، بی مصرف و احمقانه هستند جالب توجه نیست بلکه مورد مقایسه قرار دادن آن‌ها با خدا توسط او نیز بسیار جالب است. این چیزها ناتوان، بی‌مصرف، تهی و دروغین هستند؛ چه تضادی نسبت به خداوند که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد! او تا به ابد دوام خواهد آورد در حالی که این بتها برای همیشه نابود خواهند شد. پس ما باید چه کسی را پرستش کنیم و زندگیمان را وقفش نماییم: آن که ضعیف، دروغین، بیهوده و ناتوان است یا خداوند که قدرت و عظمتش آنقدر زیاد است که عالم هستی را آفریده و محفوظ می‌دارد؟ بدون شک پاسخ مشخص است.

با این حالی که پاسخ واضح است، واقعیت این است که ما نیز در خطر بت پرستی قرار داریم. اگرچه ممکن است امروزه بتهایی مانند زمان ارمیا را پرستش نکنیم، زندگی امروزی ما پر از خدایان دروغین است. این بتهای امروزی می‌توانند هر چیزی که ما بیشتر از خدا دوست داریم باشند؛ هر آنچه که عبادت می‌کنیم

(و عبادت همواره به معنای دعا کردن و ترانه خواندن نیست)،
خدای ما می‌شود و ما متهم به بت پرستی می‌شویم.

برخی از چیزهایی که ما در خطر تبدیل آن‌ها به بت هستیم،
کدامند؟ چیزهایی مانند وسایل دیجیتال، پول، شهرت و حتی
افراد دیگر چگونه؟ فهرستی از این بت‌های بالقوه تهیه کنید و
سپس در پایان از خود بپرسید: آن‌ها چه نجاتی واقعی ارائه
می‌دهند؟

به طور حتم، ما از لحاظ فکری می‌دانیم که هیچ کدام از این‌ها
ارزش عبادت کردن را ندارند. می‌دانیم که در پایان هیچ کدام
از چیزهایی که این جهان ارائه می‌دهد و هیچ کدام از چیزهایی
که ما به بت تبدیل می‌کنیم، نمی‌توانند در نهایت روان ما را
راضی کنند و آن را نجات دهند. ما همه این چیزها را می‌دانیم
و با این حال اگر مراقب نباشیم و عیسی و آنچه را که برای
ما انجام داد و دلیل آن را در برابر خود نداشته باشیم، ممکن
است به آسانی دچار نوع امروزی بت پرستی مانند آنچه ارمیا
بسیار شدید با آن مبارزه نمود، بشویم.

باقی‌ماندگان

“در آخرین روزهای ارتداد یهودا، نصایح انبیاء به نظر تأثیر زیادی نداشتند؛ و زمانی که ارتش کلدانیان برای سومین و آخرین بار برای محاصره اورشلیم آمدند، امید از همه دل‌ها رخت بر بست. ارمیا نابودی کامل را پیش‌بینی کرد؛ و این به دلیل اصرار او بر تسلیم شدن بود که در نهایت به زندان انداخته شد. خدا باقی‌ماندگان در شهر را در ناامیدی بدون چاره رها نکرد. حتی زمانی که ارمیا تحت نظارت شدید توسط کسانی که پیام‌هایش را به تمسخر گرفتند بود باز هم مکاشفه‌های جدیدی درباره تمایل آسمان به بخشش و نجات دیافت کرد که منبع پایدار آرامش برای کلیسای خدا تا به امروز بوده است.” - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 466.

حتی در میان آن ارتداد و ویرانی، خدا همواره مردمی وفادار داشت هر چند تعداد آن‌ها کم بود. اگرچه مانند سایر انبیاء، بیشتر تأکید در کتاب ارمیا بر ارتداد و عدم وفاداری بود - زیرا این‌ها چیزهایی بودند که خداوند می‌خواست مردم را از آن‌ها نجات دهد - در طول تاریخ مقدس، خداوند باقی‌ماندگان وفاداری داشت. به طور حتم این تا آخرالزمان ادامه خواهد داشت (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷ را ببینید).

مفهوم باقی‌مانده در آیات ۱ تا ۸ باب ۲۳ ارمیا چگونه بیان شده است؟ این چگونه در مورد زمان عهد جدید کاربرد دارد؟ (ارمیا باب ۳۳ آیات ۱۴ تا ۱۸ را نیز ببینید.)

دانشمندان در آیات ۵ تا ۷ نبوتی مسیحایی درباره نجان مردم ایمان دار خدا دیده‌اند. اگرچه حقیقت دارد که پس از تبعید به بابل، باقی‌ماندگانی برگشتند، اما چشمگیر نبود. با این وجود، هدف خدا از طریق دودمان داود و توسط "شاخه‌ئی عادل" تحقق خواهد یافت، پادشاهی که روزی بر تخت خواهد نشست.

بخشی از این نبوت در نخستین آمدن عیسی تحقق یافت (متی باب ۱ آیه ۱، متی باب ۲۱ آیات ۷ تا ۹، یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۳ را ببینید). در بازگشت دوباره عیسی (دانیال باب ۷ آیات ۱۳ و ۱۴ را ببینید) زمانی که تمام قوم ایماندار خدا، باقی‌ماندگان حقیقی‌اش برای همیشه در صلح و امنیت زندگی خواهند کرد، تحقق کامل خواهد یافت. نجات که نخستین بار در خروج از مصر نمادین شد، کامل و ابدی خواهد شد.

شما امیدتان را در چه چیزی می‌گذارید؟ چگونه می‌توانید اطمینان بیش از پیش به وعده‌های خدا و تحقق کامل آن‌ها در زندگیتان را بیاموزید؟ در کنار آن‌ها، چه چیز دیگری دارید؟

تفکری فراتر: سال‌ها پیش یک خدمتگزار ادونتیست روز هفتم به نام دبلیو. دی. فرازی (W. D. Frazee) موعظه‌ای با نام "برندگان و بازندگان" ارائه داد. در آن، او به زندگی چندین شخصیت کتاب مقدس پرداخت و از خدمت و زندگی آن‌ها گفت و سپس این سؤال را در باره هر کدام از ایشان پرسید: او یک برنده بود یا بازنده؟

برای مثال، او نگاهی به یحیی تعمید دهنده که تنها در بیابان زندگی می‌کرد، انداخت. اگرچه یحیی در نهایت پیروانی داشت، اما هرگز زیاد نبودند و مطمئناً به تعداد آنچه عیسی داشت نبود. و بدون شک یحیی آخرین روزهای زندگی‌اش را در زندانی سرد و مرطوب گذراند، جایی که گهگاهی دچار شک و تردید می‌شد و در نهایت سرش بریده شد (متی باب ۱۴). شیخ فرازی پس از گفتن همه این‌ها، پرسید: "آیا یحیی برنده بود یا بازنده؟"

ارمیا نبی چگونه؟ زندگی او تا چه حد موفق بود؟ او بسیار رنج کشید و از ناله و زاری کردن برای آن واهمه‌ای نداشت. با چند مورد استثناء، به نظر می‌رسد که کاهنان، انبیاء، پادشاهان و مردم عادی نه تنها آنچه می‌گفت را نمی‌پسندیدند، بلکه کاملاً نسبت به آن احساس تنفر می‌کردند. به او حتی به عنوان یک خائن نسبت به قوم خویش نسبت دادند. در انتها، نابودی و سرنوشت شومی که او از آن هشدار داده بود، آمد زیرا مردم بارها کلام او را رد کردند. آن‌ها او را در گودالی گلی انداختند به این امید که بمیرد. او زنده ماند و ملتش را دید که تبعید شدند زمانی که اورشلیم و معبد نابود شدند. از این رو، از نقطه نظر انسانی، اوضاع زیاد برای ارمیا به خوبی پیش نرفت. از یک نظر می‌توان گفت که ارمیا زندگی تیره‌تری داشت.

سوالاتی برای بحث

۱- آیا ارمیا برنده بود یا بازنده؟ دلایل پاسخ خود را توضیح دهید. اگر می‌گویید که برنده بود، این درباره اهمیت اینکه ما واقعیت را با استانداردهای جهانی قضاوت نمی‌کنیم، چه می‌گوید؟ از چه استانداردهایی باید برای درک درستی و نادرستی، خوبی و بدی و موفقیت و شکست استفاده کنیم؟

۲- ما به چه روش‌هایی از پیش تصویر شدن زندگی عیسی را در زندگی ارمیا می‌بینیم؟ تشابهات آن‌ها کدامند؟

۳- در ابتدای این هفته مشکل "فیض کم ارزش" را باور داشتن که پیروزی از بعضی سنت‌های مذهبی برای پوشش گناه کافی است، دیدیم. فیض حقیقی در مقابل نوع بی ارزش و فریبنده آن که در اینجا نسبت به آن هشدار داده شده است، چیست؟